

کارنامه شیلات ایران

یادمانده هایی از ۴۱۷ روز خدمت در
شرکت سهامی شیلات ایران

نوشته

غلامرضا تاج بخش

فهرست مطالب

پیش گفتار

بخش اول: انتصاب و آغاز خدمت

بخش دوم: مروری بر تاریخچه ماهیگیری ایران در سده های گذشته در دریای خزر

بخش سوم: قرارداد ماهیگیری ایران و شوروی در مهر ۱۳۰۶ و ملی شدن شیلات جنوب ایران در ۱۱ بهمن ۱۳۳۶

بخش چهارم: مسئله ماهی و ماهیگیری در دریای خزر

(۱) - افزایش مصرف ماهی

(۲) - کاهش میزان صید

الف - تنزل سطح آب دریای خزر

ب - تقلیل مراکز تخم ریزی و پیدایش سایر عوارض زیانبخش

پ - معضل لایروبی مرداب انزلی

(۳) - مقررات و سنن ماهیگیری در دریا و رودخانه ها

بخش پنجم: - ایجاد شرکتهای تعاونی ماهیگیران دریای خزر

بخش ششم: - ممنوعیت صید در رودخانه سلمان

بخش هفتم: - فروش ماهی خاویاری و خاویار ایران در بازارهای جهانی

(۱) - کلیاتی در باره فروش خاویار در دهه ۳۰

(۲) - قرارداد فروش خاویار برای توزیع در بازار اروپا

(۳) - ابطال قرارداد فروش ماهی به بازار امریکا

(۴) - قرارداد جدید فروش ماهی خاویاری به امریکا

(۵) - فروش ماهی و خاویار به اتحاد جماهیر شوروی

بخش هشتم: - بازیابی ماهیان خاویاری در داخل کشور

بخش نهم: - نگاهی از درون

- (۱) - اجمالی در باره تشکیلات و سازمان شرکت شیلات
- (۲) - انتقال ادارات مرکزی شیلات به شمال
- (۳) - ایجاد پست معاونت امور انتظامی
- (۴) - حادثه تیراندازی در مرداب انزلی
- (۵) - شکایت صنف فروشندگان ماهی و پرنده از شرکت شیلات
- (۶) - برنامه تکثیر صنعتی ماهیان در دریای خزر

بخش دهم : -تلاش در راه صنعتی کردن شیلات جنوب ایران

- (۱) - آغاز دوران ماهیگیری صنعتی
- (۲) - ایجاد شرکت مختلط ماهیگیری خلیج فارس
- (۳) - فعالیت شرکت کویتی صید میگو در آبهای ایران
- (۴) - تاسیس شرکت سهامی شیلات جنوب ایران

بخش یازدهم : -فعالیت شرکت شیلات ایران در آبهای جنوبی کشور

- (۱) - مذاکره با ماهیگیران بندر عباس و برنامه خرید ماهی
- (۲) - توزیع ماهی جنوب در بازار مصرف ماهی در تهران و نرخ خرده فروشی ماهی

بخش دوازدهم : -واگذاری ماهیگیری جنوب به شرکت شیلات جنوب ایران

بخش سیزدهم : - شرکت در نمایشگاه صنایع ایران و پایان مأموریت در شیلات

فهرست اعلام

پیش گفتار

مطالبی که در این نوشته گرد آوری شده، یادمانده هایی از خاطرات ۴۱۷ روز خدمت نگارنده در شرکت سهامی شیلات ایران است که به بیش از نیم قرن پیش از این باز می گردد.

از مدتها پیش بر خود وظیفه ای احساس می کردم که برای اطلاع عموم و به ویژه طبقه جوان که مشتاقانه مایلند راجع به گذشته کشور اطلاعات صحیح و دست اولی به دست آورند، شمه ای درباره شیلات بنویسم، به ویژه آن که در این باره مطالب زیادی نوشته نشده است.

در مقدمه این کتاب با بازنگری تاریخچه کوتاهی از وضع شیلات یادآور شده ام با آن که دریای خزر و خلیج فارس و بحر عمان در شمال و جنوب کشور منابع پر ارزشی را در دسترس ایران قرار داده، ولی متاسفانه این کشور به علل متفاوتی که به اختصار تشریح شده، از این منابع استفاده لازم را نبرده است.

از ابتدای قرن نوزدهم میلادی، در ایامی که ایران گرفتار فقر و عقب ماندگی بود، روسها تجاوز به حقوق ماهیگیری در آبهای ایران را آغاز کرده، سرانجام موفق شدند امتیاز بهره برداری انحصاری از کلیه منابع ماهی ایران در دریای خزر و رودخانه های مربوطه را بدست آورند. تسلط روسها بر منابع ماهی ایران سالیان درازی ادامه یافت و سرانجام به دنبال دگرگونیهایی که در اوضاع سیاسی ایران و روسیه پدیدار شد، در سال ۱۳۰۶ شمسی امتیاز شیلات از روسها پس گرفته شد و به شرکت مختلط ایران و شوروی واگذار گردید. با گذشت ۲۵ سال از آن تاریخ، مدت اعتبار فعالیت شرکت مختلط پایان پذیرفت و در سال ۱۳۳۱ شیلات ایران ملی گردید و مدیریت بهره برداری از آن به شرکت سهامی شیلات ایران سپرده شد.

در آبان ماه ۱۳۴۳ که نگارنده به مدیریت شیلات برگزیده شدم، این موسسه بازرگانی دوازده سال تجربه را پشت سر گذاشته، شرکتی معتبر شده بود. ایران همراه با شوروی دو کشور صادرکننده خاویار در سطح جهانی بودند. صید ماهیان

خاویاری و عمل آوری خاویار و صادرات آن رو به پیشرفت گذاشته بود. اما مشکلاتی هم در کار بود که اهم آن کمبود ماهی و وضع نامطلوب ذخایره آبزیان بود، ذخایری که حفظ آن برای ایران حائز اهمیت فوق العاده ای است.

موضوعی که در آن زمان موجب نگرانی کارشناسان محیط زیست شده بود، وضع ذخایر انواع آبزیان دریای خزر اعم از ماهیان خاویاری و استخوانی بود که به علت شرایط نامساعد طبیعی همراه با ماهیگیریهایی بی رویه به خطر افتاده بود. کارشناسان اعلام کرده بودند که نسل ماهیان استورژن، یادگار تاریخی بازمانده از دوران دینا سورها ی دریای خزر در معرض نابودی تدریجی است. متأسفانه این پیش بینی سریعتر از آن چه که انتظار داشتند، در حال به وقوع پیوستن است. تقلیل صادرات خاویار دریای خزر به ویژه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پیدایش کشور های جدید در کرانه های این دریا شتاب بیشتری پیدا کرده است. ایران که در سالهای اولیه دهه ۴۰ به طور متوسط متوسط سالی در حدود ۲۰۰ تن خاویار صادر می کرد، صادراتش در سال ۱۳۸۸ به زیر ۱۰ تن تنزل پیدا کرده بود. سبب عمده این تقلیل تغییرات فاحش عوامل طبیعی است. کارشناسان شیلات پیش بینی کرده اند که تا سال ۱۴۰۲ (۲۰۲۳) این رقم به صفر خواهد رسید.

در بخشهایی از کتاب خاطرات ایام خدمت در سالهای ۱۳۴۳ و ۱۳۴۴ در شرکت ایران ، تدبیرهایی برای مقابله با مشکلات و به منظور حفظ ذخایر به کار برده شد، مورد بررسی قرار گرفته است. این تدبیرها که در نظام سنتی ماهیگیری ایران در دریای خزر تغییرات اساسی ایجاد می کرد در درجه اول شامل ممنوعیت واگذاری ماهیگیریهایی دسته جمعی به مقاطعه کاران در دریا و ایجاد شرکتهای تعاونی ماهیگیران منطقه ای با رعایت مقررات موضوعه بود. شرکتهای تعاونی ماهیگیران که امروزه در کشور فراگیر شده در آن تاریخ در شیلات ایران هیچ مفهوم و سابقه ای نداشت. ممنوعیت ماهیگیری در رودخانه شلمان - یکی از مهمترین رودخانه های مرکز تخم ریزی انواع ماهیان خاویاری و استخوانی در دریای خزر- اقدام موثر دیگری بود که برای حفظ ذخایر به مورد اجرا گذاشته شد. اجرای طرح جامع تکثیر صنعتی ماهیان خاویاری در کنار سد سنگر سفید رود نیز در همین دوره آغاز شده است.

در بخشهایی از کتاب وضع ماهیگیری ایران در خلیج فارس و دریای عمان نیز به اختصار مورد بررسی قرار گرفته است. با وجود فراوانی انواع ماهیان در دریا های جنوب، بهره گیری کشورمان ایران از این منابع عظیم در سال هایی دراز، محدود به فعالیت ماهیگیران محلی بود که با روشهای ابتدائی در کرانه ها به صید اشتغال داشتند. علت این بود که ایران وسایل و امکانات فنی لازم را در اختیار نداشت.

در سال ۱۳۱۴ ایران اولین قدم را در راه صنعتی کردن شیلات جنوب برداشت و در بندر عباس کارخانه ای برای تهیه قوطیهای کنسرو ماهی و آرد ماهی تاسیس کرد. فعالیتی که آغاز شده بود به سبب بروز جنگ دوم جهانی متوقف گردید و در سالهای بعد دنباله آن گرفته نشد. کارخانه بندر عباس یکی از یادگار های ایام گذشته است که همچنان بدون وقفه به صورت یک موسسه اقتصادی ثمر بخش مشغول کار است .

در دهه های ۳۰ و ۴۰ فعالیتهای تازه ای برای گسترش ماهیگیری در جنوب آغاز شد و شرکتهای ماهیگیری با سرمایه گذاری های شخصی و سازمانهای دولتی و موسسات وابسته، ایجاد گردید ولی این اقدامات نتیجه مطلوبی به بار نیاورد. ایران در این سالها در بسیاری از صنایع پیشرفتهای چشمگیری داشت ولی متاسفانه باید اذعان کرد که در قیاس با این تحولات اساسی در رشته های متعدد صنایع، توسعه صنعت ماهیگیری در جنوب بسیار کم رنگ تر بوده و یا شاید بتوان گفت اصلا رنگی نداشته است.

در آغاز مدیریت نگارنده در شرکت شیلات ایران، این شرکت برابر قانون مسئولیت امور ماهیگیری در تمام آبهای شمال و جنوب کشور را بر عهده داشت. حسنعلی منصور نخست وزیر در هنگام انتصابم تاکید کرده بود که بهبود وضع ماهیگیری جنوب مورد توجه مخصوص دولت است و طبقا انتظار داشت شرکت شیلات ایران در کار ماهیگیری جنوب فعال تر شود. در همان آغاز خدمت برای بررسی وضع و تهیه برنامه ای برای توسعه امور ماهیگیری بنادر و جزایر جنوب به بندر عباس رفتم و در مراجعت گزارشی تسلیم نخست وزیر کردم. در این گزارش، ضمن تشریح وضع نامطلوب ماهیگیری در جنوب، ضرورت تجدید نظری بنیادین در سیستم ماهی گیری کشور را عنوان کرده، پیشنهادهایی داده بودم. گزارشی که تهیه کرده بودم به دستور نخست وزیر با حضور چند نفر از وزیران بررسی شد و مورد توجه و تایید قرار گرفت و توصیه شد برای بررسی در شورای عالی اقتصاد که برای بررسی و تصمیم گیری در مورد اهم مسائل اقتصادی کشور به طور مرتب در حضور شاهنشاه تشکیل می شد، تهیه گردد. گزارش آماده شده و در در دی ماه ۱۳۴۳ در دستور جلسه شورای عالی اقتصاد مطرح قرار گرفت. در این جلسه شاه به نخست وزیر دستور داد که مدیریت ماهیگیری شیلات شمال و جنوب از هم مجزی گردد و شیلات شمال در امور مربوط به شیلات جنوب مداخله ای نکند و بدین ترتیب بحث در باره برنامه ریزی در باره ماهیگیری کشور اساسا منتفی گردید. شرح موضوع در این کارنامه آمده است. به علاوه خواهیم دید که حدود ۷ سال بعد در مرداد ماه ۱۳۵۰، شاه به تلخی از تصمیمی که در باره واگذاری مدیریت ماهی گیری جنوب به شرکت شیلات جنوب ایران که دکتر ایادی پزشک مخصوص اداره آن را بر عهده گرفته بود، به تلخی یاد می کند. این موضوع را با نهایت دقت برای ضبط در تاریخ یادداشت کرده ام. این واقعت را هم باید متذکر گردم که محمد رضا شاه مانند پدرش رضاشاه به رغم برخی کاستی ها و اشتباهات، خدمات برجسته ای در نو سازی کشور انجام داده که فراموش شدنی نیست. نگارنده به مناسبت مسئولیتهایی که در ۱۵ سال پایانی دوران سلطنت در داخل و خارج از کشور بر عهده داشته ام، از نزدیک شاهد برخی از این خدمات بوده ام.

در بخش های دیگری از کارنامه، مطالب متنوعی را ذکر کرده ام که از دوران خدمت در شیلات به یادمانده است. مقصودم از شرح این مطالب گوناگون بازرگانی و اداری و غیره که گاه هم به درازا کشیده شده، این است که تصویر جامعی از وضع شیلات در سالهای مورد بحث ارائه دهم و خوانندگان را با چگونگی مشکلات و امکانات و روش کار این شرکت دولتی آشنا سازم. به نظرم نقل صادقانه این نکات می تواند نمایانگر واقعت هایی باشد که در آن دوره در دستگاههای مملکت وجود داشت. برخی از نکته ها را تا حدود امکان با مراجعه به نشریه ها و منابع موجود تکمیل کرده ام. در نقل برخی رقم ها و تاریخ ها ناچار به تقریب اکتفا کرده ام و نام برخی از اشخاص را به یاد نیاورده ام.

دوست و همکارم، علی اکبر بهرامی، که متأسفانه در سالهای اخیر به رحمت ایزدی پیوسته است، مرا برای تنظیم این کارنامه بسیار تشویق کرد. او و ناصر فرهاد معتمد، دو عضو هیئت مدیره شیلات و مددکار من بودند. در سفری که چند سال پیش برای عیادت و دیدار بهرامی او به لندن رفته بودم، با وجود این که از نابینایی و ناشنوایی به شدت رنج می برد، مدتی از خاطرات دوران خدمت در شیلات باهم سخن گفتیم و او با اشتیاق فراوان نکته هایی را که از خاطرم رفته بود، به یادم آورد. از علی نقی عالیخانی و شادروان فرخ نجم آبادی دو دوست ارجمندی که پیش نویس این یادداشت ها را دیده و توصیه هایی کرده اند و هم چنین از همسر عزیز و فرزندان نازنینم که همواره مشوق من برای نوشتن خاطرات ایام خدمتم بوده و هستند، کمال امتنان را دارم.

ویرجینیا- فوریه ۲۰۱۹ / بهمن ۱۳۹۷

بخش اول

انتصاب و آغاز خدمت

عصر روز ۷ آبان ۱۳۴۳ بنا به دعوت حسنعلی منصور نخست وزیر به دیدار او رفتم. او پس از تعارفات مرسوم و بیان شمه ای از برنامه های اقتصادی دولت اظهار داشت مرا به ریاست هیئت مدیره و مدیریت عامل شرکت سهامی شیلات برگزیده است و برایم در این پست موفقیت آرزو نمود.

شنیدن این خبر برایم تعجب آور بود. نه کسی قبلاً در این باره با من حرفی زده بود و یا به نحوی نظر مرا پرسیده بود و نه من خود داوطلب تصدی چنین پستی بودم. یکی دو ماهی از بازگشتم از ماموریت اوپک در ژنو می گذشت و در این مدت موقتاً در قسمت حقوقی شرکت ملی نفت ایران مشغول کار بودم و قرار بود بر اساس تصویب نامه شماره ۴۹۳۳۰ مورخ ۱۷ بهمن ماه ۱۳۴۱ هیئت وزیران در وزارت امور خارجه مشغول کار شوم (۱) و در همین موقع بود که نخست وزیر پست مدیریت شرکت سهامی شیلات ایران را به من محول می داشت. با نخست وزیر سابقه آشنایی چندانی نداشتم. در مراجعتم از ژنویک بار به دیدار او در نخست وزیری رفته بودم و در این جلسه منصور ضمن اظهار محبت گفته بود به زودی مرا خواهد خواست.

از اعتماد و توجه نخست وزیر صمیمانه سپاسگزاری کرده و گفتم قرار شده بود که به وزارت امور خارجه بروم. منصور گفت رفتن به وزارت امور خارجه موکول به بعد شده ، فعلاً قرار است به شیلات بروید و اضافه نمود شرکت شیلات ایران بعد از شرکت ملی نفت مهمترین شرکت دولتی است و توسعه بهره برداری از شیلات کشور یکی از اهم برنامه های مورد توجه دولت است و به علاوه هم اکنون در کار ماهیگیری در دریای خزر مشکلاتی بروز کرده که باید سریعاً به آن رسیدگی شود . نخست وزیر تاکید کرد شاهنشاه از سوابق تحصیلی و خدمات اداریم مستحضر هستند و مرا برای تصدی پست مدیریت عامل شیلات شایسته تشخیص داده اند.

این گفتار نخست وزیر مرا چند سالی به عقب برد و به یاد ایامی انداخت که در باره وضعیت شیلات جنوب مطالعات محلی کرده و نظراتی در باره بهبود وضع صید و صیادان جنوب کشور داده بودم. در همان لحظه و وضع ماهیگیران جنوب را پیش چشم خود مجسم کردم و به خود گفتم حال که امکان خدمت به صیادان پیش آمده نباید کمترین تردیدی به خود راه دهم. امادر مورد مشکلاتی که در کار ماهیگیری در دریای خزر پیش آمده بود و نخست وزیر بدان اشاراتی داشت، اطلاعی بیش از آن چه که در جرائد راجع به کمبود و گرانی ماهی می خواندیم، نداشتم. نخست وزیر گویا در قیافه من آثاری از شک و دودلی می دید و یا این که به هر حال مایل بود خیال مرا راحت کند گفت کار مزایده فروش خاویار به اروپا و امریکا در سال جاری به پایان رسیده و قراردادها امضاء شده و از این بابت هیچ مشکلی نخواهید داشت. بی گمان اشاره حسنعلی منصور به سرو صداهای فراوانی بود که در آن روزها جراید و محافل راجع به امر مبارزه با فساد در شرکت شیلات به راه افتاده بود. سرتیپ روح اله نویسی مدیر عامل اسبق شرکت شیلات ایران سرکارش به دیوان کیفر کارمندان دولت افتاده بود و مدتی هم زندانی بود.

نخست وزیر دستور داد فوراً به اتفاق فتح الله ستوده مدیر عامل قبلی شیلات - که صبح همان روز با ترمیم کابینه به سمت وزیر جدید پست و تلگراف و تلفن به شاه معرفی شده بود، برای معرفی و تحویل و تحول به شمال بروم و کارم رافوری شروع کنم. در پایان جلسه و به هنگام خداحافظی گفت در مورد عضویتتان در حزب ایران نوین ترتیب لازم داده شده و تقاضای عضویت در حزب را به تاریخ چندی قبل نوشته اند که ارتباطی با پست شیلات پیدا نکنند. یادآور شوم که نگارنده تقاضایی برای عضویت در حزب نکرده بودم ولی به هر حال نخست وزیر علاقمند بود که مقامات دولت او عضو حزب ایران نوین باشند.

فردای آن روز، صبح جمعه ۸ آبان ۱۳۴۳ همراه با فتح اله ستوده ابتدا به بندرپهلوی (انزلی امروز)، مرکز فعالیت اصلی شرکت شیلات رفتیم و سپس رهسپار سایر مراکز فعالیت شرکت در گیلان و مازندران و گرگان (گلستان امروز) شدیم. مسافرت چند روزه به صفحات شمال این امکان را برایم فراهم ساخت تا از نزدیک با کار شرکت شیلات و با شخص متصدیان گرداننده این صنعت آشنایی پیدا کنم و همسفر خود را خوب بشناسم. ستوده به نظرم مردی کاردان و فعال و قابل اعتماد آمده بود. از او خواسته بودم با تجربیاتی که در خدمت شیلات به دست آورده مرا راهنمایی کند چه طرح هائی در دست اجراست و به نظر او مشکلات چیست و چه راه حل هایی به نظر او می رسد. ستوده هم او هم بانهایت صداقت مرا در جریان کلیه امور شرکت قرارداد و در طول مدتی که در شیلات خدمت می کردم او وزیر پست و تلگراف و تلفن بود، با هم مرتباً در تماس بودیم و مشورت می کردیم و همواره سپاسگزار او بودم.

بی نویسه های بخش اول

(۱) - غلامعباس آرام در سالهایی که در پست وزارت امور خارجه در تهران خدمت می کرد، نسبت به نگارنده که در آن زمان در اداره حقوقی شرکت ملی نفت ایران خدمت می کردم نظر خوبی داشت و اغلب راجع به برخی از مسائل بین المللی و سیاسی با من مشورت می نمود و در مواردی مرا به منزلش دعوت می کرد که در آن جا راحت تر صحبت کنیم. در اواسط شهریورماه سال ۱۳۴۴ او مرا به منزلش دعوت کرد و گفت در شرفیابی امروز شاه در مورد کادر سیاسی وزارت امور خارجه به او فرموده اند که باید خون تازه ای به رگهای وزارت خارجه وارد کنید و دستور داده اند تعدادی افراد جوان

واجد شرایط برای خدمت در کادر سیاسی وزارت خارجه استخدام کنید و به عنوان مثال از شما نام برده اند. آرام سپس از من خواست برای تهیه لیست این افراد به او کمک کنم. لیست مورد نظر تهیه شد و قرار شد برای استخدام آنان در وزارت امور خارجه اقدام شود. در آن تاریخ استخدام جدید ممنوع بود و مجلسین در حال تعطیل بودند و قرار بود استخدام افراد انتخابی از طریق صدور تصویب نامه هیئت وزیران صورت گیرد و پس از باز شدن دو مجلس این تصویب نامه همراه با تصویب نامه های دیگر ها به تایید قوای مقننه خواهد رسید. علینقی عالیخانی محمد علی رشتی و هوشنگ انصاری و نگارنده و یک یا دو نفر دیگری که نامشان را به یاد ندارم، در این لیست بودند. کارمندان کادر سیاسی در وزارت خارجه به طور کلی نسبت به ورود اشخاص جدید نظر مخالف داشتند. وزیر خارجه می گفت به او گزارش شده که منتخبین همسر خارجی دارند و استخدام آنان منع قانونی دارد. به آرام توضیح دادم ممنوعیت مورد نظر در اساسنامه ای که به تصویب هیئت وزیران رسیده و در حال حاضر در وزارت امور خارجه در دست اجراست مندرج می باشد و منعی برای صدور تصویب نامه جدیدی نیست. آرام گفت به هر حال در مورد شما که همسر خارجی ندارید مشکلی نیست و باید هرچه زودتر کارتان را شروع کنید. تصادفاً در همین تاریخ فواد روحانی دبیر کل اوپک، مرا برای خدمت در دبیرخانه اوپک در ژنو انتخاب کرده بود و قرار بود برای یک ماموریت شش ماهه به ژنو بروم. پس از مذاکره با وزیر امور خارجه موافقت کرد برای یک دوره شش ماهه به ژنو بروم و بعد از اتمام این ماموریت برای خدمت در وزارت خارجه آماده باشم. در همان دوره ماموریت در ژنو، در روز ۱۷ بهمن ماه ۱۳۴۱ بنا به پیشنهاد وزیر امور خارجه، هیئت وزیران بر اساس تصویب نامه شماره ۴۹۳۳۰ وزارت امور خارجه را مجاز ساخت که غلامرضا تاج بخش و مصطفی علم و هوشنگ باتمانقلیچ را در وزارت امور خارجه استخدام نماید و این تصویب نامه متعاقباً در مجلسین به تصویب مجلسین رسید.

بخش دوم

مروری بر تاریخچه ماهیگیری ایران در سده های گذشته

در دریای خزر

کارنامه را بامورسریعی بر تاریخچه شیلات (۱) ایران در دریای خزر آغاز می کنیم . از گذشته های بسیار دور ساحل نشینان دریای خزر و رودخانه های مجاور آن، با استفاده از امکانات اولیه ای که داشتند، از این آبهماهی می گرفتند. در آن ایام و حتی تادهه های پایانی قرن سیزدهم شمسی (قرن ۱۹) ماهیگیری صنعتی به مفهوم امروزی این کلمه در این مناطق وجود نداشت و ماهیگیری با ابتدایی ترین روش انجام می گرفت. در دوران پادشاهی قاجار به طبق روال گذشته ماهیگیران غالباً در مقابل پرداخت مبلغی به عنوان "عوارض دیوانی" به حاکم محل که عنوان دریابگی داشت اجازه صید تحصیل می کردند. این عوارض بر اساس قاعده مشخصی نبود و بدون آن که ارتباطی بانوع ماهی و یا میزان صید داشته باشد بیشتر به اوضاع و شرائط روز و درجه انصاف حاکم بستگی داشت. (۲)

روسهای تزاری در همسایگی ایران فعالیتهای ماهیگیری در دریای خزر را گسترش داده و در زمانی که ایران در خواب غفلت و بی خبری بود، دامنه فعالیت های خود را به شیلات ایران تسری دادند. ایران رادر جنک های پیاپی شکست داده ، قرارداد های خفت بار گلستان (۲ آبان ۱۹۲۲ش برابر با ۲۴ اکتبر ۱۸۱۳م) و ترکمان چای (اول اسفند ۱۲۰۶ش برابر با ۲۱ فوریه ۱۸۲۸م) رابه ایران تحمیل کرده بودند. ماهیگیران روس بابهره گیری از مزایا و امتیازات تجاری و قضائی خاصی که قرارداد ترکمان چای به آنان داده بود، باصیادان ایرانی رقابت می کردند. مستاجرین روس غالباً مال الاجاره بیشتری به حکام محلی می پرداختند و اتباع ایران قدرت مقابله با آنان را نداشتند و همین موضوع سالها مورد اختلاف دودولت بود. در مواردی که بین دولت ایران و مستاجرین تابع روسیه شیلات اختلافی بروز می کرد سفارت روسیه در تهران قویاً از دعاوی اتباع خودپشتیبانی می کرد.

ابراهیم تیموری، مؤلف کتاب جالب "عصر بی خبری یا تاریخ امتیازات در ایران" (۳) اسناد فراوانی از این نوع دعاوی را عیناً نقل کرده است. نمونه ای از این دعاوی نامه تهدید آمیز سفارت روسیه در مورد حمایت از دعاوی میرابوطالب اقراسمیوف (تبعه روسیه) است که به میرزا مسعود وزیر دول خارجه وقت ایران نوشته است.

حاجی میرزا آقاسی، صدر اعظم محمد شاه با دخالت روسها در شیلات مخالف بود و حتی المقدور از اجازه دادن شیلات به اتباع روسیه جلوگیری می کرد و به حکام نواحی شمالی ایران نوشته بود بدون اجازه او شیلات هیچ منطقه ای را به روسها اجازه ندهند. او برای آنکه شیلات تحت نظر خودش اداره شود از محمد شاه درخواست کرد تمام شیلات دریای خزر را به او اجازه دهد و بعد از آن هر نقطه ای از شیلات را که در اجازه تبعه روسیه بود و مدت آن پایان می یافت سعی می کرد دیگر به اتباع روسیه اجازه ندهد. او به وزیر مختار روسیه هم نوشته بود هر اجازه های که بدون اجازه دولت ایران باشد باطل است. با تمام کوششی که حاج میرزا آقاسی برای جلوگیری از دخالت روسها معمول می داشت نتوانست جلوی کارشکنی آنها را بگیرد و سر انجام نامه تضرع آمیزی به وزیر مختار روسیه نوشت و از او خواست از تجاوز و دست اندازی ماموران روس در امر شیلات جلوگیری نماید. این اقدام هم مشکل را حل نکرد. هرچه حاجی میرزا آقاسی بیشتر التماس و درخواست می کرد روسها به عملیات خلاف خود بیشتر ادامه می دادند و سرانجام صدر اعظم ایران شکوه نامه مفصلی در همین زمینه در تاریخ ۲ مرداد ۱۲۲۶ ش (برابر با ۲۴ جولای ۱۸۴۷) به خط خود به وزیر مختار روس نوشت و با جمله "هی جزاء الاحسان الا الاحسان" (پاداش نیکی بجز نیکی چه میواند باشد) نامه را به پایان رسانید.

میرزاتقی خان امیرکبیر نیز در دوران صدارت خود برای جلوگیری از توسعه نفوذ خارجیان کوشش فراوانی مبذول داشت و برای ممانعت از دخالت نمایندگان سیاسی و کنسولی روسیه تزاری در امور شیلات ایران تصمیم گرفت شیلات را به میرزا ابراهیم خان دریابگی - تبعه ایران - برای مدت چهار سال اجازه دهد و اداره امور شیلات ایران را کلاً به دست او بسپارد. روسها به این امر اعتراض کرده مزاحمتهایی ایجاد کردند ولی امیر کبیر دست از مبارزه نکشید.

در دوران صدارت آقاخان نوری نیز وضع به همین منوال بود. او هم بنوبه خود برای کوتاه ساختن دست روسها از منابع ماهی ایران بسیار کوشش کرد. از ورود کشتیهای جنگی روسیه به مرداب انزلی جلوگیری کرد و برای ماهیگیران روسی تضيیقاتی به وجود آورد.

واقعیت امر، همان طوری که ابراهیم تیموری نیز توضیح داده (۴) این است که، به رغم تمام این کشمکش ها و زدوخوردهای گاه و بیگاه، ماهیگیران ایرانی به کمک روسها نیازمند بودند. وسایل صید از روسیه خریداری می شد. عمل صید و متخصص ماهیکیری از روسیه می آمد، کشتی و وسایل حمل و نقل بیشتر در دست روسها بود و بالاخره ماهیگیران ایرانی، به علت نبود وسایل و امکان توزیع ماهی در داخل ایران، ناچار بودند بخش عمده ای از ماهیهای صید شده را برای فروش به شهرهای روسیه بفرستند. روسها بی گمان به ماهی ایران نیاز فراوان داشتند و در مقابل هر اقدام ماهیگیران ایرانی و یا ماموران دولتی که مانع از رسیدن ماهی ایران به روسیه می شد به انحاء مختلف عکس العمل نشان می دادند، کشمکشی که سالها ادامه داشت.

میرزا حسین خان سپهسالار، صدر اعظم عصر ناصری، بر خلاف رویه اسلاف خود در مورد شیلات مصلحت دانست با روسها کنار بیاید. " تاجر حاج طرخانی" (که قاعدتاً باید همان لیانازوف معروف باشد که بزودی او را خواهیم شناخت)،

قبلا پیشنهادی از طریق کنسول روسیه برای اجاره کردن شیلات ایران داده بود ولی ناصرالدین شاه به وزیر دول خارجه که این تقاضا را گزارش کرده بود، نوشت "حالا موقع این گفتگوها نیست، البته در کمال خوبی از قونسول عذر بخواهید".

معهدا سپهسالار سرانجام شاه را راضی کرد اداره امور شیلات را از طریق اجاره بشخص او واگذارند. ناصرالدین شاه بموجب فرمانی که در ۱۲۵۵ ش / ۱۸۷۶م صادر کرد، شیلات را به سالی سی ویک هزار تومان به سپهسالار اجاره داد: "از ابتدای هذه السنه سیچقان نیل خیریت تحویل سنه ۱۲۹۳ هجری لغایت ده سال تمام کامل الشهور و الايام همگی و تمامی کل شیلات و صید انواع ماهی خزر را چه در گیلان و چه در مازندران و تنکابن و رودخانه ها و مرداب و غیره، آنچه متعلق به دولت علیه ایران است به اجاره صحیحه شرعیه متصله غیرمنفکه در سالی سی و یک هزار تومان وجه رایج خزانه عامره به جناب مستطاب اشرف حاجی میزا حسین خان مشیرالدوله سپهسالار اعظم وزیر امور خارجه واگذار فرمودیم که همه ساله سالی هیجده هزار تومان مواجب خود را (۵) از مبلغ مزبور موضوع داشته مبلغ سیزده هزار تومان باقی راکه خالص از وجه اجاره می ماند کار سازی دارد." و در دنباله همین فرمان آمده است: "و ضمنا اختیار تام تمام به جناب معزی الیه داده ایم که برای ترقی شیلات هرگونه عملجات و اسباب و آلات صیادی و پیرپاس و ابنیه که صلاح داند زیاد نموده و از ارباب خبرت و بصیرت بهر کس که مقتضی ترقی این عمل را ببیند رجوع کرده کمال جهد و کوشش را در ترقی این عمل بعمل آورد..."

سپسالار به استناد این فرمان، در تاریخ ۱۲ ژوئن ۱۸۷۶ (۲۳ خرداد ۱۲۵۵) قرارداری با استپان مارتینوویچ لیانازوف Stepan Maritovic Lianazov بازرگان ارمنی حاجی طرخانی تبعه روسیه امضا نمود، این اجاره را به او منتقل کرد. قرارداد اجاره به علت عدم پرداخت مال الاجاره از طرف مستاجر، چندان دوامی نیافت و مأموران ایرانی به دستور سپهسالار و با اطلاع سفارت روس اسباب صیادی وی را توقیف کردند. اما سرانجام کار به مصالحه کشید و ۳ سال بعد از امضای قرارداد اصلی، بر اساس قراردادی که در ۱۴ اکتبر ۱۸۷۹ (۱۲ مهر ماه ۱۲۵۸) در تهران حاصل شد، دوسند یکجا به امضا رسیده است. سند اول "مصالحه نامه" ای است حاوی سه شرط که سپهسالار و لیانازوف و وکلای آنان امضا کرده اند و به موجب آن طرفین به تمام دعاوی و مطالبات خود در گذشته خاتمه داده اند. سند دوم "قرارنامه کنتراکت" ی است که بین حاجی میرزا حسین خان سپسالار از یک طرف و برادران لیانازوف و وکلای آنان از طرف دیگر در ۱۰ شرط امضا شده است. (۶) شرط اول قرار نامه به شرح زیر است:

"سپهسالار اعظم و وزیر خارجه دولت ایران بموجب اختیار و اقتداری که از دولت ایران دارد این قرارداد را با لیانازوف و شرکاء او امضا میکند. طبق شرط اول قرارنامه، سپهسالار "تمام و همگی شیلات و عمل صید ماهی دولت علیه ایران راکه" ممسی بحلال و حرام است " (تاکید از نگارنده است) از رودخانه آستارا که سرحد دولت بهیه روسیه است الی رودخانه اترک که سرحد دولت علیه ایران است به موعده ۵ سال کامل یعنی از ۹ مهر ماه ۱۲۵۸ ش (اول اکتبر ۱۸۷۹ م) تا ۹ مهر ماه ۱۲۶۳ ش (اول اکتبر ۱۸۸۴ م) به اجاره صحیحه قطعیه میدهد بمبلغ اجاره هر ساله پنجاه هزار تومان پول رایج ایران."

در شرط سیم این قرار نامه به صدراعظم اختیار داده شده که در صورت تمایل صید ماهی حلال را در اختیار خود بگیرد که در این صورت سالیانه دوازده هزار تومان از پنجاه هزار تومان کسر میشود.

عمر ده ساله صدارت میرزا حسین خان سپهسالار یکسال بعد از امضای این قرارداد به پایان رسید، اواز صدارت معزول و به قزوین تبعید گردید.

با عزل سپهسالار از مقام صدارت، ناصرالدین اجاره شیلات را از سپهسالار پس گرفت و آنرا به فرزند خود کامران میرزانیب السلطنه سپرد. به دستور ناصرالدین شاه تلگرافی به قزوین مخابره شد که اجاره نامه شیلات و اسناد مربوطه را به تهران بفرستد. سپهسالار به پیوست نامه ای به ناصرالدین شاه ضمن ارسال اسناد نوشت از ای که شیلات را سرو صورتی داده و میزان مال الجاره را به مقدار زیادی بالا برده "کمال تشکر و افتخار و مباحات" را مینماید.

پس از انقضای مدت اجاره، لیانازوف برای تجدید اجاره با کامران میرزا به مذاکره پرداخت و شیلات را به تنهایی به مدت ۶ سال اجاره کرد (۱۲۶۲ ش - ۱ اکتبر ۱۸۸۴) و شش هزار تومان بر اجاره افزود. این قرارداد را نایب السلطنه کامران میرزا و میرزا سعید خان وزیر امور خارجه از طرف ایران امضا کرده اند. قرارداد شیلات با لیانازوف و وراث او یک بار در ۲۱ مهر ۱۲۶۷ و بار دیگر در سال ۱۳۷۲ ش - ۱۸۹۳ م) تمدید شد ولی لیانازف قبل از انقضای مدت قرارداد اخیر در سال ۱۲۷۵ ش (۸۹۳۱ م) درگذشت.

پس از قتل ناصرالدین شاه و به سلطنت رسیدن مظفرالدین شاه، امین السلطان که در مقام صدارت ابقا شده بود، در ۱۹ مهر ۱۲۷۵ ش / ۱۰ اکتبر ۱۸۹۶) قرارداد شیلات را با گئورگی استپانوویچ لیانازوف Georgi Stepanovic Lianazov فرزند استپان لیانازوف (و فرزندان او پس از فوتش) - تمدید کرد و پنج سال بر مدت آن افزود. به موجب این قرارداد مستاجر حق داشت در صورت لزوم "برای ترقی کل صیادی" شیلات شرکای جدیدی بیاورد و "از روی قانون مملکتی روسیه در انعقاد و دایر نمودن آن شراکت مختار خواهد بود".

در همین ایام است که لیانازوف تدریجا با سرمایه گذاری قابل ملاحظه وارد کردن ماشین آلات مدرن و نصب دو سردخانه یکی در انزلی با ظرفیت ۷۸۰ تن و دیگری در آشوراده با ظرفیت ۲۰۰-۲۵۰ تن و تجهیز وسائل مدرن موفق میشود در این آبها ماهیگیری صنعتی به وجود آورد.

در فروردین ۱۲۸۵ شمسی / ۳۰ مارس ۱۹۰۶) عبدالمجید میرزا عین الدوله، صدراعظم وقت مظفرالدین شاه، بسبب مضیقه مالی و بی پولی خزانه - که همواره در آن ایام گریبانگیر ایران بود - "قرارداد مخصوصی" با نماینده وراث گئورگی سینانوویچ لیانازوف امضا کرد که "بالمساعده پیشکی بدهند". بموجب قرارداد مال الاجاره سه ساله ۱۲۸۶ و ۱۲۸۷ و ۱۲۸۸

شمسی (۱۹۰۷-۱۹۰۸ و ۱۹۰۹ میلادی) را -که به پول آن وقت یک میلیون و سیصد و هشتاد هزار فرانک میشد - پس از کسر تنزیل معادل ۶٪ در سال یکجا به ایران پرداخت شد و ایران طبق این قرار باتایید اعتبار تمدید قرارداد های قبلی متعهد شد که بدون رضایت وراث گیورکی استیپانوویچ لیانازوف کنترات های مزبور را فسخ ننماید.

در سال ۱۲۹۶ شمسی / ۱۹۱۷ میلادی وراث لیانازوف ، بعلت انقلاب روسیه و ممنوع شدن صدور پول طلا از روسیه از پرداخت مال الاجاره استتکاف کردند. مشارالملك وزیر وقت مالیه در ۱۲ خرداد ۱۲۹۷ ش / ۱ ژوئن ۱۹۱۸ قرارداد را لغو کرد. در یک سال بعد در ۲۴ خرداد ۱۲۹۸ ش / ۱۳ ژوئن ۱۹۱۹ ایران شیلات دریای خزر را با ضمانت تجارتخانه تومانیانس به شخصی از اتباع روسیه به نام پتروویچ وانیتسف Gerigori Petrovic Vanitsov به مدت ۲۰ سال اجاره داد. بموجب قرارداد اجاره مزبور همه ساله نصف عایدات خالص مطابق دفاتر مستأجر متعلق به دولت ایران بود و از آن گذشته مستأجر متعهد شده بود در سال اول بهره برداری مبلغ ۱۰۰ هزار تومان، در سال دوم ۱۵۰ هزار تومان، در سال سوم ۲۰۰ هزار تومان، در سال چهارم ۲۵۰ هزار تومان، در سال پنجم ۳۰۰ هزار تومان و از سال ششم بعد همه ساله ۵۰۰ هزار تومان به دولت ایران بپردازد. اما وانیتسف هم نتوانست به تعهدات خود عمل کند و اجاره وی در ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۰۰ ش / ۲ مه ۱۹۲۱ میلادی فسخ گردید و اموال و دارائی شرکت او در مقابل طلب دولت توقیف شد. (۷)

وراث گئورگیا ستپانوویچ لیانازوف که به فسخ اجاره نامه خود اعتراض داشتند در خلال این مدت مرتباً به دولت ایران شکایت داشتند و ادعای خسارت می کردند و سرانجام قرار می شود که اختلاف بین ایران و ورثه لیانازوف به حکمیت مراجعه شود. ذکاء الملك فروغی رییس وقت دیوان عالی تمیز و دکتر ولی اله نصر رییس وقت ثبت اسناد و حاج سید نصراله تقوی مدعی العموم وقت دیوان عالی تمیز به عنوان حکم های ایران برگزیده شدند و دو نفر روس هم از طرف ورثه لیانازوف به عنوان حکم تعیین شدند و شروع به رسیدگی به دعاوی دو طرف کردند. حکم ها در آبان ۱۳۰۱ هـ ش / ۱۹۲۲ میلادی به نفع وراث مذکور و علیه دولت ایران رأی دادند. به موجب این رای بهره برداری از شیلات برای مدت ۸ سالی که به انقضای قرارداد مانده بود به وراث لیانازوف واگذار گردید و به عنوان جبران خسارت ۷ سال دیگر برمدت قرارداد افزوده شد.

پی نویسه های بخش دوم

(۱) - شیلات جمع شیل و بمعنای سدی است که در عرض رودخانه های جنوب دریای خزر و مخصوصاً در ناحیه گیلان برای بدام انداختن ماهیان میسازند. این اصطلاح در اصل گیلکی تدریجاً به جای ماهیگیری به کار رفته و نام سازمانهای مسئول بهره برداری از ماهیان دریای خزر و خلیج فارس از آن گرفته شده است .

(۲) - غلامحسین مصاحب در جلد دوم دائرة المعارف فارسی که بسرپرستی او در سال ۱۳۵۷ در تهران بچاپ رسیده درباره تاریخچه ماهیگیری در دریای خزر اطلاعاتی جمع آوری کرده که با سپاسگزاری قسمت هائی از آن در این مقدمه نقل شده است.

(۳) - "عصر بی خبری یا تاریخ امتیازات در ایران" تألیف ابراهیم تیموری . چاپ تهران ۱۳۳۲. تیموری در سومین قسمت بخش سوم " (صفحات ۲۷۴ بعد) این کتاب تحت عنوان "شیلات" اطلاعات سودمندی مستند به مدارک و اسناد به دست میدهد که در این بخش از کارنامه بخشهایی از آن با اظهار تشکر از مولف آمده است.

(۴) - ن.ک. به تیموری ص ۲۹۰

(۵) - فریدون آدمیت در کتاب جالب " اندیشه ترقی و حکومت قانون " سپهسالار که اطلاعات مبسوطی در باره زندگی و خدمات ارزنده دوران صدارت او بدست میدهد هیچ اشاره ای به موضوع شیلات ندارد . او درچدین جا در این کتاب و از جمله در صفحه ۱۲۸ نوشته است که سپهسالار "حتی به زمان صدارت مواجب نگرفت".

(۶) مصالحه نامه و قرارنامه در صص -۲۹۳-۲۹۵ کتاب تیموری مندرج است.

(۷) - ن.ک. به غلامحسین مصاحب، ص ۱۵۷۳. تیموری ص ۳۰۵

بخش سوم

قرارداد ماهیگیری ایران و شوروی وملی شدن شیلات ایران

پس از انقلاب اکتبر ۱۹۲۱ و روی کار آمدن دولت نوپای اتحاد جماهیر شوروی شوروی این کشور کوشش سعی کرد که با کشور همسایه جنوبی خود- ایران، مناسبات حسنه برقرار کند و با قبول وامضای عهدنامه مودت ۸ اسفند ۱۲۹۹/۲۶ فوریه ۱۹۲۱ فصل جدیدی در تاریخ مناسبات دو کشور گشود. در فصل اول این عهد نامه دولت شوروی رسماً اعلان کرده بود: (۱)

"از سیاست جابرانه ای که دولتهای روسیه- که به اراده کارگران و دهاقین این مملکت سرنگون شدند- نسبت به ایران تعقیب می نمودند قطعاً صرف نظر می نماید. دولت شوروی روسیه تمام معاهدات و مقاولات و قراردادهای که دولت تزاری تزاری روسیه با ایران منعقد نموده و حقوق ملت ایران را تضییع مینمود ملغی و از درجه اعتبار ساقط شده اعلان می نماید".

با این که امتیازاتی که روسها در دوران قاجار در شیلات ایران به دست آورده بودند یکی از مصادیق آشکار همان "سیاست جابرانه و استعماری" گذشته بود، معهداً به خاطر اهمیت خاصی که شیلات ایران برای اقتصاد روسیه داشت شورویها در مذاکرات عدیده ای که با مقامات ایرانی داشتند حاضر به هیچگونه گذشتی در مورد شیلات نشدند. در فصل چهاردهم عهد نامه با صراحت " اهمیت شیلات بحر خزر برای اعاشه روسیه " مورد تصدیق قرار گرفته است. متن ماده مزبور به شرح زیر است"

"با تصدیق اهمیت شیلات سواحل بحر خزر برای اعاشه روسیه (تاکید از نکارنده است) دولت ایران پس از انقضای اعتبار قانونی تقبلات فعلی خود نسبت به شیلات مزبوره حاضر است که با اداره ارزاق جمهوریت اتحادی اشتراکی

شوروی روسیه قراردادی درباب صید ماهی با شرایط خاصی که تا آن زمان معین خواهد شد منعقد نماید. همچنین دولت ایران حاضر است که با دولت شوروی روسیه داخل مطالعه و سالی که حالیه نیز تارسیدن موقع شرایط مذکوره در فوق امکان رساندن مواد شیلات مزبوره رابه روسیه در نظر ادارات ارزاق جمهوری اشتراکی روسیه تامین نماید بشود."

به منظور اجرای فصل چهاردهم عهد نامه ایران و شوروی کمیسیونی مرکب از نمایندگان دو کشور تشکیل گردید ولی به علت اختلاف نظر دو دولت کمیسیون نتوانست تصمیمی اتخاذ کند. شورویها میل داشتند شیلات را اجاره کنند ولی ایران مایل به اجاره دادن نبود و پیشنهاد می کرد یک شرکت مختلط ایران و شوروی با سرمایه گذاری مساوی هر دو طرف برای بهره برداری از شیلات تشکیل شود. چون مذاکرات به بن بست رسیده بود نمایندگی شوروی در تاریخ ۱۶ مهر ۱۳۰۰ / ۸ اکتبر ۱۹۲۱ پیشنهاد کرد تا اتخاذ تصمیم نهایی مورد قبول دو طرف، قرار موقتی داده شود که فرآورده های شیلات بشوروی فروخته شود و دولت ایران با این تقاضا روی موافق نشان داد. طبق تصویب نامه هیئت دولت مورخ ۲۸ اسفند ۱۳۰۰ (۱۹ مارس ۱۹۲۲) ایران موافقت نمود محصولات شیلات به قیمت عادلانه به شورویها فروخته شود.

در همین ایام وراث لیانازوف که به سن بلوغ رسیده بودند در تاریخ ۲۴ آبان ۱۶/۱۳۰۱ نوامبر ۱۹۲۲ ماترک لیانازوف را بین خود تقسیم کردند و متعاقباً مارتین لیانازوف یکی از وراث کلیه سهام خود را به اداره موسسات صیادی دولت اتحاد جماهیر شوروی واگذار نمود. دولت شوروی که بدین ترتیب مالک حقوق ورثه لیانازوف شده بود، قرار موقت را برای اجرای فصل چهاردهم عهد نامه کافی نمی دانست و مکراراً از دولت ایران خواستار اقدامی جدی بود. در اواسط سال ۱۳۰۶ مذاکره بین نمایندگان دو کشور درباره شیلات بار دیگر شروع شد و سرانجام منتج به امضای قراردادی شد که در ۸ مهر ماه ۱۳۰۶/اول اکتبر ۱۹۲۷ بین نمایندگان دو دولت، لئون کاراخان قائم مقام کمیسریای امور خارجی شوروی و علیقلی خان انصاری وزیر امور خارجه ایران، درمسکو به امضا رسیده است. (۲). این قرارداد در ۲۱ ماده و به زبانهای فارسی، روسی و فرانسه تنظیم و امضا شده است. خلاصه اهم مضامین آن به شرح زیر است. (۳)

الف- ایجاد شرکت مختلط ایران و شوروی

دولتین ایران و شوروی یک شرکت مختلط تجارتي و صنعتی تشکیل میدهند و امتیاز صید ماهی در آبهای ایران را که - قبلاً به برادران لیانازوف داده شده بود- از طرف دولت ایران به این شرکت واگذار میشود. مدت قرارداد ۲۵ سال است. مرکز شرکت در تهران است و یک هیئت مدیره ۶ نفری (۳ نفر از ایران و ۳ نفر از شوروی) آنرا اداره میکند.

ب- ماهیهای حرام و حلال

تمام ماهیهای بی فلس (حرام) (۴) در حوزه امتیاز متعلق به کمپانی است و صیادان آزاد و صیادان کمپانی آنها را باید به قیمت هایی که قبلاً برای دوره های معینی از طرف کمپانی برقرار میشود به کمپانی بفروشند. تمام ماهیهای با فلس (حلال) که

ممکن است به توسط صیادان آزاد و صیادان کمپانی صید شود متعلق به خود آنهاست و آنها میتوانند به هر کس که میل داشته باشند بفروشند و منجمله هم بکمپانی. (ماده ۳ قرارداد).

ج- حق الامتیاز و تقسیم سود

حق الامتیازی که شرکت مختلط سالیانه به ایران می پرد ازد عبارت است از مبلغ هشتاد هزار تومان از عایدات مطلق به اضافه ۱۵٪ از بقیه عایدات کمپانی که بعد از وضع مخارج ادازی و بهره برداری عایدات خالص کمپانی محسوب می شود. تمام منفعت خالص که از عملیات شرکت حاصل می شود بالمناصفه بین طرفین (ایران و شوروی) تقسیم خواهد شد. (مواد ۷ و ۸ قرارداد)

د- انقضای قرارداد و انحلال شرکت مختلط

طبق ماده چهارم قرارداد، پس از انقضای مدت قرارداد تعهدات دولت ایران ناشی از فصل ۱۴ عهدنامه مودت ایران و شوروی خاتمه یافته محسوب میشود و اگر دولت ایران مایل به تجدید قرارداد نباشد شرکت مختلط شیلات منحل خواهد شد. امادولت ایران متعهداست که پس از انقضای قرارداد در صورت عدم تجدید آن تا مدت ۲۵ سال شیلات بحرخررابه مالک دیگر یا اتباع آنها واگذار ننماید و نیز متخصص بیگانه برای اداره شرکت استخدام نکند. (۵)

قرارداد ۸ مهر ۱۳۰۶ برای تصویب به مجلس شورای ملی داده شد و پس از شور در کمیسیونهای مربوطه به تصویب رسید. این قرارداد به نظر برخی از محققین منافع ایران در دریای خزر را به طور کامل استیفا نمی کرد و بعضی از نمایندگان مجلس با آن موافق نبودند. اما چنین بنظر می رسد که دولت ایران با توجه به همه جوانب امر، مخالفت با این قرارداد را به صلاح ایران تشخیص نمی داد. ایران که سر سختی روسها را در باب شیلات تجربه کرده بود، به مصلحت کشور نمی دانست که با رد کردن قرارداد ماهیگیری سدی در سرآغاز مناسبات بادولت نو بنیاد شوروی ایجاد کند. رضا شاه که به تازگی به سلطنت رسیده بود و با وضع اقتصادی بسیار نامطلوب و نا بسامانیهای عدیده ای روبه رو بود، به درستی تشخیص داده بود که با عدم امادگی ایران برای اداره صنعتی مانند خاویار در آن تاریخ بهتر است در کار ماهی و خاویار چندی با شوروی همکاری نماید تا ضمن تحصیل درآمدی برای کشور، تجربیات لازم را هم برای مدیریت خاویار کسب نماید.

وزیر مختار وقت انگلیس در تهران Sir R. Clive که از ابتدا با توجه به خطوط اصلی سیاست کشور متبوعه اش با هر نوع نزدیکی ایران و اتحاد جماهیر شوروی مخالف بود و تحول مناسبات این دو دولت را در تهران دقیقاً تعقیب می کرد، متن فرانسه قرارداد اول اکتبر ۱۹۲۷ را به پیوست گزارشی در ۲۱ اکتبر ۱۹۲۷ برای اطلاع وزیر خارجه انگلستان به لندن فرستاده و در بخشی از آن نوشت: (۶) " شاه تمایل خود را برای تصویب این قرارداد ابراز داشته و اکثریت و کلا نمی توانستند از آن سرپیچی کنند." او در بخش دیگری از این گزارش، به شایعاتی که از چند منبع شنیده، اشاره کرده و میگوید " شایع است که روسها برای سهولت تصویب قرارداد در مجلس پولهای خرج کرده و وعده داده اند بعد از تصویب مبالغ بیشتری بدهند. رقم یکصد هزار تومان (۴۰ هزار پوند) شنیده میشود که البته نمیتوان صحت یک چنین شایعاتی را تضمین کرد.

امتیاز شرکت مختلط شیلات ایران و شوروی در اواخر سال ۱۳۳۱ پایان یافت و دولت ایران در تاریخ شنبه ۱۱ بهمن ماه ۱۳۳۱ (برابر با ۳۱ ژانویه ۱۹۵۳) انحلال این شرکت را به نمایندگان شوروی اعلام داشت و شیلات ایران را ملی اعلام کرد. اموال منقول و غیر منقول و موجودی نقد شرکت مختلط ایران و شوروی به مبلغ ۸۸۰۱۴۳۰۲/۱۵ ریال ارزیابی شد و بین ایران و شوروی تقسیم گردید. (۷) سرمایه شرکت هشتاد میلیون ریال است که به هشت هزار سهم ده هزار ریالی تقسیم شده، کلیه سهام شرکت با نام باشد و تمام آن تعهد و نصف آن پرداخت شده است.

اسنادنامه شرکت سهامی شیلات ایران مشتمل بر ۳۳ ماده در تاریخ ۶ مهر ماه ۱۳۳۲ به امضای دکتر مصدق رسیده است. دکتر محمد مصدق این اساسنامه قانونی را بر اساس قانون تمدید اختیارات مورخ ۳۰ دی ماه ۱۳۳۱ امضا کرده است. در ماده اول این اساسنامه قانونی مذکور شده:

"برای صید ماهی و تهیه محصولات مربوط به صنعت ماهی و حفظ و ازدیاد نسل ماهی و ایجاد کارخانجات و انجام هر گونه امور بازرگانی و معاملات مجاز مربوط به صنعت ماهی در حوزه دریای خزر، شرکت سهامی به نام شرکت سهامی شیلات ایران تشکیل میشود."

در ماده ۳۱ اساسنامه تصریح گردیده که

"صید در دریای خزر و کلیه رودخانه های حوزه بحر خزر و مردابهای پهلوی و خلیج گرگان به شرکت سهامی شیلات ایران واگذار می شود"

پی نویسه های بخش سوم

(۱) - اسنادی از روابط ایران با مناطقی از آسیای مرکزی، اداره انتسارات، اسناد دفتر مطالعات بین المللی وزارت خارجه، سال ۱۳۷۳

(۲) - به قرار گزارش سررابرت کلایو وزیر مختار انگلستان در تهران به وزارت خارجه انگلستان، قراردادی در ۱۷ ماده راجع به ماهیگیری بین شوروی و ایران در تهران مورد توافق قرار گرفته بود و دولت آن را برای تصویب به مجلس شورا داده بود ولی مجلس پنجم در آخرین جلسه حاضر به بحث درباره آن نشد. ک. به:

F.O. 371/1/17290. Sir Robert Clive to Dir Austin Chamberlain, Oct, 21, 1927

(۳) - متن فارسی قرارداد راهکارم پرویز مهاجر با مراجعه به وزارت امور خارجه در تهران تهیه کرده و برایم فرستاده است.

(۴) - اصطلاح "non placé" در متن فرانسه به کار رفته که برابر با اصطلاح unclear fish در زبان انگلیسی است. در متن فارسی در برابر ماهی های بی فلس (حرام) و در مقابل ماهیهای با فلس (حلال) ذکر شده است.

(۵) - به کتاب گیو میر فندر斯基 به شرح زیر مراجعه شود:

Guive Mirfendereski: A Diplomatic History of the Caspian: Treaties, Diary Other Stories.
New York, Palgrave 2001

(۶) - Sir R. Clive - وزیر مختار انگلستان در تهران گزارش مبسوطی در زمینه این قرارداد و سوابق آن را برای اطلاع وزیر خارجه انگلیس فرستاده است که در بایگانی اسناد وزارت خارجه انگلیس F.O. 371/17290 و مجلدات دیگر برای مطالعه در اختیار عموم قرار دارد.

(۷) - لغت نامه دهخدا. جلد نهم ص ۱۲۹۷۲

بخش چهارم

مسئله ماهی و ماهیگیری در دریای خزر

مشکلی که در آغاز کار در شیلات با آن مواجه شدم، همانطور که نخست وزیر هم توجه داده بود، گرفتاریهایی بود که در امر ماهی گیری در دریای خزر و رودخانه ها پیش آمده و ماهی را به صورت یک مسئله روز درآورده بود. این وضع به طور خلاصه از افزایش روزانه تقاضا از یکطرف و کاهش فوق العاده تولید ماهی از طرف دیگر سرچشمه می گرفت .

در این بخش ضمن بررسی این عوامل خواهیم دید چگونه توسعه اقتصادی و افزایش جمعیت سبب افزایش مصرف ماهی و در نتیجه موجب گرانی نرخ و بیشتر شدن صید های بی رویه شده بود. زیانهایی که به ذخایر کشور وارد شده بود بر خواهیم شمرد و آنگاه به تشریح چاره جویی ها و تمهیداتی که از طریق ممنوعیت و محدودیت صید برای حفظ ذخایر به کار برده شد توجه میکنیم و خواهیم دید چرا و چگونه شرکتهای تعاونی ماهیگیران دریای خزر بوجود آمد.

(۱) — افزایش مصرف ماهی

پیش از آن که به بررسی چگونگی افزایش مصرف ماهی در سالهای مورد بحث بپردازیم، به نظر لازم است در اطراف سوابق مصرف ماهی به طور کلی مختصر توضیحی داده شود تا روشن گردد چرا ایرانیان در گذشته ماهی خور بار نیامده بودند و چگونه و از چه زمانی ماهی به سبد غذای روزانه آنان راه یافت.

متأسفانه ایرانیان، بجز کسانی که در کنار دریا ها و رودخانه ها و مناطق مجاور زندگی می کنند، در گذشته ای نه چندان دور، با این ماده مهم غذایی آشنایی نداشته اند. این امر علل متعدد داشته است. سریع الفساد بودن ماهی و شرایط اقلیمی اکثر نقاط کشور، دور بودن مراکز مصرف از مناطق صید، نبود راه و امکانات حمل و نقل و نگاهداری را می توان از جمله این عوامل کرد. فقر همه جانبه کشور و عقب ماندگی و غفلت پیشینیان را هم باید بخاطر داشت. در ایامی که ما نا آگاهانه مصرف

بیش از نیمی از ماهیان دریای خزر را بر خود شرعا حرام کرده بودیم، همسایه ما در دریای خزر راه ترقی و توسعه را می پیمود. روسیه، به شیلات ایران دست انداخته، با تدارک وسایل حمل و نقل دریایی و زمینی مناسب ماهی ایران را بدست مصرف کنندگان روس در شهرهای دور و نزدیک می‌رسانید. تاکیدی که در سالها بعد، در فصل ۱۱ عهدنامه مودت ۸ اسفند ۱۲۹۹ (۲۶ فوریه ۱۹۲۱) ایران و شوروی به "اهمیت شیلات بحر خزر برای اعاشه روسیه" شده، در واقع اشاره ای به همین معنی است.

ماهیگیران ایرانی که در کرانه های دریای خزر و رودخانه ها صید می کردند بعلت نبود راه و وسایل، امکان توزیع ماهیهای صید شده را در داخل کشور خود نداشتند و ناچار بودند ماهیهای صید شده را با استفاده از کشتیهای روسی برای فروش به شهرهای روسیه بفرستند و فقط میزان اندکی از آن با وسایل نقلیه نامجهز آن زمان و در لابلای قطعاتی از یخ به نقاط نزدیک داخل حمل می شد و بدست معدودی از مردم شهرهای شمالی و طبقات مرفه ساکنان پایتخت می رسید. سردخانه و وسیله ای برای انجماد و نگهداری ماهی نبود. و اصولا مصرف هیچ ماده غذایی یخ زده در ایران گذشته رایج نشده، چه بسا حرام می بود. ماهی سفید در واقع یک نوع غذای لوکس و اشرافی تلقی میشد. در بعضی از خانواده های قدیمی مرسوم بود که در سال یک بار و آنهم به مناسبت عید نوروز یک عدد ماهی سفید و گاهی هم یک ماهی سفید و یک ماهی دودی بر سر سفره داشته باشند. به یاد داشته باشیم در آن دوره ها، شهروندانی که عازم زیارت خانه خدا و یا عتبات و شامات و یا کشورهای دیگر بودند، راه سفرشان به خارج از ایران معمولا از طریق روسیه بود. به زحمت خود را به بندر انزلی می رساندند و از آنجا با کشتی به باکو می رفتند و از آن شهر راهی مقاصد مورد نظر میشدند. ایرانیها هنوز استفاده از نیروی برق را تجربه نکرده بودند. مراکزی در اطراف شهر تهران و بعضی از شهرستانها بنام "یخچال" وجود داشت که در ماههای سرد زمستان به طور طبیعی یخ تهیه می کردند، و قطعات کوچک و بزرگ یخ را در تابستان در اختیار مصرف کنندگان قرار می دادند. (۱)

ماهی جنوب هم طبعاً راهی به داخل کشور نداشت. صید در کرانه های جنوبی تا حدی انجام می گرفت که نیاز محلی و مناطق نزدیک را تامین کند. صیادان ماهیهای فروش نرفته را در زیر آفتاب خشک کرده خود به مصرف می رساندند، یا می فروختند.

در دهه های ۳۰ و ۴۰ نتایج اصلاحات عمرانی به ویژه در زمینه های برق و راه تدریجا ظاهر شد. استفاده از وسایل متعددی که با نیروی برق کار می کند سریعاً رایج شد و از جمله امکان عرضه و نگاهداری ماهی در فروشگاهها و منازل فراهم گردید. همزمان با این تحولات، جمعیت پایتخت و شهرستانها افزایش یافته و وضع اقتصادی کشور و سطح درآمد و طرز تغذیه گروهی از مردم رو به بهبودی گذارده بود. کسانی که در گذشته با ماهی سروکاری نداشتند، یا به ندرت آن را مصرف می کردند، حالا ماهی خور شده بودند و از وجود پروتئین در انواع ماهیان و اهمیت آن در تغذیه خود و فرزندانشان گفتگو داشتند. بدین ترتیب ماهی در سبد غذایی مردم بیشتری راه پیدا کرده بود که البته نشانه ای از یک دگرگونی مثبت در زندگی مردم کشور ما بود. اما این تحولات تصادفا در ایامی اتفاق می افتاد که ذخایر دریای خزر به شدت کاهش یافته بود و

جوابگوی تقاضاها نبود. ماهی جنوب کم کم به بازار راه پیدا یافته بود ولی ذائقه مصرف کنندگان هنوز با ماهی جنوب خو نگرفته بود و مردم همچنان به دنبال ماهی سفید شمال می دویدند.

(۲) - کاهش میزان صید

گزارشهای مشروح و مستند به آمار و ارقام تولید نشانگر افت قابل ملاحظه انواع ذخایر دریای خزر و به ویژه ماهیان استخوانی بود. این کاهش همزمان با دوران فعالیت شرکت مختلط ایران و شوروی آغاز شده و همچنان ادامه پیدا کرد.

کارشناسان ذخایر از همان ایام نگران وضع ذخایر و به ویژه نسل ماهیان خاویاری بودند. آنان اعلان خطر کرده بودند که نسل ماهیان استورژن، باقیمانده نسل تاریخی دیناسورهای دریای خزر، در معرض مخاطره جدی قرار دارد. برخی از انواع این ماهیان به کلی ناپود شده، بقیه نیز مراحلی از انقراض تدریجی را طی می کنند. از بلوگا (فیل ماهیان) که در سالیان گذشته در این آبها صید می شد و توصیف آن را در کتابها خوانده و یا از صیادان کهنسال شنیده بودیم، دیگر اثری باقی نیست. این ماهیان بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ سال عمر می کردند، وزن آنها را تا ۱۴۰۰ کیلو گرم و طول قامتشان را تا ۶ متر ذکر کرده اند. به نظر کارشناسان محیط زیست "هیچ امیدی به بقای نسل ماهیان خاویاری در حیات وحش وجود ندارد. (۲)

در سالهای مورد بحث در این کارنامه، تولید ماهیان استخوانی هم کاهش فوق العاده ای داشت. در پاسخ پرسش سناتور دکتر امیر حکمت از دولت حسنعلی منصور راجع به وضع شیلات در شمال و جنوب کشور، هویدا وزیر دارائی در جلسه ۱۱ دی ماه ۱۳۴۳ مجلس سنا چنین توضیح داده است. (۳)

"... صید ماهی کپور که در سال ۳۶-۱۳۳۵ در حدود ۱۷۵ تن بوده در سال ۱۳۴۲ به کمتر از ۱۰ تن رسیده و ماهی سفید که در همان سال تولیدی بیش از ۲۰۶۶ تن داشت، در سال گذشته به ۱۷۲ تن رسیده است. طبق آمارهای موجود صید متوسط ماهی سفید در ۵ سال گذشته ۴۱۷ تن در سال بود، درحالیکه میزان صید این ماهی در سال بهره برداری ۱۳۱۹- ۱۳۱۸ بالغ بر ۵۸۲۲ تن بوده است. میزان کاهش تولید در برخی از ماهیها مثل آزاد، سوف، کلمه و سیم به قدری است که باعث نگرانی شده است."

کارشناسان ایرانی و شوروی که در زمینه حفظ ذخایر ماهی همکاری نزدیکی داشتند، عوامل متعددی را سبب کاهش تولید میدانستند که مهمترین آنها تغییر شرائط طبیعی در حوزه دریای خزر، آلودگی آب دریا و افزایش صیدهای بی رویه است.

الف - تنزل سطح آب دریای خزر

سطح آب دریای خزر در یک صد سال گذشته دستخوش نوسانات حیرت انگیزی بوده است. کاهش سطح آب این دریا از سال ۱۳۰۵ شمسی تدریجاً آغاز شده، همچنان در ایام مورد بحث در این کارنامه ادامه داشت و حدود ۱۵۰ سانتی متر رسیده بود. در نتیجه این کاهش قسمتی از دریا خشک شده و به اراضی کرانه ای متصل شده است. این زمین ها " اراضی امستحده ساحلی " نامگذاری شده و بر طبق قانونی که در ۲۵ مرداد ۱۳۴۶ به تصویب مجلسین رسیده، متعلق به دولت شناخته شده است. این قانون به موجب قانون دیگری که در تاریخ ۲۹ تیر ماه ۱۳۵۴ به تصویب رسیده، اصلاح و تکمیل شده است. (۴)

نقصان سطح آب دریای خزر، برای اقتصاد هر دو کشور ساحلی وقت، ایران و شوروی، زیان آور بود، همانطور که افزایش سطح آب این دریا در سنوات اخیر (۵) هم خسارات فراوانی ببار آورده است. در باره علل کاهش نظریات متفاوتی ابراز شده است. در همان ایام کارشناسان شوروی در هشترخان (یا حاج طرخان) گرد آمدند تا در این باب چاره اندیشی کنند. از جمله طرح هایی که در این اجلاس مطرح شد، طرحی بود که از جانب یک کارشناس روسی به نام دیمتروف یا دیمیتروف عرضه شده بود. او در طرح خود با توجه به این که قسمت اعظم آب دریای خزر از دو رود بزرگ شوروی (ارس و اورال) تأمین میشود، پیشنهاد کرده بود برای تحت کنترل در آوردن سطح آب در بخش بالا دست این دریا، سدی از شرق به غرب احداث شود بنحوی که حدود ۱/۳ دریا را از پایین دست آن جدا کند و معابری هم برای عبور کشتیها و ماهیان پیش بینی شود. امکان اجرای چنین طرح عظیمی که در تاریخ سد سازی سابقه نداشت، از همان ابتدا مورد تردید بسیاری از کارشناسان بود. علاوه بر هزینه های گزافی که عملی کردن این طرح در برداشت، اصولاً احداث آن برای کرانه های جنوبی دریای خزر، که بخش عمده ای از سرزمینهای ایران و شوروی را دربر می گرفت، بسیار زیان آور و خطرناک می بود و با موازین حقوق بین المللی مطابقت نداشت (۶) و به هر تقدیر کارشناسان شوروی آنرا طرحی غیر عملی شمردند. ظاهراً فکر دیگری هم در آن زمان مطرح بود ایجاد کانالی میان دو دریای سیاه و دریای خزر است. ظاهراً در گذشته های دور، دریا های سیاه و خزر و آرال بهم متصل بوده اند.

ب: تقلیل مراکز تخم ریزی و پیدایش سایر عوارض زیان بخش

کاهش سطح آب دریای خزر مآلاً سبب خشک شدن تعدادی از انهار و تالاب ها شده بود و این امر صدمه فراوانی به مراکز تخم ریزی و محیط زیست آبریان زده است .

علاوه بر شرائط نامساعد طبیعی فوق الذکر معدودی از صنایع نوپا و مزارع کشاورزی مدرن کشور هم برای ماهیان زیان آور بود. از جمله این عوامل فاضل آبهائی بود که همراه با فضولات کارخانجات به رودخانه ها سرازیر می شد. آزمایشهای

لابراتوار شیلات نشان می داد که آب رودخانه ای مثل رودخانه چالوس که از کنار شهر چالوس عبور می کند به علت فاضل آبی که از کارخانه فیبر سازی چالوس به این رودخانه سرازیر است، محیط زیست آبیان را شدیداً آلوده کرده بود.

در بعضی از مراکز کشاورزی جدید التاسیس، بالاخص در استان گرگان (گلستان امروزی) که آب برداری از رودخانه ها با پمپ های آبیاری در همان اوان رایج شده بود، به علت عدم رعایت ملاحظات فنی (از قبیل نصب توری و احداث حوضچه) پمپ های آبیاری ماهیهای شناور در آب رودخانه ها را مکیده و موجب اتلاف آنها در مزارع میشدند که البته برای رفع این نواقص با همکاری با سازمانهای دولتی مربوط برای بی ضرر سازی این مراکز اقداماتی آغاز شده، لوایح قانونی در دست تنظیم بود.

پ : معضل لایروبی مرداب انزلی

مرداب انزلی یکی از عمده ترین مراکز پرورش انواع آبیان دریای خزر است ولی متأسفانه رشد علفهای هرزه در این مرداب در شرایطی که برای محیط زیست ماهیان ضرورت دارد، اختلالاتی به وجود آورده است از آغاز ملی شدن شیلات، طرح لایروبی مرداب همواره مطرح بود ولی اجرای آن که مستلزم صرف هزینه گزافی است، هیچگاه عملی نشده است. در یکی از نشریات سالهای اخیر شیلات از قول یک مقام رسمی خواندم که لایروبی مرداب انزلی پس از گذشت سالیان دراز همچنان به صورت یک معضل حل نشده باقی است. در طرحی که کارشناسان روسی در گذشته برای بهبود وضع مرداب تهیه کرده بودند، به وجود یک نوع ماهی علفخوار در دریای خزر اشاره کرده، نوشته بودند از وجود این ماهی علفخواری می توان برای از بین بردن علفهای هرزه مرداب استفاده کرد. در این طرح گفته شده بود این ماهی وقتی به حد رشد کامل رسید روزانه به اندازه یک حیوان علف می خورد. برای آزمایش کارایی این نظریه سفارش خرید ۲۰ هزار بچه ماهی از این نوع ماهیهای علف خوار را به یک مؤسسه معروف شوروی دادیم. هنگام تحویل این بچه ماهیها به شیلات که شخصاً حضور داشتم، طول متوسط آنها ۲۰ سانتیمتر بود. ماهیها در حوضچه های مخصوص پرورش یافتند و پس از رشد کافی تدریجاً در مرداب رها گردیدند. رشد این ماهیان به مراتب سریعتر از سایر ماهیان بود بطوریکه بعد از گذشت پنج ماه که یکی از آنها به دست کارشناسان افتاد، طول آن نزدیک به ۷۰ سانتی متر و وزنش بالغ بر ۱۲۰۰ گرم شده بود. یقیناً این ماهیها هم به تور صیادان گرفتار شده اند.

(۳) - مقررات وسنن ماهیکیری در دریا و رودخانه ها

بر اساس اساسنامه قانونی شرکت سهامی شیلات ایران مورخ ۶ تیرماه ۱۳۳۲ ماهیکیری در دریای خزر و کلیه رودخانه های حوزه آن و مرداب پهلوی (انزلی فعلی) و خلیج گرگان (گلستان امروزی)، به عهده شرکت شیلات واگذار شده است. قانون مذکور در مورد چگونگی بهره برداری از این منابع ملی شده دوسیستم متفاوت مقرر داشته است:

الف - صید ماهی غضروفی (استورژن) و بهره برداری از خاویار در انحصار دولت است و کلیه عملیات مربوط بدان

اعم از صید و عمل آوری و فروش راسا به وسیله شیلات انجام می گیرد.

ب- درمورد سایر ماهیان که همه آنها جزو منابع ملی به شمار میروند، نقش شیلات و اگذاری بهره برداری از آن به بخش خصوصی است که با رعایت مقررات مربوط به صید با نظارت شیلات بهره برداری کنند. بعبارت دیگر همان

سیستم اجاره دادن دریا و رودخانه ها است که از دیر باز در این منطقه رایج بوده است.

در مورد صید در دریا و رودخانه ها نظامات خاصی مقرر شده بود. فصول و مناطق مجاز صید و همچنین وسایل مجاز و غیر مجاز و سایر نکات صید و صیادی در قوانین و آئین نامه های مربوطه مشخص شده و ماهیگیران موظف به رعایت آن بودند.

در هر یک از ۳ استان کرانه ای ایران دریای خزر جایگاههای مشخصی برای صید دسته جمعی در نظر گرفته شده بود و همه ساله بهره برداری از این جایگاه ها، طبق مرسوم برای یک فصل صید از طرف شیلات استانها به مقاطعه کاران اجاره داده میشد. تعداد جایگاه ها در استانها مشخص شده بود ولی گاهی زیاد و یا کم میشد. در اصطلاح محلی این جایگاههای ماهیگیری دسته جمعی را "پره" (۷) و روشی را که به کار می رود "پره کشی" میگویند.

مقاطععه کاران عموماً محلی بوده و با به کارگیری صیادان حرفه ای در محل به طور دسته جمعی ماهیگیری میکردند. مسئولیت مقاطعه کار تدارک و وسایل صید و تأمین هزینه ها بود. حق الزحمه ماهیگیران بصورت روزمزدی یا نوعی مشارکت با مقاطعه کار در تقسیم محصولات تولیدی بود. بعضی از مقاطعه کاران هم در رودخانه ها طرف قرارداد شیلات بودند و هم در کار صید در دریا دست داشتند. معدودی از آنان از این راه نفوذ و قدرتی پیدا کرده و در اصطلاح محلی به آنان "سماک" میگفتند. برابر اطلاعاتی که در شیلات جمع آوری شده بود ۵۲ نفر از سران این گروه در کلیه مقاطعه کاریها در دریا و رودخانه ها مشارکت داشتند.

عملیات پره کشی را در سالهای پیش ماهیگیران حرفه ای محلی انجام می دادند ولی چون پره کشی کار سختی است، تعدادی از آنان از این کار دست برداشته و برای تحصیل درآمد بیشتر با کاری کمتر خود با تدارک و وسایل و در گروه های سه چهار نفری به ماهیگیری روی آوردند و سماکان هم ترجیح می دادند که به جای ماهیگیران حرفه ای از کارگران فصلی با دستمزد کمتر استفاده کنند. در سالهای آخر دهه ۱۳۳۰ به این طرف همه ساله عده ای از کشاورزان منطقه خلخال آذربایجان که به سخت کوشی معروف هستند در فصل صید که مقارن با ایام بیکاری و یا کم کاری کشاورزان است به عنوان کارگران فصلی برای اشتغال به صید به کرانه ها میآمدند. آمار موجود نشان میدهد در سالهای اولیه دهه ۱۳۴۰ مقاطعه کاران تعداد کثیری از کارگران خلخال را بجای ماهیگیران حرفه ای برای کار پره کشی اجیر کرده بودند و در بعضی از مناطق ندرتا دیده می شد که از تراکتور برای پره کشی استفاده میکردند.

بهره برداری از ماهیان رودخانه ای هم براساس اجاره داری معمول بود. اجاره داری در رودخانه ها هم مثل مقاطعه کاری در دریا شغلی پر درآمد بود. ادارات شیلات هر محل همه ساله بهره برداری از ماهیان رودخانه ها را در فصل مجاز صید از طریق مزایده به مقاطعه کاران محلی اجاره میدادند. در مورد رودخانه هائی که مال الاجاره آنها کمتر از یکصد هزار تومان بود ادارات شیلات محل مجاز بودند قرارداد اجاره را راسا امضا بکنند. متن این قرارداد های اجاره یکسان و مطابق نمونه ای بود که قبلا در اداره مرکزی تهیه میشد و برای اجرا به شیلات استانها فرستاده میشد. اگر میزان مال الاجاره رودخانه ای بیش از این مبلغ بود پرونده امر برای اتخاذ تصمیم نهائی به هیئت مدیره به تهران فرستاده می شد.

پی نویسه‌های بخش چهارم

(۱) - نگارنده یکی از این یخچالها را در خارج از شهر تهران دیده بودم و آن را دقیقاً به یاد می آورم. "یخچال" عبارت از یک قطعه زمینی بود که در حدود ۷۰-۸۰ متر طول و ۲۰ تا ۳۰ متر عرض داشت. (این ابعاد در شهر ها و مناطق مختلف متفاوت بود) مشخصه آن دیوار بلندی ساخته شده از خشت و گل است که در اسنای طول زمین بنا شده است. در شبهای سرد زمستان این محوطه را ملو از آب می کردند و پس از انجماد کامل آب قطعات یخ را خرد کرده به سردابهای زیر زمینی در همان محل منتقل می کردند. قطعات یخ در این سردابها ی زیر زمینی همچنان محفوظ می ماند و در فصل گرمای تابستان در همان مرکز به فروش می رفت. ویا فروشندگان دوره گرد با چهارپایان آن را در مناطق مختلف شهر توزیع می کردند.

(۲) محمد پور کاظمی رئیس موسسه بین المللی ماهیان در ایران در سایت سیلات در اردی بهشت ۱۳۸۸، وضعیت ماهیان خاویاری را " بسیار نگران کننده و بحرانی" توصیف کرده است.

(۳) - روزنامه کیهان، تهران ۱۱ دی ماه ۱۳۴۳

(۴) - برابر تعریف بند الف ماده ۱۳۵۴ "اراضی مستحدث عبارت است از زمینهایی که در نتیجه پایین رفتن سطح آب یا هر نوع جریان آب در کرانه های دریا و دریاچه ها و جزایریا در نتیجه پایین رفتن آب یا خشک شدن تالابها ظاهر و یا ایجاد می شود." و در بند الف ماده ۲ گفته شده عرض اراضی ساحلی مستحدث دریای خزر خط تراز یست به ارتفاع یکصد و پنجاه سانتیمتر از سطح آب در آخرین نقطه پیشرفت آب دریا در سال ۱۳۴۲.."

(۵) - برای اطلاع بیشتر باید یادآور شود که از اواخر دهه ۱۳۴۰ نوسات سطح آب دریای خزر وارد مرحله تازه ای شده و به جای کاهش رو بافزایش گذاشته به نحوی که، نه تنها نقصان سطح آب دریا در سنوات گذشته را جبران کرده بلکه سطح اب دریا از آنچه در سال ۱۳۰۵ بوده، بالا تر هم رفته و موجب خساراتی زیادی شده است.

(۶) - در آن تاریخ نگارنده راجع باین طرح بررسیهایی نموده و با مراجعه به کارشناسان فنی و حقوقی گزارش مبسوطی تهیه کرده بودم. در این گزارش توضیح داده شده بود که اگر این طرح به مورد اجرا در آید چه زیتهائی برای ایران خواهد داشت و برای مقابله با آن چه اقدامی باید انجام گیرد.

(۷) - ابزاری که در این عملیات به کار میرود توربزرک نخی است که طول آن باتوجه به توپوگرافی سواحل دریای خزر و شیب و عمق آب و منطقه توراندازی از ۱۱۰۰ متر تا ۱۴۰۰ متر و ارتفاع آن از ۸ تا ۱۵ متر متفاوت است. در عملیات پره کشی -در هر پره در حدود ۱۰۰ نفر مشارکت دارند. عملیات پره کشی به این صورت است که پره را باقیق به منطقه ای دور از ساحل که دریا عمق پیدا می کند می برند و آنرا به آب انداخته به صورت دیواری در دریا به موازات ساحل- میگسترانند به نحوی که گوهای سبک وزن سفید یا رنگین تعبیه شده در طول پره روی آب شناور می ماند و دیوار توری را در دریا سرپا نگه میدارد. متعاقباً تعدادی از پره کشها منتهی الیه هر دو سوی تور را گرفته و شناکشان آنرا باخود به طرف ساحل می کشانند و پره تدریجا بصورت نیم دایره در میاید. سپس پره کشان به دو گروه تقسیم شده و در هر گروه پره کشان به فواصل معین از هم درحالی که هر یک گوشه ای از تور را بروی دوش خود انداخته اند بطرف ساحل میروند و آنقدر پیش میروند تا تمامی پره از آب بیرون کشیده شود. ماهیانی که در پره گرفتار شده اند محصول کار پره کشان است.

بخش پنجم

ایجاد شرکتهای تعاونی ماهیگیران دریای خزر

عدم توازن فاحش بین عرضه و تقاضای ماهی، نظام ماهیگیری در دریای خزر رادجار اختلالات فراوانی کرده، این امر سبب افزایش بهای ماهی شده بود. هرچه تقاضای خرید ماهی افزایش می یافت بهای آن بالاتر میرفت و بر تعداد کسانی که به طوز غیر مجاز ماهیگیری می کردند افزوده می شد.

مقاطعه کاران، واسطه ها و همه دست اندر کاران ماهی از این بازار گرم حداکثر استفاده را می بردند و صیادان غیر مجاز در همه جا به دریا و رودخانه ها هجوم آورده بودند. مأمورین حفاظت آنها در شیلات عملاً کاری که میتوانستند بکنند توقیف تور و قایق و وسائل صیادی متخلفین بود. وسائل توقیف شده در انبارهای شیلات رویهم تلنبار شده و واقعا حیرت آور بود.

در چنین شرایطی کشتیلات ناگزیر بود سریعاً دست به اقدامات مؤثری بزند و نظام جدیدی در کار صید به وجود آورد. اولین گامی که برداشته شد کوتاه کردن دست واسطه ها و مقاطعه کاران و ماهیگیران غیر حرفه ای از دخالت در امور ماهیگیری بود که با اعلام ممنوعیت و اگذاری اجازه دادن جایگاه های صید دسته جمعی به مقاطعه کاران صورت پذیرفت .

تا آن تاریخ شرکت تعاونی در کار شیلات امری کاملاً بی سابقه بود. ضرورت ایجاد شرکتهای تعاونی ماهیگیران ، همزمان با اعلام ممنوعیت سیستم مقاطعه کاری طرف توجه قرار گرفت . ضوابطی که برای برقراری نظام جدید صید در نظر گرفته شده بود اصولاً مبتنی بر آن بود که فقط به ماهیگیران حرفه ای عضو شرکتهای تعاونی صیادی اجازه صید داده شود. چگونگی ایجاد شرکتهای تعاونی و انتخاب اعضاء و مقررات مربوطه مستلزم بررسی همه جانبه ای بود و مدتی طول کشید تا این مطالعات انجام شد و مقدمات اجرای آن فراهم گردید. برخی از خطوط اساسی که در آن تاریخ به هنگام تهیه اولین اساسنامه شرکتهای تعاونی ماهیگیران دریای خزر در مد نظر بود تا آنجا که به یاد دارم، بشرح زیر بود:

الف- تعداد جایگاه های صید دسته جمعی به طور کلی تقلیل یابد و حداکثر جایگاه های مجاز در سه استان کرانه دریا جمعاً ۳۰ جایگاه باشد.

ب- سیستم اجازه دادن و مقاطعه کاری به کلی متروک گردد و بهره برداری از جایگاه ها منحصر در اختیار شرکتهای تعاونی ماهیگیران همان منطقه باشد.

- ج- شیلات استانها ماهیگیران حرفه ای را تشویق کنند که شرکتهای شرکتهای تعاونی منطقه ای خود را به وجود آورند و برای این منظور به آنان کمک فنی و مالی بکنند.
- د- ماهیکیر حرفهای کسی است که شغلش منحصرأ ماهیکیری و اعاشه او فقط از این راه تامین میشود.
- ه- هر شرکت تعاونی با عضویت یک صد نفر ماهیگیر حرفه ای موجودیت می یابد و به هر شرکت فقط یک جایگاه صید و اگذار می شود.

به طور خلاصه برنامه آن بود که با در نظر گرفتن وضع ذخایر، به حد اکثر ۳۰۰۰ نفر ماهیگیر حرفه ای اجازه صید در طول کرانه های ایران در دریای خزر داده شود. اساسنامه شرکت های تعاونی ماهیکیران دریای خزر تهیه شد و باتصویب هیئت وزیران به مورد اجرا گذارده شد.

در باره این اقدامات که برای حفظ ذخایر انجام می شد شرکت شیلات هیچگونه تبلیغی نکرد ولی در بعضی از جراید از آن به عنوان "اصلاحات دریایی" در برابر اصلاحات ارضی نام بردند و از آن تقدیر کردند. اما گروهی دست اندر کاران ماهی که از این جریان زیان برده بودند، با آن شدیدا مخالف بوده و اعتراض می کردند. مقاطعه کاران برای خود حقوقی در دریا و رودخانه ها مطالبه می کردند و حاضر به قبول تغییر شرایط نبودند، آنها حاضر نبودند پره و لوازمی که روی دست آنها مانده بود به شرکتهای تعاونی نو بنیاد بفروشند و سعی می کردند شیلات را از اجرای برنامه ها منصرف سازند.

از طرف دیگر شیلات در تامین اعتبارات کافی برای کمک به راه اندازی و گردش کار جاری شرکتهای تعاونی چندی با اشکال روبرو بود ولی به رغم همه مشکلات، شرکتهای تعاونی ماهیگیران تدریجا موجودیت پیدا کردند و به هنگامی که ماموریت نگارنده در شیلات پایان یافت در هر سه استان تعدادی از آنها مشغول ماهیگیری بودند و در برخی از مناطق دیگر نام نویسی ماهیگیران و مقدمات تشکیل شرکتها شروع شده بود. اساسنامه شرکت های تعاونی ماهیگیران دریای خزر متعاقبا چندی پس از خاتمه ماموریت در شیلات از طرف دولت برای تصویب به مجلسین داده شد و به تصویب رسید.

همزمان با ایجاد شرکتهای تعاونی ماهیگیران در دریا در نظر بود در مورد رودخانه ها نیز به همین ترتیب اقدام شود و شرکتهای تعاونی ماهیگیران رودخانه جای مقاطعه کاران را بگیرند ولی فرصتی پیدا نشد. تنها اقدامی که در مورد رودخانه ها معمول گردید طرح ممنوعیت کامل ماهیگیری در رودخانه سلمان در فصل تخمیزی ماهیان در سال ۱۳۴۳ بود که با کمک موثر ارتش با موفقیت کامل انجام شد و شرح آن را در این کارنامه ملاحظه خواهید کرد.

هم اکنون که مشغول نگارش این بخش از یادداشتها، بیاد مذاکره ای افتادم که در همان ایام با یک ماهیگیر گیلک درباره حفظ ذخایر داشتیم و حیف آمد آن را عینا در پی نویس این صفحه نقل نکنم (۶). این گفتگو یقینا منعکس کننده طرز فکر اکثریت مردم و همه ماهیگیران در این باره نیست ولی بهرحال نشان میدهد معدودی از ماهیکیرانی که شیلات با آنان شب و روز سرو کار داشت راجع به امر حفاظت ذخایر آبزیان چگونه می اندیشیدند

(۶) - در ایامی که مقررات مربوط به حفاظت در دست اجرا بود، همه روزه جمع کثیری در مندل اداره مرکزی شیلات در بندر انزلی به حال اعتراض تجمع کرده و سر و صدا می کردند. در یکی از این تظاهرات قیافه مردی توجه مرا جلب کرد که پرخاش کنان به مأمورین انتظامی ایراد داشت آخر چرا نمی گذارید بروم و با مدیر شیلات دو کلمه حرف حسابی بزنم. از مأمورین خواستم مانع ورود او نشوند و او همچنان عصبانی به دفتر م وارد شد. مرد میان سالی بود کمی فربه با موهای خاکستری و با لهجه شیرین گیلکی صحبت می کرد. یک گیلای آب خنک باو تعارف کردم و از او خواستم به راحتی و آزادانه هر مطلبی که دارد بیان کند. او پس از اندکی تأمل با آرامی گفت: آقا جان آخر چرا خانه خراب کن ما هیگیر ها شده ای؟ ما نسل اندر نسل از این دریا ماهی گرفته و ارتزاق کرده ایم. چرا می خواهی نان ما را ببری؟ این داستان/انقراض بنقراض که راه انداخته ای چه معنی دارد؟ اینها تقریباً همان کلماتی بود که این ماهیگیر گیلک خطاب به من بیان می کرد. با لحنی دوستانه توضیحاتی باو دادم و ارقامی که روی میز بود باو نشان دادم و برای او خواندم سال بسال چه قدر تولید ماهی کم شده و چرا شیلات مجبور شده برای مقابله با خطراتی که نسل ماهیان را تهدید می کند، صید را محدود و ممنوع کند. آماری از تعداد تورهای غیر مجازی که در همان فصل ضبط شده بود باو نشان دادم و خلاصه به او گفتم نباید تصور شود که این دریا ارث پدری صیادان گیلانی- مازندرانی ویا گرگانی است که مجاز باشند آزادانه ودر هر موقع ودر هر کجا وبه هر اندازه که بخواهند صید کنند. ماهیان این دریا به فرزندان و نسلهای آینده همه مردم ایران تعلق دارد و آنان این ماهیها را به طور امانت و برای بهره برداری صحیح و بی ضرر به دست ما سپرده اند. ما که این ثروت را از نسل های پیشین تحویل گرفته ایم موظفیم عیناً آنرا به نسل های آینده تحویل بدهیم ودر این راه هم من -که مسئولیت ماهیگیری را بدستم سپرده اند - و هم او که یک ماهیگیر زحمتکش ایرانی است باید شدیداً احساس مسؤولیت بکنیم. ماهیگیر مخاطب من با آرامی حرفهای مرا گوش می کرد ولی در قیافه او هیچ نشانی از این که صحبت های من در او اثری کرده باشد ندیدم. اوسرانجام لب به سخن گشود و با همان لهجه شیرینش گفت: آقا جان- آقای مدیر تو هنوز خیلی جوانی، ترا خام کرده اند. من یک سؤال از تو دارم و میخواهم بپرسم یک گاو در سال چند گوساله میزاید؟ در جواب گفتم بستگی دارد به اینکه گاو نر باشد یا ماده. گاو نر اصلاً نمیزاید. او در جوابم گفت: آقا مغلطه نکن منظورم را خوب فهمیدی. سؤالم راجع به گاو های ماده است. گفتم معمولاً یکی گفت خدا آن پدرت را بیامرزد درست گفتمی حالا من یک سؤال دیگر هم از تو دارم. آیا میدانی یک ماهی چند عدد تخم می ریزد؟ در جواب او گفتم خیلی زیاد- در حدود ۴۰ تا ۵۰ هزار تخم می ریزد. باز گفت آفرین این جوابت هم درست است. حالا میخواهم بپرسم آیا هیچوقت شنیده ای که کسی بگوید نسل گاو در معرض انقراض است؟ چرا راجع به گاو که فقط سالی یک گوساله میزاید کسی نمیگوید نژاد گاو در معرض انقراض است ولی چرا تو میگویی ماهی که ۴۰-۵۰ هزار تخم میریزد نژادش رو به انقراض می رود؟. آقا جان این حرفها را بگذار کنار، مانع نان خوردن ما نشو. به ظرم آمد که ادامه بحث با این ماهیگیر بی یفایده است ویدام نیست چگونه گفتگوی آنروزی ما پایان یافت. ولی حالا که سالها از مذاکرات آنروز گذشته، چقدر آرزو میکنم این ماهیگیر را ی کبار دیگر به بینم و باو بگویم: هموطن در آنروزهایی که در سال ۱۳۴۳ با هم صحبت میکردیم تولید خاویار ممکت ما با لغ بر ۲۲۰ تن در سال بود و حالا که بیش از نیم قرن از آن روزگار گذشته، رقم تولید سالیانه خاویار به زیر ۱۰ تن رسیده و متأسفانه آن طور که مسئولین اخیراً گفته ودر نشریات رسمی هم منعکس است، پیش بینی می کنند این رقم به زودی به صفر خواهد رسید. حالا شما چه فکر می کنید؟

بخش ششم

ممنوعیت صید در رودخانه سلمان

در آغاز فصل ماهیگیری در سال ۱۳۴۳ شیلات استانها طبق معمول آگهی مزایده اجاره رودخانه ها را منتشر کرده و مشغول رسیدگی بودند. برای اجاره رودخانه سلمان واقع در غرب شهرستان رودسر (۱) سه پیشنهاد رسیده بود. بالاترین رقم پیشنهادی در حدود یک ملیون تومان بود (۲) که برنده مزایده شناخته شده بود و دو پیشنهاد یگر با رقمی کمی پایین تر با رقمی کمی پایین تر، برندگان ردیف دوم و سوم اعلام شده بود. این پرونده را طبق مقررات برای تصمیم گیری نهایی در هیئت مدیره به مرکز فرستاده بودند.

از روزی که گزارش مربوط به رودخانه سلمان به تهران رسید، جمعی از صیادان در برابر دفتر شیلات گرد آمده و مصرأ می خواستند هر چه زودتر قرارداد امضاء گردد و به آنان اجازه شروع بهره برداری داده شود. این گروه هر روز به شیلات تلگراف زده و ادعا می کردند در اثر تأخیر در شروع صید به آنها زیان وارد شده و شیلات رامسئول می دانستند و رونوشت تلگرافات را برای اطلاع مقامات مختلف می فرستادند.

با مراجعه به سوابق امر ملاحظه شد که برنده سال جاری همان مستاجر سال قبل است. مال الاجاره سال قبل مبلغی متجاوز از یک ملیون تومان بود ولی در سال ۱۳۴۳ که بهای خرده فروشی ماهی تقریباً به دو برابر بهای سال پیش افزایش یافته بود، مبلغ کمتری را پیشنهاد داده است.

برنده مزایده را شخصاً خواسته و با او و جمعی که به عنوان وکیل و شریک به همراه او آمده بودند مذاکره کردم. آنها حاضر شدند پیشنهاد را تا مبلغ مال الاجاره سال پیش افزایش دهند مشروط بر آن که ممنوعیت احداث سد و کلهام (۳) مندرج در متن قرارداد حذف شود و یا عملاً موقوف الاجراء بماند، که البته پیشنهادی برخلاف مقررات جاری و پذیرفتنی نبود.

نتیجه تحقیقات معموله مشخص می کرد ماهیگیران روستا های متعددی که در مسیر طولانی این رودخانه ساکنند، رودخانه شلمان را در واقع یک منطقه انحصاری و تیول خود می دانند و بین خود توافق کرده اند که در صورت ظاهر سه نفر از اعضای این گروه به طور انفرادی رسماً در مزایده شرکت کنند ولی در حقیقت همه در بهره برداری سهیم و شریک باشند.

صرفنظر از مبلغ اجاره، مسئله مهمتر اهمیت فوق العاده رودخانه شلمان در امر تکثیر طبیعی ماهیان بود که اهمیتی کم نظیر داشت. همه نوع ماهیان خاویاری و استخوانی در این رودخانه تخم‌ریزی می کنند. من شخصا به اتفاق دونفر کارشناس شیلات با قایق از قسمت هائی از مسیر رودخانه شلمان دیدن کرده، مخصوصاً در قسمت های بالا دست رودخانه محل‌های تخم‌ریزی ماهیان را با چشم خود دیده بودم و بیش از پیش به اهمیت حیاتی این رودخانه آقف شده بودم (۴). وقتی به یاد می آوردم که برای تکثیر صنعتی ما هیان دریای خزر چه هزینه های گزافی صرف ساختن و راه اندازی مراکز پرورش می شود، در حالی که اصولاً تکثیر طبیعی به مراتب بهتر و موثر تر از تکثیر صنعتی است - با خود می گفتم آیا تأسف آور نیست که در مقابل دریافت اجاره بهای ناچیزی، این منبع عظیم ثروت ملی را در معرض مخاطره قرار داده و به دست مقاطعه کاران سود جو بسپاریم؟ توجه به این نکات مرا به فکر انداخت که در آن سال از اجاره دادن این رودخانه به کلی صرفنظر کرده و آن را ممنوع الصید اعلام کنیم. وقتی این فکر را با کارشناسان شیلات در میان نهادم همه آنرا تایید کردند. درست است که در نتیجه این ممنوعیت مقاطعه کاران و تعدادی ماهی گیر متضرر و شاکی می شوند و ماهی کمتری به بازار مصرف عرضه خواهد شد، ولی در دراز مدت این اقدام بدون شک بسیار ضروری و به مصلحت کشور است.

چون اجرای این برنامه مستلزم کمک دولت بود، لذا به دیدار امیر عباس هویدا وزیر دارایی رفتم و گزارش مشروحه به او دادم. وقتی در ادامه صحبت می گفتم هیئت مدیره بر اساس وظایف قانونی خود در نظر دارد این رودخانه را در سال جاری ممنوع الصید اعلام کند، وزیر دارایی که دقیقاً توضیحاتم را گوش می کرد و آشکارا تحت تاثیر قرار گرفته بود، همان جا سختم را برید و گفت بسیار تصمیم درستی است پس معطل چه هستید؟ فوراً آنرا اجرا کنید. در جواب وزیر دارایی گفتم در اصل موضوع تردیدی نیست ولی مشکل در چگونگی اجرای آنست. توضیح دادم رودخانه شلمان در مسیر طولانی و بیش از ۴۸ کیلو متری خود از کنار روستاهای فراوانی می گذرد. اگر ممنوعیت صید را فقط با اتکاء به امکانات اجرایی محدود شیلات اتخاذ کنیم، یقیناً مقاطعه کاران و همه ماهی گیران منطقه رابی اندازه خوشحال خواهیم کرد، چون بدین ترتیب، بدون پرداخت همان مال الاجاره ناچیز، می توانند مجاناً از این رودخانه ماهی بگیرند. پیشنهاد کردم تنها راه صحیح و عملی ممنوعیت صید در این رودخانه آنست که مسئولیت حفاظت از آن را به عهده ارتش و اگذار کنیم و گفتم در همسایگی ما در دریای خزر شورویها برای حفظ ذخائر با قاطعیت عمل میکنند. خلاصه پیشنهادم این بود که یک عده ای ۲۰۰ نفری از ارتش برای اجرای طرح ممنوعیت مورد نظر در اختیار شیلات گذاشته شود.

هویدا ضمن تأیید مطلب و تصدیق اهمیت و فوریت آن، همان لحظه با خط تلفنی مخصوص دولت با سپهبد اسدالله صنیعی، وزیر جنگ، تماس گرفت و مشروحاً او را در جریان امر گذاشت و خواستار اقدام فوری شد. مذاکرات تلفنی دو وزیر مدتی ادامه یافت و من نمی شنیدم وزیر جنگ در آن سوی خط تلفنی در جواب چه می گوید. وقتی مذاکرات تلفنی تمام شد، هویدا

اظهار داشت وزیر جنگ در جواب او اظهار داشته در ارتش هیچ نقل و انتقالی بدون امریه شخص شاه امکان پذیر نیست. او در اولین پنجشنبه که اختصاص به شرفیابی افسران دارد، مراتب را به شرفعرض خواهد رسانید.

این مذاکرات در دفتر هویدا در یکی از اولین روز های هفته (شنبه یایکشنبه) انجام می شد. وزیر دارائی نظرش این بود که اعلام ممنوعیت را موکول به آمدن ماموران ارتش نکنیم و شیلات بلادرنگ اعلامیه ممنوعیت را صادر کرده، کارش را شروع کند و وزیر جنگ هم در پایان هفته باکسب اجازه نفرات ارتش را برای کمک در اختیار شیلات خواهد گذاشت. به وزیر دارائی گفتم شما واقفید که پادشاه تاجه حدی به حفظ ذخایر کشور اهمیت می دهند. من یکبار که در چند هفته پیش گزارشی در این زمینه بعرض می رساندم، دستورات موکدی راجع به حفاظت ذخایر دادند. تردیدی ندارم به محض اطلاع از این برنامه فوراً اجازه خواهند داد و از این رو پیشنهاد کردم نظر به فوریت امر و از آنجا که مقاطعه کار از تاخیر شیلات شکایت دارد و بهر حال باید هرچه زودتر تکلیف موضوع روشن شود، خود شما و یا وزیر جنگ تقاضای شرفیابی فوری بکنید و یا من این تقاضا را بکنم. در ضمن گفتم اگر همزمان با اعلام تصمیم ممنوعیت، صیادان و اهالی منطقه مأموران نظامی مجری قانون را حاضر به انجام وظیفه در کنار رودخانه ببینند، یقیناً بیشتر متوجه اهمیت موضوع می شوند. در این باره مشغول گفتگو بودیم که رئیس دفتر وزیر اطلاع داد تیمسار دکتر ایادی برای دیدار آمده و در اطاق انتظار است.

با موقعیتی که دکتر ایادی-پزشک مخصوص شاه داشت- درب اطاق همه وزرا بروی او همیشه باز بود. نمی دانم آمدن دکتر ایادی در آن روز سرزده بود یا باتعین وقت قبلی آمده بود. ؟ اما بهر حال هویدا با دیدن او اظهار مسرت فراوان کرد و به او گفت خوشحالم که کار تحویل و تحول شیلات جنوب کلا خاتمه یافته است. (۵) او بعد از بیان این مطلب به ایادی گفت حال که هر دوی شما، مسئولین شیلات شمال و جنوب کشور در این جا حاضر هستید و باید باهم در کار مربوط به شیلات کشور همکاری نزدیک داشته باشید، میخواهم برای پیشبرد یک کار فوری و مهم مربوط به شیلات شمال، از شخص شما -دکتر ایادی کمک بگیرم. هویدا آن گاه درباره طرح ممنوعیت ماهیگیری در سلمان توضیحات مبسوطی داد و درباره اهمیت و فوریت آن صحبت کرد و گفت بدون کمک ارتش اجرای این طرح امکان پذیر نیست. او سپس مذاکراتی را که چند دقیقه پیش با وزیر جنگ داشته و جوابی را که از او شنیده بود برای دکتر ایادی بازگو کرد و گفت یقین دارم شخص او می تواند در این باب اقدام فوری بکند و از او انتظار کمک دارد.

دکتر ایادی بدون هیچ سوالی از هویدا و یا از من گوشی تلفن مخصوص را از روی میز وزیر دارایی برداشت و با وزیر جنگ به مذاکره پرداخت. لحن این گفتگو خیلی خودمانی ولی قاطع بود. البته آن چه را که وزیر جنگ از آن سوی خط تلفنی می گفت وزیر دارائی و من نمی شنیدیم، او یقیناً همان جوابی را که به امیر عباس هویدا داده بود تکرار کرده بود، ولی آنچه را که ایادی متعاقباً به وزیر جنگ گفت، هر دوی ما به وضوح کامل شنیدیم. دکتر ایادی با لحنی محکم و اطمینان بخش به وزیر جنگ گفت خیالت از هر جهت آسوده باشد و امریه را از همین حالا در جیبیت بدان. مطلبی که جناب وزیر دارائی راجع به ضرورت کمک ارتش به شیلات گفت، مورد توجه مخصوص اعلیحضرت است و بسیار فوریت دارد. همین حالا ترتیب

اعزام ۲۰۰ سرباز از گارد شاهنشاهی را بده من فردا خودم صبح زود گزارش شرفرضی را به هنگام صرف صبحانه حضورشان خودم اوامر مبارکشان را می آورم به دفترت و در آن جا یک چای باهم میخوریم .

دکتر ایادی پس از خاتمه مذاکرات تلفنی خطاب به وزیر دارائی گفت کاری را که از من خواسته بودید انجام دادم ، مطمئن باشید فوراً اقدام خواهند کرد. سپس رو به من کرد گفت همین امشب از ستاد ارتش با شما تماس خواهند گرفت و ترتیب اعزام نفرات را خواهند داد.

مطالبی که دکتر ایادی در این مذاکرات تلفنی به وزیر جنگ میگفت، به خاطر اهمیت فوق العاده ای که داشت همچنان در خاطر من مانده و عیناً بدون هیچ کم و یا زیادی آن را در این جا نقل کرده ام. دکتر ایادی به خود اجازه می داد بدون اطلاع قبلی پادشاه و از طرف شخص او در باره نقل و انتقال نفرات در ارتش شاهنشاهی دستوری صادر کند. یقین دارم نه نخست وزیر و نه هیچ یک از مقامات کشوری و لشگری یک چنین جراتی راحتی به ذهن خود راه نمی دادند.

آنروز تقریباً به پایان رسیده بود که از دفتر وزیر دارائی به محل کارم در شیلات بازگشتم و همکاران را، بدون آنکه از جزئیات موضوع چیزی به آنها بگویم ، در جریان گذاشتم و مشغول تهیه اعلامیه ممنوعیت صید و تدارک اجرای برنامه شدیم. در ساعت ۸/۳۰ شب از طرف اداره مخابرات ارتش یک تلفن مخصوص بی سیم در دفتر کارم در تهران نصب شد و پس از انجام آزمایش گفتند به زودی از طریق همین خط بی سیم فرمانده نیروی اعزامی ارتباط برقرار خواهد ساخت و همینطور هم شد. حوالی ساعت ۴ بامداد زنگ تلفن مخصوص به صدا درآمد و فرمانده نیروی اعزامی از گارد شاهنشاهی که درجه سرهنگی داشت ضمن معرفی خود (متأسفانه نام او در خاطر من نمانده) -گزارش کرد طبق امریه دریافتی همراه با نفرات از پایگاه منجیل حرکت کرده و هم اکنون به منطقه مأموریت در شلمان وارد شده ، مامورین در طول دوطرف رودخانه در حال استقرار هستند و استقرار کامل رامتعا قبلاً گزارش خواهد کرد.

اعلامیه شرکت شیلات دائر بر ممنوعیت صید در رودخانه شلمان سحرگاه همان روز صادر شد و یک نسخه از آن در جلو در ورودی شرکت شیلات در تهران نصب گردید و عصر آن روز هم برای اطلاع عموم در جراید انتشار یافت.

پی نویسه‌های بخش ششم

(۱) -رودخانه شلمان از کوه تیریان با ارتفاع ۱۵۸۵ متر ، واقع در جنوب شرقی سیاهکل سرچشمه میگیرد و در غرب شهرستان های رودسر و املش جریان دارد. شلمان در مسیر ۴۸ کیلومتری خود آبادیهای بلورکان -سنگتاش -گلستان محله چهارده - شلمان و آبادیهای دیگر را مشروب میکند و آب رودخانه های زیله رود-آبگرم رود و لنگرود را دریافت می کند و در ۲ کیلومتری شمال شرقی آبادی گالش کلام به دریای خزر می ریزد.

(۲) -رقم دقیق پیشنهاد بنظرم ۹۷۵ یا ۹۸۵ هزار تومان بود.

(۳) - آب بند های ساخته شده از سنگ وچوب است که ماهیکیران در مسیر رودخانه ها میسازند تا ماهیان را در موقع بازگشت از تخم ریزی بدام بیاندازند.

(۴) - نحوه تکثیر نسل و تخم ریزی ماهیان واقعا یکی از شاهکارهای خلقت است که همه ساله با نظم و ترتیبی خاص و بی آن که ارتباط فیزیکی بین ماهیان نر و ماده ایجاد شود، صورت میگیرد. ابتدا ماهیان ماده بر خلاف جریان آب در مسیر رودخانه حرکت می کنند و به طرف مصب آنقدر پیش میروند تا بمناطق سنگلاخی و کم آب برسند و در مسیر خود گاهی هم در واقع روی آب پرش میکنند. ماهیان ماده باین منطقه که رسیدند آنقدر شکم خود را بروی سنگها و شنهای کف رودخانه میمالند تا کیسه تخم خود را پاره کنند و تخم هارا بیرون بریزند. سپس نوبت به ماهیان نر که بدنبال ماهیان ماده به این منطقه آمده اند می رسد. آنها اسپرم خود را به روی تخم ها می پاشند و بدین ترتیب تخم هارا بارور می کنند. تخم ماهیها ابتدا رنگی روشن دارد و به تدریج به تیرگی می گراید و طولی نمی کشد که بچه ماهیها سر از تخم بیرون آورده و در آب شناور می شوند.

(۵) - اشاره هویدا به موضوع و آگذاری مدیریت ماهیگیری شیلات جنوب بود که در بخش مربوطه در این کتاب مطرح شده است.

بخش هفتم

فروش ماهی خاویاری و خاویار ایران در بازارهای جهانی

دریامی که امتیاز شیلات ایران در دست روسها بود، خاویار تولیدی در ایران به عنوان محصول روسی به بازارهای بین المللی عرضه می شد. از سال ۱۳۳۱ که شیلات ایران ملی گردید، شرکت سهامی شیلات ایران رأساً اقدام به تولید و عمل آوری و عرضه و فروش فرآورده های شیلاتی کرد، نام ایران همراه با شوروی به عنوان دو کشور ساحلی دریای خزر تولید کنندگان انحصاری خاویار در جهان شناخته شد و این دو کشور در حدود ۹۵٪ خاویار مصرف جهان را تامین می کردند.

شرکت سهامی شیلات ایران در سالهای اولیه فعالیت خود، تولید انواع ماهیان خاویاری را به حدود ۲۳۰۰ تن و تولید خاویار را به حدود سالی ۲۳۰ تن رسانید. ماهی خاویاری و خاویار اصولاً صادراتی بودند و سوای مختصری که به مصرف داخلی می رسید، بقیه آن به بازارهای بین المللی عرضه می شد. شوروی پس از ملی شدن همچنان یکی از خریداران عمده ماهی خاویاری و خاویار ایران بود و همه ساله کم و بیش یک ثلث فرآورده های ایران را خریداری می کرد و بقیه آن منحصراً به دو بازار اروپا و امریکا صادر می گردید و خریداران سایر نقاط جهان ناچار بودند نیاز خود را از مراجع به یکی از این دو بازار تامین کنند. در دوران خدمت نگارنده شیلات برررسیهایی در باره بازار های بین المللی توزیع و مصرف خاویار انجام داد و در نظر بود برای توزیع در بازار های خاور دور و خاورمیانه و شمال افریقا هم مزایده های جداگانه ای ترتیب داده شود ولی فرصتی برای اجرای این برنامه پیش نیامد.

(۱) کلیاتی در باره فروش خاویار در دهه ۳۰

در باره چگونگی فروش خاویار ایران در سالهای اولیه پس از ملی شدن شیلات به اروپا و امریکا اطلاع چندانی به دست نیاوردم. اجمالاً می توان گفت که از همان ابتدا، موسسه ای که خاویار ایران را برای توزیع در کشورهای اروپایی می خرید، موسسه ای به نام شرکت شیلات ایران بود. این شرکت متعلق به خانواده دُولو بود و مدیریت آن را احسانه نیکخواه دُولو برعهده داشت. او که خود از سهامداران عمده شرکت بود، دختر دایی منیراعظم دُولو قاجار، مادر امیر هوشنگ دُولو بود.

منیر اعظم قرابت نزدیکی با خاندان قاجار داشت. او دختر کامران میرزا نایب السلطنه و خاله احمد شاه قاجار بود. امیر هوشنگ دؤلو به خاطر محبت و توجه خاصی که محمد رضا شاه از سالها پیش به او داشت، قدرت و نفوذی در دربار و دستگاه های دولتی پیدا کرده بود و در زیر چتر حمایتی دربار و دولت، عملاً انحصار توزیع خاویار ایران در اروپا را به دست آورده بود. از آن جا که معاملات خاویار بسیار سودآور بود، اشخاص و موسسات دیگری هم، با عرضه قیمت های بیشتری اغلب رقابت می کردند ولی دولو با سازمان مجیزی که در اروپا ایجاد کرده بود، وبا اعمال نفوذ و عندالاقضا با لا بردن بهای خرید به رقیبان فرصتی نمی داد. او به سلطان خاویار ایران شهرت پیدا کرده بود.

در دوران نخست وزیری جعفر شریف امامی، رئیس هیئت مدیره شیلات، سر تیپ روح الله نویسی، در ۲۸ آذرماه ۱۳۳۹، قراردادی با شرکت خاویار ایران امضا نموده موافقت کرد که برای مدت سه سال و در هر سال به میزان ۵۰ تن خاویار برای توزیع در اروپا به این شرکت بفروشد. پس از استعفای شریف امامی در اردی بهشت ۱۳۴۰، دکتر علی امینی مامور تشکیل کابینه شد. امینی که مبارزه با فساد را در راس برنامه های دولت خود قرار داده بود، در همان روزهای اول نخست وزیری تعدادی از امیران ارتش را که قبلاً در مشاغل نظامی و غیر نظامی مصدر خدماتی بودند، به اتهام سوء استفاده و حیف و میل اموال دولتی تحت تعقیب قرار داده، زندانی کرد. از جمله این افراد (۱) سر تیپ روح الله نویسی رئیس هیئت مدیره سابق شیلات بود که با دونفر از مدیران سابق شیلات (حسام الدین نجم آبادی و مهدی عظیمی) و همراه با احسانه نیکخواه دولو، سهامدار و مدیر شرکت خاویار ایران در ۲۳ اردی بهشت ۱۳۴۰ بازداشت شده و در دیوان کیفر کارمندان دولت تحت تعقیب قرار گرفتند. محاکمه مسئولان شیلات در شعبه چهارم دیوان کیفر کارمندان دولت آغاز شد و با تبلیغات و جار و جنجال فراوانی در جراید و محافل همراه بود. این محاکمه با محکومیت متهمان در ۲۹ آبان ۱۳۴۰- پایان گرفت. نویسی به سه سال و نیم حبس مجرد و انفصال ابد از خدمات دولتی و پرداخت ۱۳ میلیون ریال جریمه محکوم شد. عظیمی و نجم آبادی به ۱۸ ماه حبس تادیبی و انفصال ابد از خدمات دولتی و پرداخت جریمه محکوم شدند. خانم دولو محکوم به یک سال و نیم حبس تادیبی و پرداخت ۴۰ میلیون ریال جریمه محکوم گردید. (۲) متهمین به آرای صادره اعتراض نموده و تقاضای رسیدگی کردند. شعبه ۱۱ دیوان عالی کشور پرونده متهمان شیلات را خارج از نوبت رسیدگی نمود و در نتیجه احکام صادره را نقض بلا ارجاع کرد. بدین ترتیب همه متهمان شیلات که یک سال و اندی در زندان بودند، مرخص گردیدند. (۳)

شروع خدمت فتح الله ستوده به مدیریت شرکت شیلات در فروردین ماه سال ۱۳۴۳ مصادف با خاتمه مدت قراردادی بود که مدیر عامل وقت شیلات در ۱۳۳۹ با شرکت خاویار ایران امضا کرده بود. ستوده در ۲۳ اردی بهشت ۱۳۴۳ شرحی به امیر عباس هویدا وزیر دارایی وقت نوشت و اجازه خواست برای فروش خاویار باب اروپا (۴) از طریق مزایده اقدام نماید و متن آگهی مزایده را هم به پیوست نامه ارسال داشت (۵). هویدا با این پیشنهاد موافقت نمود و در نتیجه دو آگهی مزایده برای فروش خاویار از طرف شیلات منتشر گردید که یکی به میزان ۶۰ تن برای صدور به امریکا و دیگری به میزان ۵۰ تن برای بازار اروپا بود. در هر دو مزایده متقاضیانی شرکت نموده و ظرف مهلت مقرر پیشنهادهایی به شرکت داده بودند.

(۲) - قرارداد فروش خاویار برای

توزیع در بازار اروپا

یکی از اولین پرونده هایی که در همان دوسه روزهای اول شروع کار روی میزم قرار گرفت، قرارداد فروش خاویار برای توزیع در اروپا بود. با این که حسنعلی منصور نخست وزیر به هنگام انتصابم گفته بود که کار فروش خاویار در اروپا و آمریکا خاتمه یافته است، ولی معلوم شد قرارداد فروش خاویار به آمریکا قطعیت یافته و قرارداد آن امضا شده و قرارداد در دست اجراست ولی قرارداد فروش به اروپا با آن که تمام مراحل قانونی را طی کرده ، ولی هنوز به امضاء نرسیده است.

توضیح آنکه در سال ۱۳۴۳ شیلات همان طور که قبلا گفته شد، دو آگهی مزایده بین المللی جداگانه، یکی برای فروش ۶۰ تن خاویار برای توزیع در بازار آمریکا و دیگری به میزان ۵۰ تن خاویار برای توزیع در بازار اروپا منتشر کرده بود و در هر دو مزایده مناقضیانی شرکت کرده، پیشنهادهایی داده بودند. پیشنهادهای رسیده طبق مقررات جاری مورد بررسی قرار گرفته و نتیجه هر دو مزایده اعلام شده بود. برنده مزایده بازار آمریکا شرکت رومانف خاویار امریکائی و برنده بازار اروپائی شرکت خاویار ایران بود. متن قرارداد اول آماده شده ، و مدیر عامل وقت شیلات، فتح الله ستوده، آن را امضا کرده بود . قرارداد با شرکت خاویار ایران برای فروش خاویار به اروپا هم تمام مراحل قانونی را طی کرده و آن را برای امضای ستوده مدیر عامل آماده کرده بودند ولی در همین اوان منصور نخست وزیر او را به عنوان وزیر پست و تلگراف به شاه معرفی کرده بود و نگارنده را به جای او برگزیده بود.

در محافل و جراید آن ایام راجع به محاکمات تحت عنوان "مبارزه با فساد" نظریات متفاوتی ابراز می شد. گروهی بر این عقیده بودند که این محاکمات بیشتر رنگ سیاسی دارد. احسانه دولویکی از بستگان نزدیک امیر هوشنگ دولوبود، و امیر هوشنگ روابط نزدیکی با دربار داشت. با توجه به این ملاحظات نگارنده تصمیم گرفتم امضای قرارداد با شرکت خاویار ایران را موکول به بازنگری دقیق پرونده امر توسط یکی از مشاورین عالی حقوقی مورد اعتماد خود بکنم . برای این رسیدگی امرالله مبصر قاضی بازنشسته دادگستری و مشاور عالی حقوقی شرکت ملی نفت ایران را که از سالها پیش میشناختم و به او نهایت اطمینان و اعتقاد راداشتم ، با تصویب دو مدیر دیگر شرکت (ناصر فرهاد معتمد و علی اکبر بهرامی) - به عنوان مشاور حقوقی شیلات برگزیدم. مبصر پس از رسیدگی به سوابق پرونده، نظر اعلام شده از طرف متصدیان شیلات را مورد تأیید و منطبق با قوانین و مقررات جاری اعلام کرد و بدین ترتیب قرارداد فروش خاویار با شرکت خاویار ایران را با اطمینان خاطر امضا کردم. در تمام دوره مأموریت در شیلات دکتر امرالله مبصر همواره در کلیه مسائل حقوقی و مالی مشاور من بود و هیچ کار مالی بدون مشورت با او انجام نمی گرفت.

(۳) - ابطال قرارداد فروش ماهی به بازار آمریکا

در اوایل سال ۱۳۴۳ هیئت مدیره قبلی شیلات قراردادی برای فروش ۶۰۰ تن ماهی خاویاری با یک شرکت آمریکایی بسته بود. نام این شرکت را به یاد ندارم ولی مدیر عامل این شرکت طرف قرارداد- و یا به هر حال نماینده تام الاختیار آن شرکت که با شیلات در تماس بود - فریدمن نام داشت که در این یادداشت ها به عنوان "قرارداد فریدمن" نام برده می شود.

اجرای قرارداد با فریدمن از ابتدای تصدی نگارنده با اشکال مواجه شد. فریدمن در مراجعات مکرر به شیلات مدعی بود شرکتی که از شیلات ایران ماهی خاویاری برای توزیع در بازار اروپا خریداری کرده، برخلاف تعهدش قسمتی از ماهیهای خریداری را به آمریکا صادر نموده و در نتیجه به بازار او صدمه زده است. از آن گذشته او ادعا داشت شرکتی حمل و نقل که قرار است ماهی های خریداری شده او را به امریکاحمل کنند قادر نیستند براساس جدول زمانی تعیین شده در قرارداد او با شیلات ماهیها را به موقع برای حمل به امریکا تحویل بگیرند و از اینرو تقاضا داشت جدول تنظیمی برای تحویل ماهیهای خریداری شده مورد تجدید نظر قرار گیرد. فریدمن اطمینان می داد که مایل به اجرای تعهدات قراردادی می باشد و برای اثبات حسن نیت خود ضمانت نامه بانکی به مبلغ سی هزار دلار به عهده بانک ملی ایران را (که طبق قرارداد برای حسن انجام تعهداتش سپرده بود و هنوز چند ماهی از اعتبار آن باقی مانده بود)، به مدت یکسال اضافی تمدید کرده بود.

برای رسیدگی به تقاضای خریدار جلسات متعددی در شیلات تشکیل شد. در قرارداد پیش بینی شده بود که اگر خریدار به تعهداتش عمل نکند فروشنده می تواند سپرده او را ضبط کند ولی با ضبط سپرده سی هزار دلاری خریدار مشکل شیلات حل نمی شد. فصل صید به زودی فرا می رسید و برای انبار کردن استحصالات صید تازه در سردخانه های شیلات الزاماً راهی جز تخلیه سردخانه ها از ماهیهای صید شده قبلی نبود و فروش ۶۰۰ تن ماهی خاویاری که به هر حال مشتریان خاصی در خارج از کشور داشت و طبق روش معمول میبایستی از طریق مزایده انجام شود، در یک فرصت نسبتاً کوتاه مطلقاً عملی به نظر نمی رسید. نتیجه بررسی مشاورین این بود که برای ضبط سپرده خریدار عجله ای نشود و به او عملاً فرصتی برای تحویل گرفتن ماهی داده شود. ضمناً برای ضبط در سوابق محرمانه شرکت صورت مجلسی به امضای مدیران و بازرسان قانونی دولت تهیه شد که مشروحاً علل تصمیم متخذه را روشن می ساخت. البته برای آن که از لحاظ حقوقی حقی از شیلات ضایع نگردد اداره بازرگانی شرکت خطاریه های لازم را به موقع به خریدار ابلاغ می کرد. خلاصه آن که بعد از انقضای دو مهلت ۲۰ روزه که عملاً به خریدار داده شده بود، مشخص گردید که او قادر به انجام تعهداتش نیست و در نتیجه شیلات ناچار شد رسماً ابطال قرارداد را اعلام کند و به بانک ملی ایران دستور داده شد سپرده او را ضبط کرده به خزانه دولت واریز کند.

چند روز بعد از این جریان نامه ای از وزیرداری جدید - جمشید آموزگار(۶) به عنوان مدیر عامل شیلات رسید که به اتفاق اعضاء هیئت مدیره و بازرسان دولت در جلسه ای که در دفتر اوتشکیل میشود شرکت کنم. در این نامه مشخص نشده بود که این دعوت بچه منظوری است. در روز مقرر نگارنده به همراه دو عضو هیئت مدیره و محمد تقی سیرنگ و حسین بهشتی بازرسان دولت در شیلات به وزارت داری رفتیم و در جلسه مزبور شرکت کردیم. یکی از معاونین وزارت داری همراه با دو نفر از مدیران کل نیز در این جلسه حضور داشتند.

در آغاز جلسه وزیر داری اظهار کرد اخیراً از مجلس سنا نامه ای به وزارت داری راجع به فروش معامله ماهی در شرکت شیلات رسیده و از وزارت داری خواسته شده در این باب تحقیق کند و او نامه را برای اقدام لازم به مدیر کل بازرسی وزارت داری ارجاع کرده است. اوسپس از مدیر مذکور خواست نتیجه تحقیقات خود را گزارش کند.

مدیرکل بازرسی وزارت داری - ایرج کریمی - در مقدمه گزارشی کتبی که تهیه کرده و قرائت می کرد، به تاریخچه انعقاد قرارداد فروش ماهی با شرکت آمریکائی طرف قرارداد اشاره کرده و سپس با توضیح این که خریدار به موقع از تحویل گرفتن جنس خودداری و از انجام تعهدات شانه خالی کرده است ، نتیجه گیری کرده بود که مدیران شیلات می بایست سپرده حسن انجام تعهدات خریدار را بلادرنگ ضبط مینمودند و در این راه کوتاهی کرده اند، لذا به نظر بازرسی وزارت داری جرم مدیران شرکت محرز و قابل تعقیب جزایی در دیوان کیفر کارمندان دولت هستند.

بعد از پایان قرائت گزارش مدیر کل وزارت داری، آموزگار رو به من کرده، منتظر جواب بود. این جانب مقدمتاً گفتم مثل این است که در این باره اشتباهی شده و مدیر کل وزارت داری تصور کرده شرکت شیلات یکی از ادارات تابعه وزارت دارائی نظیر اداره قند و شکر است و با چنین برداشتی این گزارش را تنظیم کرده است. اگر قبلاً اطلاعی داده شده بود که این جلسه بچه منظوری تشکیل می شود، با عذر خواهی از وزیر داری، از شرکت در این جلسه خودداری می کردم. توضیحاً اضافه کردم جناب وزیرداری مستحضرند شرکت سهامی شیلات ایران یک شرکت بازرگانی دولتی و تابع قانون تجارت است. شرکت وزیرداری در مجمع عمومی به اعتبار نمایندگی از طرف هیئت وزیران است. صاحب سهم می تواند در باره هر موضوع مرتبط با امور شرکت از مدیران توضیح بخواهد، البته با رعایت تشریفات مقرر در قانون تجارت و اساسنامه شرکت یعنی در مجمع عمومی عادی و یا در مجمع فوق العاده صاحبان سهام. سپس در دنبال مطلب گفتم با احترام به مقام وزارت بعد از بیان این تذکر قانونی، حالا فرض می کنیم جلسه امروز همان جلسه فوق العاده صاحبان سهام شرکت شیلات است و نماینده صاحب سهم ایراداتی عنوان کرده و مدیران شرکت باید جواب آن را بدهند. و در دنباله موضوع گفتم مدیر کل وزارت داری چندی پیش در شیلات به شخص من مراجعه کرده و راجع به این معامله سؤالاتی داشت. تمام سوابق امر و پرونده های محرمانه را در اختیار او گذاشتم و توضیحات لازم را به او دادم، ولی متأسفم که او به هیچ یک از توضیحاتی که دادم در این گزارش اشاره نکرده است. مدیران هر شرکت بازرگانی به عنوان امین- موظف به حفظ منافع صاحب سهم هستند که به آنها اعتماد کرده و سرمایه خود را در اختیار آنان گذارده است، اگر جز این عمل کنند خیانت در امانت کرده اند. توضیح دادم از اولین روزی که من و همکارانم متوجه شدیم ممکن است خریدار مایل و یا قادر به اجرای قرارداد نباشد، این

سئوال برايمان مطرح بود كه شيلات چه كاري مي تواند بكند و چه كاري به مصلحت است كه بكنند؟ فراموش نشود ماهي خاوياري جنسي مثل نخود و لوبيا نيست كه اگر امروز خريداري نداشت آنرا موقتا انبار كرد. جنس مورد نظر صدها تن ماهي كوچك و بزرگ خاوياري يخ زده است كه خريداران بخصوصي در خارج از كشور دارد و يافتن و معامله كردن با آنان كار يكي دو روز نيست. بخصوص براي شركتي مثل شيلات كه بناي كارش را بر مبناي فروش از طريق مزايده بين المللي گذارده اند. فروش از طريق مزايده تشريفات طولاني دارد و در خلال اين مدت ماهي انبار شده فضاي عمده اي از سردخانه هاي شركت را اشغال کرده در حاليكه با شروع فصل جديد صيد نياز شركت به سردخانه روز افزون است. در چنين وضعي مديران شركت فقط دو راه در پيش داشتند يا اين كه بدون توجه به عواقب اقتصادي امر وبا قبول زيان قابل ملاحظه اي كه يقيناً به شيلات وارد مي شد، فوري سپرده ۳۰ هزار دلاري خريدار را ضبط كنند و يا اين كه عملاً به اميد اين كه خريدار بتواند تعهداتش را انجام دهد با تقاضاي مهلت او موافقت كنند. مديران شركت راه اخير را به صرفه و صلاح شركت تشخيص دادند و آن را انتخاب کرده اند. واضح است كه سپرده خريدار در هر حال در اختيار شيلات بود و هر موقع امكان ضبط آن بود كما اين كه سرانجام اين سپرده را ضبط كرديم.

وزير دارايي كه اظهارات مرابا دقت گوش مي كرد، بانوعي پرخاش از كريمي پرسيد شما كه سوابق را ديده و اين توضيحات را شنيده بوديد چرا در گزارشتان اين نكات را مسكوت گذارده ايد و وي نتوانست جواب مقنعي به وزير بدهد. جمشيد آموزگار در پايان جلسه اظهار كرد طرز عمل مديران شركت جاي ايرادي ندارد و مورد تأييد وزارت دارايي است. او سپس از سيرنگ خواست نامه جوابيه مجلس سنا را به همين مضمون براي امضاي او آماده كند.

(۴) - قرارداد جديد فروش ماهي خاوياري براي بازار آمريكا

پس از لغو قرارداد فريدمن اقدامات جديدي براي فروش ماهي به امريكا آغاز شد. متن آگهي شيلات مزايده در جرايد بين المللي انتشار يافت و منتظر نتيجه بوديم در حاليكه كمبود ظرفيت سردخانه كماكان موجب نگراني بود.

در همين اوان نماينده يك شركت آمريكائي به دفاتر شيلات در انزلي و تهران مراجعه نموده و اظهار علاقه به خريد ماهي کرده بود. به وي توصيه شده بود در مزايده اي كه در جريان است شركت جويد. او روزي به ديدن من آمد و رسماً پيشنهادي براي خريد ماهي به همان ميزان و قيمت مندرج در قرارداد ملغي شده با فريدمن را داد. متقاضی برای تحويل گرفتن و حمل فوري ماهي به امريكا عجله داشت. اين پيشنهاد راه گشاي مشكل روز شيلات به نظر مي رسيد ولي وقتي كه آن را در هيئت مديره مطرح كردم وحدت نظري بين مديران و بازرسان دولت و مشاوران حقيقي ملاحظه نكردم، اكثرًا قبول پيشنهاد را مغاير با قانون معاملات دولتي مي دانستند. يكي از مديران پيشنهاد كرد مراتب به وزير دارايي نماينده صاحبان سهام كه به مشكلات امر وقوف دارد گزارش كنم و از او چاره جويي نمايم. موقعي كه نامه تهيه شده به همين مضمون را امضاء مي كردم به يقين پيش بيني مي كردم چه نوع جوابي از وزير دارايي دريافت خواهم داشت، همين طور هم شد. جواب

آموزگار در حاشیه نامه شیلات خیلی ساده و کوتاه بود. او خطاب بمن نوشته بود "با رعایت صرفه و صلاح شرکت" و با "توجه به موازین قانونی" اقدام لازم معمول دارید. واضح است که صرفه و صلاح یک مقوله و موازین قانونی مقوله دیگری است که گاهی، مثل همین مورد، هم خوانی ندارند. البته اگر کسی دیگر هم به جای جمشید آموزگار بود جوابی جز این نمی داد.

به نظر رسید در این باب بایکی از مقامات عالی قضائی تماس بگیریم و بطور غیررسمی از او مدد خواهی کنیم. بنا به توصیه یکی از قضات عالیرتبه دادگستری که با او آشنایی خانوادگی داشتم و به همراه خود او و دکتر امرالله مبصر مشاور حقوقی شیلات به دیدار یک مقام عالی قضائی در وزارت دادگستری رفتیم و مشکل را با او در میان گذاریم. نتیجه مشورت این بود که نگرانیهای همکارانم چندان بی مورد نبوده است. اگر پیشنهاد را بپذیریم ممکن است به لحاظ عدم رعایت موازین قانونی تحت تعقیب کیفری قرار بگیریم. ولی اگر پیشنهاد را نپذیریم و به انتظار نتیجه مزایده بمانیم و در خلال این فاصله خساراتی متوجه شیلات بشود از لحاظ اداری قابل تعقیب هستیم مگر آن که ثابت کنیم در انجام وظایف خود به موقع اقدام کرده ایم. در این جلسه مشورتی یک راه عملی هم مطرح و توصیه شد با خریدار مذاکره شود و به او پیشنهاد کنیم ماده ای در قرارداد فروش گنجانده شود که بهای قطعی ماهی به میزانی محاسبه خواهد شد که در نتیجه مزایده آتی بدست آید. بدین معنی که اگر در نتیجه مزایده بهای ماهی نسبت به مزایده قبلی افزایش داشت، خریدار متعهد است این تفاوت را نیز بپردازد و سپرده لازم را هم برای حسن اجرای این تعهد بسپارد.

همانطور که انتظار می رفت خریدار چنین تعهدی را مغایر با موازین متعارف در معاملات بازرگانی می دانست وزیر بار نمی رفت و شیلات هم مایل نبود از این شرط عدول کند. خریدار چند روزی مهلت خواست تا با همکارانش در آمریکا مشورت کند و ۲ یا ۳ روز بعد مراجعه کرده شرط را پذیرفت و بر همان اساس قرارداد ی برای فروش ماهی تهیه شد و در شهریور یا مهر ماه ۱۳۴۴ به امضاء رسید. نمی دانم اگر خریدار این شرط شیلات را نمی پذیرفت تکلیف ما چه بود.

(۵)- فروش ماهی و خاویار به اتحاد جماهیر شوروی

از طرف وزارت بازرگانی خارجی شوروی همه ساله هیئتی برای خرید ماهی و خاویار به ایران می آمدند و معمولاً سالی در حدود ۵۰۰ تن انواع ماهیهای خاویاری و در حدود ۵۰ تن از هر سه نوع خاویار (بلوگا-اویسترا و سوروگا) از طریق پایاپای خریداری می کردند. بعضی از انواع خاویارهای ایرانی (بویره بلوگا) از نوع مشابه آن که در شوروی استحصال می شد معمولاً مرغوبتر بود و به همین علت روسها بخشی از خاویار خریداری از ایران را به مشتریان به خصوصی که از قدیم خریدار آن بودند می فروختند. در خصوص علل مرغوبیت خاویار ایرانی کارشناسان نظریات مختلفی ابراز می داشتند بعضی علت این امر به خاطر عمق بیشتر دریا در سواحل ایران می دانستند و برخی بر این عقیده بودند که در صفحات شمالی دریای خزر به علت توسعه بیشتر صنایع، میزان آلودگی آب هم روبه تزاید است و این امر طبعاً روی ماهیان اثر گذاشته است (۷). نمایندگان شوروی که به ایران آمده بودند در نظر داشتند به همان میزان سال قبل ماهی و خاویار بخرند و بهای آن هم بر اساس

همان قیمت سال پیش محاسبه شود. در آن سال قیمت ماهی خاویاری با قیمت های سال قبل تفاوت چندانی نداشت ولی بهای خاویار در اروپا و امریکا بالاتر رفته بود. ارقام دقیقی بخاطر نمی آید و بنظرم پیشنهاد شوروی ها آن بود که در آن سال بهای هر کیلو خاویار مثل سال قبل در حد متوسط ۳۱ یا ۳۲ دلار محاسبه گردد در حالی که بهای خاویار فروخته شده برای بازارهای اروپا و آمریکا در آنسال بیشتر شده و اگر اشتباه نکنم به حدود ۵۰ دلار در هر کیلو رسیده بود. نمایندگان شوروی حاضر به افزایش بهای خاویار نبودند و به گسترش همکاریهای بین دو کشور در زمینه های مختلف اشاره می کردند و پاسخ ما آن بود که شیلات یک مؤسسه بازرگانی است و نمیتواند فروش خاویار را زیر قیمت بین المللی توجیه کند. نمایندگان شوروی سرانجام گفتند ماهی و خاویار را یکجا می خردند و اگر راجع به بهای خاویار توافقی حاصل نشود از خرید ماهی نیز منصرف خواهند شد. چون مذاکره در این باره پیشرفتی نکرد، سفیر شوروی در تهران، زایتسف (G.T. Zaytsev) به هویدا نخست وزیر مراجعه کرد و من توضیحاتی را که به شورویها داده بودم برای نخست وزیر بازگو کردم. در ضمن با استفاده از فرصت به او گزارش کردم نتیجه بازاریابی برای فروش ماهی خاویاری در داخل کشور که برای اولین بار به عنوان آزمایش صورت گرفته، بسیار رضایت بخش است (۸) و با استقبالی که مصرف کنندگان داخلی برای خرید ماهیهای خاویاری نشان داده اند شیلات دیگر نباید نگران از دست دادن بازار شوروی برای ماهی خاویاری باشد. نخست وزیر از شنیدن این گزارش اظهار رضایت کرد و به سفیر شوروی جواب مساعدی نداد. بدین ترتیب مذاکره بجایی نرسید و هیئت با دست خالی به مسکو بازگشت. اما طولی نکشید که هیئت دیگری به ریاست معاون وزارت بازرگانی خارجی شوروی برای ادامه مذاکرات به تهران آمد و قرارداد را با تجدید نظر در بهای خاویار بنحوی که مورد رضایت شیلات بود پذیرفت. یقیناً شورویها متوجه فروش ماهی خاویاری در داخل ایران شده بودند و استقبال مصرف کنندگان ایرانی برای خرید ماهی خاویاری برای آنها امری بی سابقه و غیر منتظره بود. سفارت شوروی در تهران پیشنهاد کرد طبق یک سنت دیرین مراسم امضای قرارداد در دفتر وابستگی بازرگانی سفارت شوروی در منطقه پامنار در جنوب تهران امضاء شود. ضیافت مفصلی برای صرف صبحانه در آن محل ترتیب دادند و قرارداد به امضای نمایندگان دو طرف رسید.

پیش نویسه های بخش هفتم

(۱)- نام امیران بازداشتی دیگر به شرح زیر بود: سپهبد حاجعلی کیا، رئیس سابق اداره دوم ستاد بزرگ ارتشداران ۰ سپهبد مهدیقلی علوی مقدم (وزیر سابق کشور) در دولت شریف امامی، سرلشکر علی ضرغام وزیر دارایی اسبق (در دولت دکتر اقبال). ایرج امینی در ص ۳۳۰ کتابی که تحت عنوان "بر بال بحران زندگی سیاسی علی امینی" راجع به پدرش دکتر علی امینی "نگاشته در باره بازداشت این امیران توضیحاتی داده است.

(۲)- رای مطول دادگاه در روزنامه اطلاعات، در روزهای ۳ و ۴ و ۵ تیرماه ۱۳۴۰ مندرج است.

(۳)- برای اطلاع بیشتر یادآور می شود که برای رسیدگی به اتهامات علیه سایر امیران بازداشتی هیچ دادگاهی تشکیل نشد و همه بازداشتیها پس از چندی از زندان آزاد شدند.

(۴)- اصطلاحی است که در شرکت شیلات مرسوم بود.

(۵)- متن کامل این نامه به پیوست شماره (۲) در گزارش عزت الله نعیمی راد در مقاله جلال فرهمند تحت عنوان "سلطان خاویار ایران" در فصلنامه تاریخ معاصر ایران، بهار سال ۱۳۸۶ ص ۱۶۶-۱۶۷ چاپ شده است.

(۶)- در اولین کابینه ای که بعد از ترور حسنعلی منصور در روز ۷ بهمن ۱۳۴۳ تشکیل شد، امیر عباس هویدا نخست وزیر جدید پست وزارت دارایی را خود بر عهده گرفت و سپس در ترمیم کابینه در روز ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۴ جمشید آموزگار را که قبلاً وزیر بهداری بود به عنوان وزیر دارایی معرفی کرد.

(۷)- گویا در ضیافتی که با حضور امیر عباس هویدا نخست وزیر بر پا شده بود و عده ای از سفیران خارجی هم حضور داشتند صحبت به موضوع خاویار و تفاوت بین خاویار ایرانی و روسی کشیده شده و نظریات متفاوتی ابراز شده بود. در جواب پرسش یکی از حضار، هویدا که در

لطیفه گویی یدی طولانی داشت ، اظهار نظر کرده بود ماهیها در سواحل شمالی دریای خزر کمتر دهان خود را باز می کنند و بمحض این که به سواحل جنوبی می رسند و با راحتی خیال دهان می گشایند ، در نتیجه گرفتار قلاب ماهیگیران میشوند.

(۸)- به بخش مربوط به بازاریابی ماهیهای خاویاری در داخل کشور مراجعه فرمایید.

بخش هشتم

بازاریابی ماهیان خاویاری در داخل کشور

ماهی خاویاری و خاویار ایران، همیشه به عنوان غذائی لوکس و گران قیمت مخصوص صادرات شناخته شده بود و در داخل کشور مصرف چندانی نداشت. در اوایل دهه ۴۰ میزان فروش داخلی ماهی خاویاری سالیانه رقمی حوالی ۹۰ تن، یعنی کمتر از ۵٪ تولید بود و خریداران آن غالباً اغذیه فروشان بودند و بیشتر از نوع دودی آن به شیلات سفارش می دادند.

اما چرادر موقعی که کشور دچار کمبود گوشت و ماهی بود و مردم برای خرید ماهی سفید شمال به اصطلاح سر و دست می شکستند، ماهی خاویاری خریداری نداشت؟

برای جواب بدین پرسش باید به واپسین سالهای حکومت صفویان و حدیثهای فراوان یادمانده از فقیهان آن دوران باز گشت. آنان ماهیان خاویاری را بدون فلس می شناختند و از آنجاکه مصرف ماهیان فاقد فلس را از لحاظ فقه شیعه مجاز نمی شمردند، برچسب حرمت بدین ماهیان الصاق شده بود. ظاهراً از همان ایام است که در افواه به جای "ماهی خاویاری" ویا "ماهی غضروفی" ویا "ازون برون" اصطلاح های "ماهی حرام" ویا "ماهی بی فلس" ویا گاهی "سگماهی" برسرزباتها افتاده بود و برای سایر انواع ماهیان دریای خزر اصطلاح "ماهی حلال" رابه کار می بردند.

یکی از اسناد تاریخی و احتمالاً قدیمیترین آن که بدین دونوع اصطلاح اشاره دارد "قرارنامه کنتراکت" مورخ ۱۲ مهر ۱۲۵۸ شمسی (۴ اکتبر ۱۸۷۹ میلادی) است که سپهسالار با روسها امضا کرده و مشروح آن را قبلادر بخش دوم این کتاب دیدیم. خبرگانی که در تهیه این سند روسها را یاری داده اند، برای آن که هیچ نوعی از انواع ماهیان موجود در این دریا را از قلم نیانداخته باشند زیرکانه قید کرده اند: "تمامی و همگی شیلات و عمل صید ماهی دولت علیه ایران را که ممسی به حلال و حرام است."

در قرارداد ماهیگیری ۱ مهر ۱۳۰۶ / اول اکتبر ۱۹۲۷) ایران و شوروی، که نیم قرن بعد از دوران سپهسالار به امصار سیده، گروه بندی ماهیان مشخص تر شده است. در این قرارداد " صید تمام ماهیان بی فلس (حرام) و تمام ماهیان با فلس (حلال)" در انحصار شرکت مختلط ایران و شوروی قرار گرفته" و بدین ترتیب کلیه ماهیان بی فلس حرام و تمامی ماهیان فلسدار حلال شناخته شده است.

واقعیت امر اینست که اگر روسها از همان دوران گذشته خود به نوعی مبتکر و طراح اصلی قضیه حرمت ماهیان خاویاری نبودند، یقیناً سالیانی دراز سیاست آنها مبتنی بر این بوده که باتوسل به جمیع امکانات به تعصبات و ناآگاهیهایی که مردم ایران دست به کریبان آن بودند دامن بزنند تا بدین سان زیرکانه ماهی خاویاری رادرچشم جمعی از عوام "حرام" و در نتیجه خوارو بی مصرف جلوه دهند و بدین طریق راه بردن آن را به روسیه با پرداخت ثمنی بخش آسان تر سازند.

وقفه ای که در سال ۱۳۴۴ در امر صادرات ماهی خاویاری به امریکا پیش آمد و مشروح آن را قبلاً بررسی کردیم، مرابه فکر بازار یابی برای فروش ماهی خاویاری در داخل کشور انداخت. گوشت ماهی خاویاری مانند خاویار اختصاص به صادرات به خارج از کشور داشت و شیلات با داشتن بازارهای خارج از کشور ضرورتی ندیده بود که برای فروش این نوع ماهیان در داخل کشور اقدامی بکند. در آن سالها جمعی از متعصبین به تبعیت از آرای بهضی از فقیهان آن دوره، به اعتبار این که ماهی خاویاری فاقد فلس است، مصرف آن را جایز نمی دانستند و یا به نظر بعضی مکروه بود. (۱) اما هیچ منع قانونی برای عرضه و فروش آن نبود و در فروشگاههای معتبر ماهیان خاویاری براساس سفارش قبلی در دسترس خریداران بود ولی فروش قابل ملاحظه ای نداشت. بنابراین تصمیم گرفته شد مقادیری گوشت ماهی خاویاری منجمد آماده برای مصرف داخلی تهیه شود و به طور آزمایشی توزیع گردد. بدین منظور جعبه های مقوایی مکعب شکلی که محتوای آن یک کیلو خالص گوشت ماهی خاویاری یخ زده بود تهیه شد و برای فروش آماده گردید. روی جعبه عکس رنگی جالب یک سیخ کباب ازون برون چاپ شده و در داخل جعبه دستورالعمل چاپ شده ای بود که طرز نگاهداری و پخت ماهی خاویاری را نشان میداد. بهای خرده فروشی هر قوطی ۳۵ ریال تعیین شده بود. بعلاوه به منظور تبلیغ و شناساندن این فرآورده جدید به مصرف کنندگان، فروشگاه های سیاری در بعضی از مراکز پر جمعیت پایتخت دایر شده بود. در این اماکن درکنار کامیون یخچال دار شرکت شیلات که از این جعبه ماهیها می فروخت، وسیله کباب پزی حضوری هم بود که ماهی را کباب کرده و از قرار هر سیخی ۱۰ ریال به خریداران عرضه می کرد. این نوع فرآورده شیلاتی تاآن تاریخ سابقه نداشت و خریداران فراوانی در برابر این مراکز در انتظار نوبت صف می کشیدند.

مقادییری از این نوع فرآورده در تهران و چند شهرستان وسیله کامیون های شیلات حمل و توزیع شد و در همه جا با استقبال خریداران مواجه گردید. به یاددارم فرماندار تبریز تلفنی با نگارنده تماس گرفته اطلاع می داد محمولات یک کامیون ماهی خاویاری که برای توزیع به شهر تبریز رفته بود سریعاً بفروش رفته است و تقاضا داشت محتویات کامیون دیگری از این ماهیها که به مقصد شهر اهراز تبریز در حال عبور بود - و اهالی تبریز جلوی حرکت آنرا گرفته بودند - در همان شهر تبریز تخلیه شود. حاطره دیگری که از بازار یابی ماهی خاویاری بیامد مانده استقبال غیر منتظره اهالی شهرری است.

موقعی که فروشگاه سیاری عازم شهر ری بود یکی از رانندگان اظهارنگرانی می کرد که ممکنست به علت تعصبات مذهبی در حضرت عبدالعظیم اشکالاتی در کار توزیع پیش آید، اما ماهیهای عرضه شده در این منطقه سریعتر از نقاط دیگر به فروش رسید.

این برنامه آزمایشی به مدت تقریبی ده دوازده روز ادامه داشت. آمار و ارقامی از میزان فروش این فرآورده در دسترس ندارم ولی تا آن جا که یادم می آید نتیجه این بازاریابی بیش از حد رضایت بخش بود و مشخص گردید که در داخل کشور ماهی خاویاری یقیناً می تواند بازار خوبی داشته باشد. حیف است که ما مردم کشور خود را از مصرف این ماده غذایی مفید محروم کنیم و با صرف وقت و درد سر در بدر دنبال مشتریانی در خارج از کشور بگردیم. چه خوب شد سر انجام مردمی پیدا شدند که با چشمانی باز تر وجود فلس در این ماهیان را مورد تایید قرار دادند و مشکل زیان بخشی را حل کردند. (۲)

بی نویسه‌های بخش هشتم

(۱)- هوشنگ شهابی استاد دانشگاه بوستون در مقاله جالبی که راجع به ماهیهای حرام و حلال نگاشته، در باره سابقه فتوایی که آیت الله خمینی در سال ۱۳۶۲ (۱۹۸۴) داده و ماهیهای خاویاری را حلال دانسته است، چنین توضیح داده است:
"... نمونه ای از هر ۳ نوع ماهی خاویاری برای مطالعه و تحقیق به شهر قم برده شد. در تاریخ ۳ مهر ماه ۱۳۶۲ چهار نفر از علما (جعفر کریمی، آذری قمی، رشتی کاشانی و ابطحی) نمونه هارا به دقت مورد بازدید قرار داده، دریافتند که در ناحیه دم و همچنین در قسمت نزدیک وزیر باله ها ضمایمی وجود دارد که دلیل کافی است بر این که ماهی ازون برون دارای فلس بوده است. براین اساس آیت اله خمینی فتوا داد " اگر فلس دارد و لو آن که در دم باشد حلال است" .. برای اطلاع بیشتر به عین مقاله رجوع فرمایید.

How Caviar turned out to Halal: *Gastronica. The Journal of Food & Culture. Vol.2*
Spring 2007

(۲) - در همین زمینه در پاسخ این سؤال که چرا ماهی اوزون برون در قدیم حلال نبوده و امروز حلال اعلام شده است؟ حجت الاسلام مرتضی آقا تهرانی چنین گفته است:
"ما حکمی داریم که اگر ماهی پولک داشت حلال است. اوزون برون روی پوستش پولک ندارد. بعد از گذر زمان فهمیدند که پشت گوش این ماهی پولک وجود دارد بعلاوه پولک های روی پوستش به مرور زمان می ریزد. در نتیجه بعد از فهمیدن این موضوع، ماهی اوزون برون را حلال اعلام کردند. پس بسته به شرایط، امری حلال یا حرام می شود. مثل حکم قلیان میرزای شیرازی، که حرام دانسته بودن در آن زمان .
به نقل از سایت خبری تحلیلی اسلامی < www.irannews.ir >

پخش نهم

نگاهی از درون

مطالب گوناگونی که تحت عنوان نگاهی از درون در این بخش از کارنامه مطرح می شود از جمله نکته ها و خاطراتی است که از ایام خدمت در شیلات به یاد دارم و نقل آن در تکمیل مطالب مندرج در بخشهای دیگر کارنامه و برای روشنتر ساختن وضع شرکت شیلات در سالهای ۱۳۴۳- ۱۳۴۴ مفید به نظر می رسد.

(۱)- اجمالی در باره تشکیلات و سازمان شیلات

شرکت سهامی شیلات ایران از آغاز تاسیس با همان تشکیلاتی که در دوران شرکت مختلط ایران و شوروی وجود داشت ، کار خود را شروع کرد و بر طبق برنامه های تنظیمی از پیش فعالیت های خود را ادامه داد. صید ماهیان غضروفی و عمل آوری و فروش خاویار، که قبل از ملی شدن متعلق به شرکت مختلط ایران و شوروی بود، در انحصار دولت (شیلات) قرار گرفت . جمع کارکنان شرکت - اعم از کارگروکارمند - در دهه اول سالهای پس از ملی شدن رقمی در حدود هشت هزار نفر بود. عملیات صیادی در جایگاههای صید به دست صیادانی که در استخدام شیلات بودند انجام می گرفت و سپس ماهیهای صید شده را برای عمل آوری و آماده سازی برای صادرات به مراکز اصلی شیلات در انزلی، حسن کیاده و ترکمن صحرا منتقل می کردند. امر بهره برداری از ماهیهای استخوانی را شرکت شیلات همانطور که قبلا دیده شد، به بخش خصوصی واگذار می کرد.

روسها در دوران تسلط طولانی بر شیلات ایران، ساختمانهایی برای تاسیسات فنی و دفاتر اداری و هم چنین برای اسکان کارکنان شیلات، ساخته بودند. این تاسیسات همزمان با توسعه صنعت خاویار و نیازمندیهای مربوط بدان در ۳ استان شمالی گسترش یافته، مرتباً نوسازی می شد و به آبادانی این استانها کمک می کرد.

کادر فنی شیلات، کارآموزی را در کارگاهها نخست زیر نظر متخصصان روسی و پس از رفتن آنان زیر دست کارشناسان ایرانی فراگرفته، در رشته های مربوطه مهارت لازم را پیدا کرده بودند. جمعی از کارکنان که در دوران فعالیت شرکت مختلط به خدمت درآمده بودند روشهایی را که در گذشته یاد گرفته بودند همچنان حفظ می کردند. روزی برای بازدید یکی از دوابر حسابداری در انزلی رفته بودم با تعجب دیدم که در یک دفتر نسبتاً کوچک سه چهار نفر با چرتکه (۱) مشغول محاسبه هستند. معلوم شد به کار بردن این ابزار قدیمی محاسبه هنوز هم در شیلات رایج است. متصدی حسابداری توضیح داد سرعت عمل این حسابداران با چرتکه چیزی از سرعت عمل کسانی که با ماشین حساب کار می کنند چیزی کم ندارد و صحت این اظهار نظر چند روز بعد برایم روشن شد.

فقدان کادر تحصیل کرده در کارهای مربوط به شیلات از سالهای پیش از ملی شدن، کمبود شناخته شده ای بود. در سالهایی که جوانان مشتاق به تحصیل را برای انتخاب رشته هایی مانند پزشکی و مهندسی و حقوق و یا نفت تشویق می کردند به نیازی که کشور در زمینه های دیگر و از آن جمله در رشته های مربوط به شیلات داشت توجهی نشده بود. تا زمانی که روسها امتیاز شیلات ایران را در دست داشتند و از ایرانیان تنها به عنوان کارگر ساده یا متخصص استفاده می کردند و ایجاد یک کادر تحصیل کرده ایرانی اساساً برای آنها مطرح نبود. در طول ۲۵ سال فعالیت شرکت مختلط ایران و شوروی که ایران در هیئت مدیره سه نفر عضو داشت و فرصتی برای ایجاد کادر تحصیل کرده ایرانی فراهم شده بود، نیز هیچ اقدامی معمول نگردید.

در سالهای اولیه پس از ملی شدن شمار اندکی از کارکنان شیلات از تحصیلات برخوردار بودند. بیشتر آنان روش کار کردن را در عمل آموخته بودند. در سالهای نخستین دهه ۱۳۴۰ تنها سه نفر از کارکنان شیلات تحصیلات دانشگاهی داشتند و از دانشکاههای شوروی درجه مهندسی گرفته بودند. یکی از این سه نفر مقارن شروع کار من بازنشسته شده و رفته بود. نفر دوم، مهندس ساحلی (نام کوچک او را به یاد ندارم)، متخصص ماشین آلات و سرپرست سردخانه های شرکت بود که در اواخر سال ۱۳۴۳ باز نشسته شد. سومین نفر آنان فرهاد فرید پاک، تنها مهندس ماهی شناس بود که در آن ایام در شیلات هنوز کار می کرد. فرید پاک در مدتی که ستوده مدیر عامل بود و پس از آن در مدت یکسال و اندی که من در این پست بودم، سمت معاونت فنی مدیر عامل را عهده دار بود و ادارات شیلات را در شمال سرپرستی می کرد. او به راستی مردی پاک و زحمتکش، و در کار ماهی شناسی تالی نداشت. تعدادی از کارشناسان شیلات که در آزمایشگاهها و موسسات دیگر فعالیت داشتند زیر دست او آموزش دیده بودند.

از بدو ملی شدن صنعت شیلات دولت متوجه کمبود کارشناس در صنایع شیلاتی بود. ماده ۲۵ اساسنامه مقرر داشته بود شرکت می تواند همه ساله هزینه تحصیلی پنج نفر از دانشجویان دانشکده دامپزشکی را که رشته تخصصی صنعت ماهی را تعقیب کنند با دریافت تعهد دایر به این که بعد از خاتمه تحصیل پنج سال در شرکت خدمت نمایند، بپردازد. در دوران خدمت نگارنده دو نفر دانشجو برای تحصیل در رشته ماهی شناسی انتخاب و به خارج اعزام شدند. همچنین در همان ایام هموطنی که در رشته ماهی شناسی در آلمان غربی فارغ التحصیل شده بود با نگارنده تماس گرفته و تقاضای استخدام داشت. ترتیب استخدام او سریعاً داده شد و برای خدمت در آزمایشگاه شیلات به انزلی فرستاده شد.

خوشبختانه در سالهای پایانی دهه ۴۰ تعدادی از دانشجویانی که در داخل ویا در خارج از کشور در رشته های مرتبط به صنایع شیلاتی تحصیل کرده و مایل به خدمت در شرکت شیلات بودند، به استخدام شیلات درآمدند. مراکز تحقیقاتی شیلات در آن سالها پیشرفت های بسیار چشمگیری داشت .

(۲) انتقال ادارات مرکزی شیلات به شمال

در بهار سال ۱۳۴۴ بر اساس تصمیم دولت، ادارات مرکزی شرکت شیلات مستقر در تهران به بندر پهلوی (انزلی فعلی) منتقل گردیدند. در اجرای برنامه عدم تمرکز امور در پایتخت، دولت تصمیم گرفته بود دفاتر شرکتهای دولتی را که عملیات آنها در شهرستانهاست، از پایتخت به شهرستانی که محل اصلی فعالیت آنهاست، منتقل کند.

شرکت شیلات ساختمانی را که در تهران در اجاره داشت تخلیه کرد. ابواب جمعی کارکنان شیلات در مرکز در آن تاریخ به نظرم در حدود ۳۰ تا ۳۵ نفر بود. برای انجام امور ضروری و ارتباط بادرستگاهها ی دولتی و شرکتهای، تعداد معدودی از کارمندان در تهران باقی ماندند و محل کار آنان در قسمتی از ساختمان اصلی وزارت دارایی تعیین شد. انتقال اکثریت آنان که کار مشخصی در مرکز انجام می دادند و محل کارشان در بندر انزلی تعیین شده بود، بزودی عملی شد. به این دسته از کارکنان فرصتی داده شد تا در محل جدید کار خود در بندر انزلی حاضر شوند و برای اقامت موقت آنان خوابگاه هایی در ساختمان اصلی شیلات در انزلی در نظر گرفته شد تا با فرصت برای اقامت خانواده خود در انزلی مسکن تهیه کنند.

گذشته از این دسته از کارمندان، گروهی در حدود ۱۰-۱۲ تن کارمند وزارت دارایی مامور خدمت در شیلات بودند که تکلیف آنان نیز باید روشن می شد. این گروه بالاترین حقوق و مزایا را از بودجه شیلات دریافت می کردند در حالیکه نه تخصص خاصی داشتند و نه کار مشخصی انجام می دادند. از جمله یکی از آنان به اعتبار یک ابلاغ وزارتی که چند سال پیش برای او صادر شده بود عنوان قائم مقامی مدیریت عامل شیلات را همچنان برای خود حفظ کرده بود در حالی که در اساسنامه قانونی شرکت شیلات چنین پستی وجود نداشت. وضع خدمتی این دسته از کارکنان که به وجود آنان واقعاً نیازی نبود، در حدود دو سال پیش از آن، در دوران تصدی مدیر عامل قبلی فتح الله ستوده مطرح شده بود. ستوده با نهایت

صداقت به من بازگو کرد که در نظر داشته آنان را به وزارت دارایی باز گرداند و به جای آنان افراد واجد شرایطی را که مورد نیاز شیلات است، استخدام کند ولی موفق به اجرای آن نشده است. با ارزیابی مجددی که از وضع کار این عده به عمل آمد، تصمیم گرفته شد آنان به وزارت دارایی باز گردانیده شوند. برای همه آنان نامه ای فرستاده شد بدین مضمون که چون ادارات شیلات به شمال منتقل شده و پستی که متناسب با سوابق خدمت آنان باشد در آن جا موجود نیست، لذا با قردانی از خدماتی که در شیلات انجام داده اند و با پرداخت پاداشی برابر با ۳ ماه حقوق و مزایا به مأموریتشان در شیلات خاتمه داده شد و در اختیار کارگزینی وزارت دارایی قرار گرفته اند. نامه های مزبور غوغایی برپا کرد. اعضای این گروه به طور دسته جمعی علیه تصمیم هیئت مدیره به مبارزه برخاستند و ضمن شکایت اعلام جرم هایی هم مطرح کردند، آنان نامه های مفصلی به کمیسیونهای عرایض مجلسین و دستگاههای مختلف دولتی و جراید نوشته، علیه مدیران شیلات شکایت کردند. از جمله در نامه ای که به جمشید آموزگار وزیر دارایی نوشتند، مدعی بودند که ابطال حکم های صادره به امضای وزرای دارایی سابق و یا جانشینان آنان اهانت به مقام وزارت دارایی است و وزیر دارایی این نامه را به شیلات فرستاده بود. نگارنده در پاسخ به جمشید آموزگار وزیر دارایی نوشتم که نصب و عزل کارمندان شرکت شیلات جزو اختیارات مسلم هیئت مدیره شرکت است و اهانت به هیچ مقامی نیست. آموزگار در حاشیه این نامه جمله جالبی نوشت که مضمون آن هم چنان به یادم مانده است. او ضمن تأیید این نظریه نوشته بود "اگر در گذشته برخلاف این ترتیب اقدامی شده آن اقدام نمی تواند مورد تأیید باشد". شاکیان از جمله با توسل به انتشار یک آگهی شرکت شیلات در جرائد که در آن به جای "آگهی مناقصه" اشتباهاً "آگهی مزایده" چاپ شده بود مدعی شده بودند که مدیران شیلات اصولاً فرق بین مناقصه و مزایده را نمی دانند.

به رغم همه شکایتها و تعاطی مکاتبات وقت گیر دستور دولت در مورد انتقال شیلات به شمال به مورد اجرا گذاشته شد و کارکنان همراه با مدیران در انزلی مستقر و مشغول کار شدند. جلسات هیئت مدیره غالباً عصرها تشکیل می شد و تا پاسی از شب ادامه می یافت. با مشکلاتی که در نتیجه انتقال شیلات پیش آمده بود و پاسخ گویی به شکایات، شخصاً ناچار بودم یک پا در تهران و پای دیگر در انزلی داشته باشم. متأسفانه در آن روزها وبای التور در شهرهای رشت و انزلی فراگیر شده، تمام منطقه را آلوده و خطرناک کرده بود. هفته ای چندین بار فاصله بین تهران و انزلی را که حدود ۵ ساعت با اتوموبیل طول می کشید، مرتباً در رفت و آمد بودم. اغلب ساعاتی دیر وقت از شب از انزلی حرکت می کردم و در صندلی عقب ماشین در ساعاتی که راننده طی مسافت می کرد می خوابیدم تا به موقع به دفتر تهران برسم. این برنامه سنگین و آزاردهنده در چند ماه پایانی خدمتم در شیلات همچنان ادامه داشت.

در اینجا باید صادقانه اعتراف کنم برنامه انتقال شیلات به شمال به رغم همه زحماتی که کشیده شد عملاً با اشکالات متعددی مواجه گردید و متأسفانه اثر مطلوبی به بار نیاورد. حضور همین تعداد اندک کارمندان شیلات که به همراه خانواده از تهران به انزلی آمده بودند بهانه ای برای گران شدن کرایه خانه ها در آن شهر شد. انتقال فرزندان کارکنان شیلات در وسط سال تحصیلی از شهر بزرگی مانند تهران به یک شهر نسبتاً کوچکی چون انزلی، کمبودها و ناراحتی هایی برای کارمندان و افراد خانواده آنان ایجاد کرد. از طرف دیگر تغییر محل دفتر این شرکت بازرگانی در امر ارتباط با برخی از مؤسسات

بازرگانی و دستگاههای دولتی اثرات منفی به جای گذاشت. به یاددارم در دو مورد که شیلات در شهر انزلی برای خرید بعضی لوازم مورد نیاز آگهی مناقصه منتشر کرد هیچ فروشنده ای حاضر به شرکت در آن نشده و علت آنرا دور شدن شیلات از پایتخت عنوان میکردند. به خاطر همین ملاحظات و اشکالات عملی دیگر بود که در آغاز دوران مدیریت جانشین نگارنده -- شجاع الدین ملایری -- تصمیم دولت در مورد انتقال دفاتر شیلات به شمال مورد تجدید نظر قرار گرفت و اداره مرکزی شیلات مجدداً به پایتخت بازگشت.

ضمناً ناگفته نماند که به فاصله کوتاهی پس از پایان دوران خدمت نگارنده در شیلات اکثر کارمندانی را که شیلات به وزارت دارایی پس فرستاده بود، دوباره به سر کارهای قبلی خود باز گشتند. در اولین سفری که از محل ماموریت کویت به تهران آمده بودم و طبق مرسوم برای مذاکرات اداری ضمن صرف ناهار با هویدا به نخست وزیری رفته بودم، در مورد این دسته از کارمندان، خیلی خودمانی از او پرسیدم چرا مامورین وزارت دارایی را به شیلات باز گردانیدید؟ هویدا پاسخ مستقیمی به این سؤال نداد ولی گفت مطلب را در امتیاز مکن (اصطلاحی که غالباً در مذاکرات بکار میبرد) و به کار خودت برس. تو حالا مسئولیت مهمتری داری و کارت را در ماموریت خارج از کشور از همان اول با پختگی شروع کرده ای، خبرش را دارم.

(۳) - ایجاد پست معاونت در امور انتظامی شیلات

حفظ ذخائر، مسئولیت سنگینی بر عهده شیلات محول می کرد و طبعاً اداره ای که از سالها پیش قبل برای حفاظت آنها وجود داشت قادر به اجرای وظایف بنحو مطلوبی نبود. در تجدید نظری که در این باره معمول شد، پستی در سطح معاونت مدیر عامل در امور انتظامی شیلات ایجاد گردید. برای تصدی این پست افسری به نام سرهنگ اسمعیل آریامهر (۲) در نظر گرفته شد و از ستاد ارتش تقاضا شد افسر نامبرده را برای تصدی این پست انتظامی مامور خدمت در شیلات بنمایند. چند روز بعد ستاد ارتش پاسخ داد که با مأموریت افسر خواسته شده موافقت نمیشود و به جای او سرهنگ علی زیبایی را پیشنهاد کردند.

سرهنگ زیبایی را شخصاً نمی شناختم ولی نام او نا شناخته نبود. در محافل و در جراید از خوشونت او به هنگامی که در حکومت نظامی تهران مامور خدمت بوده و هم چنین از برخورد تند او با دانشجویان در موقعی که در یکی از سفارتخانه های ایران در اروپا کار می کرده، مطالبی منعکس شده بود. از این رو از پاسخ واصله از ستاد ارتش استقبال نکرده و نامه ستاد بی جواب ماند.

روزی سرهنگ احمد کسری، رئیس دفتر سرلشکر نعمت الله نصیری (سپهبد و ارتشبد بعدی) رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) تلفنی اطلاع داد رئیس ساواک مایل است از او دیداری بکنم. سرهنگ کسری را از قبل می شناختم ولی با نصیری هیچگونه آشنایی نداشتم و نمی دانستم علت دعوت او چیست؟ روزی که برای دیدار او رفته بودم کسری برخوردی بسیار دوستانه ای داشت و هنگامی که مرابه دفتر رئیس ساواک هدایت می کرد در گوشم آهسته به زبان فرانسه

گفت: Du calme, s'il te plait (خواهش می‌کنم خونسردی خودت را حفظ کن). در آن لحظه معنی این حرف را درست نفهمیدم ولی وقتی نصیری آغاز به سخن کرد و از سرهنگ زیبایی نام برد متوجه مفهوم توصیه سرهنگ کسری شدم. خلاصه حرف رئیس ساواک این بود که شیلات افسری را با ذکر نام برای تصدی پست انتظامات شیلات خواسته ولی ستاد ارتش با مأموریت آن افسر موافقت نداشته و افسر و افسر و افسر شرایط دیگری را به جای او پیشنهاد کرده، چرا باماموریت او مخالفت کرده اید؟ در پاسخ او با توجه به توصیه سرهنگ کسری خونسردی خود را حفظ کرده و کوتاه آمد. بدین ترتیب سرهنگ زیبایی مأمور خدمت در شیلات شد و کلیه امور انتظامی شرکت و از جمله اداره حفاظت از آنها زیر نظر او قرار گرفت. انصافاً باید تصدیق کنم که سرهنگ علی زیبایی در این مأموریت وظایف محوله را با صمیمیت و مردم‌داری کامل انجام داد و از طرز کار او بسیار راضی بودم.

(۴) حادثه تیراندازی در مرداب انزلی

در یکی از آخرین روزهای بهار سال ۱۳۴۴ در مرداب انزلی حادثه ناگواری اتفاق افتاد که منجر به تیراندازی و مجروح شدن یکی از ماهیگیران متخلف گردید. در آن روز چند ماهیگیر با یک قایق ماهیگیری در داخل مرداب به تذکرات مکرر مأموران انتظامی دائر به ممنوعیت صید وقعی ننهاده و مشغول توراندازی بودند. در نتیجه بین صیادان و سربازان مسئول حفاظت مشاجرات لفظی در گرفته و کار به خشونت کشیده شده بود. در این موقع یکی از سرنشینان قایق ماهیگیری آلت خود در آورده و آن را به سربازی که او را تهدید به تیراندازی کرده بود، نشان داده و ناسزا گویان فریاد کشیده بود اگر مردی بزن و سرباز هم که در حین انجام وظیفه مورد اهانت قرار گرفته و کنترل اعصاب خود را از دست داده بود فشنگی در خشاب تفنگ نهد و به موضع مخصوص آن صیاد تیراندازی کرده بود. در نتیجه تیراندازی آلت آن شخص قطع شده و دچار خونریزی شدیدی شده بود. حادثه در وسط روز و در جلوی چشم نظار فراوانی اتفاق افتاد که از ابتدا شاهد صحنه مشاجره بودند و خبر آن به سرعت در شهر پخش شد. در نتیجه این جریان ناگوار عده ای صیاد و غیر صیاد که از ممنوعیت صید ناراضی بودند و پی بهانه ای برای به راه انداختن اغتشاش می‌گشتند، در مدخل اداره مرکزی شیلات گرد آمده و شروع به تظاهرات نموده، با عصبانیت فریاد سر داده بودند که سربازان یک نفر ماهیگیری گناه را کشته اند. مأموران انتظامی به زحمت توانستند مجروح را به درمانگاه در داخل شیلات برسانند و مانع از دخول جمعیت به داخل محوطه شوند. در درمانگاه شیلات که برای مراجعات سرپایی بود، پزشک و وسیله ای برای درمان مجروح نبود و ضرورت داشت او را سریعاً به بیمارستان برسانند. در درمانگاه یک دستگاه آمبولانس وجود داشت ولی با توجه به کثرت تظاهر کنندگان عصبانی باز کردن درب بزرگ ساختمان شیلات برای خارج شدن آمبولانس خالی از مخاطره نبود. در آن لحظات پرتنش که تلفن های استانداری و مقامات انتظامی محلی مرتباً زنگ می زد و همه از بروز یک بلوای بزرگ در بندر انزلی شدیداً اظهار نگرانی می کردند، به یادم آمد صبح همان روز در انتهای باغ بزرگ قلم گوده که ادارات مرکزی شیلات در آن جا قرار دارد، بولدوزری را مشغول به کار دیده بودم. به سرهنگ زیبایی معاون انتظامی شیلات گفتم سریعاً و بدون این که توجه کسی جلب شود با بولدوزر دیوار باغ را خراب کرده و مجروح را که در آمبولانس خوابانده بودند، از همان طریق از محوطه عقب شیلات خارج کرده و سریعاً به بیمارستان برساند. زیبایی هم بلادرنگ اقدام کرد و موقعی تظاهر کنندگان از جریان اطلاع

پیدا کردند که آمبولانس حامل مجروح و سرهنگ زیبایی از انزلی خارج شده و به سرعت به سوی تهران در حرکت بود. مجروح در بیمارستان پارس تهران تحت عمل جراحی قرار گرفت و پس از پایان معالجات و مراقبت های پزشکی مرخص گردید(۴).

حدود سه ماه پس از این حادثه شخص مصدوم به دفتر شیلات در تهران آمده و تقاضای دیدار مرا داشت. جوانی رشید و ورزشکار به نظر می رسید و شدیداً متقلب بود و می گریست. او اظهار داشت با وضعی که برایش پیش آمده نزد سر و همسر بسیار خفیف شده، بچه های محل او را به باد مسخره می گیرند و دیگر نمی تواند در این شهر و اطراف به جست و جوی کاری برود. تقاضا داشت در منطقه ای دور دست کاری به او ارجاع کنم. برای او ماموریتی در اداره حفاظت آبهای ترکمن صحرا در نظر گرفتم و او را به این منطقه فرستادم.

(۵) - شکایت صنف فروشندگان ماهی و پرنده از شرکت شیلات

مبارزه با قاچاق در شیلات خاطرات گوناگونی را به خاطر می آورد. روزی که با هویدا نخست وزیر دیدار داشتم گفت شاهنشاه شب پیش از افزایش قاچاق خاویار اظهار عدم رضایت کرده اند، باید در این باره اقدامی اساسی بشود. پاسخ دادم شما خودتان در وزارت دارایی بودید و به مشکلات و کمبود های شیلات وقوف کامل دارید. از جمله خوب می دانید و وسایل نقلیه دریایی شیلات منحصر به همان بارکاس (قایق) های پر سرو صدا و فرسوده و کم تحرک بازمانده از دوران لیانازوف هاست که به درد کار امروز و مبارزه با قاچاقچینی که به وسایل پیشرفته ای مجهزند نمی خورد. عوامل و وسایلی که شیلات برای مبارزه با قاچاق دارد با توجه به وسعت دریا و رودخانه هابسیار کم و نا رساست. معهذاتاً حدود امکان در این باره سعی کرده و باز هم بیشتر سعی خواهیم کرد.

در آن ایام خیابان استانبول تهران، معروف ترین خیابان پایتخت به صورت یک گردشگاه عمومی در آمده بود و در پاساژ های دو طرف این خیابان چندین فروشگاه میوه و مواد غذایی به سبک سوپرمارکتهای کشورهای غربی احداث شده بود و اکثراً خانواده های متمکن پایتخت مشتریان این فروشگاهها بودند. گزارشهای رسیده حکایت از آن داشت که در برخی از این فروشگاهها خاویار و ماهی قاچاق عرضه می شود و به همین علت تصمیم گرفته شد این مراکز مشکوک مورد بازرسی قرار گیرند.

طبق برنامه ای که از قبل با کانون شکار (۵) و کلانتری یک پایتخت (که خیابان استانبول در حوزه عمل آن قرار داشت) هم آهنگ شده بود، یک روز عصر ماموران شیلات و کانون شکار و صید همراه با تعدادی پاسبان، برای بازرسی به این فروشگاهها رفته، مقادیری خاویار و ماهی غیر مجاز مشاهده کردند. این فرآورده ها پس از تنظیم صورت مجلس ضبط و امانتاً به سردخانه دانیل تحویل داده شد و پرونده برای تعقیب در دستگاه قضایی آماده گردید. درست به خاطر ندارم این فرآورده های غیر مجاز به چه میزان بود و از چند فروشگاه جمع آوری شده بود، ولی عکس العمل این اقدام شیلات را از

طرف دولت، که به نظرم کاملاً غیر منتظره بود، دقیقاً به خاطر دارم. در اول وقت فردای آن روز، جمشید آموزگار وزیر دارایی تلفن زد و باناراحتی می پرسید چرا فروشگاهها را غارت کرده اید؟ از شنیدن کلمه غارت بسیار متعجب شدم و گفتم درست متوجه نشدم منظورتان از غارت چیست؟ اگر منظورتان بازرسی انجام شده دیروز عصر در خیابان استانبول است، باید توضیح دهم این کار یک اقدام قانونی بود و ماموران دولت- فراورده هایی را که به طور غیر قانونی برای فروش عرضه شده بود، طبق موازین قانونی ضبط کرده اند. وزیر دارایی گفت به نظرم در این باره اطلاع صحیحی به نخست وزیر نداده اند و گفت اعضای صنف ماهی فروش و پرنده فروش هم اکنون در نخست وزیری اجتماع کرده و از شیلات شکایت دارند. نخست وزیر از چگونگی موضوع بی اطلاع است و لازم است فوراً تلفنی با او تماس بگیرید و موضوع را گزارش کنید. در همان لحظه هویدا پشت خط تلفن آمده و باناراحتی همان پرسش وزیر دارایی را تکرار می کرد و به دنبال پرسش خود گفت هم اکنون رییس صنف ماهی فروش و پرنده فروش (۶) به اتفاق اعضای صنف در نخست وزیری هستند و از شیلات شکایت دارند.

در جواب نخست وزیر گفتم اصناف گزارش خلاف واقع به عرضتان رسانده اند. مامورانی که به این اماکن رفته اند ضابطین دادگستری هستند که برای انجام وظایف قانونی خود عمل کرده اند و درباره چگونگی بازرسی انجام شده و مقررات مربوطه توضیحاتی دادم. در تلفن صدای نخست وزیر را می شنیدم که در توجیه اقدام شیلات توضیحاتی به شاکیان می داد و به اعتراضات آنان نیز گوش می کرد. هویدا در دنباله صحبت بامن گفت اصناف می گویند چرا این مقررات را قبلاً به آنان ابلاغ نکرده اید؟ پاسخ دادم همه مقررات در روزنامه رسمی کشور و روزنامه های کثیرالانتشار پایتخت به موقع منتشر شده و به اطلاع همگان و از آن جمله اصناف رسیده است. من همچنان مدتی گوشی به دستم بود و پاسخی را که نخست وزیر در این زمینه به شاکیان می داد گوش می کردم. او صریحاً عملکرد شیلات را اقدامی قانونی اعلام نموده و شکایت شاکیان را قاطعانه رد کرد. موقعی که به نظر می رسید شاکیان از دفتر نخست وزیر بیرون رفته اند، او از من پرسید حالا چه کاری می توانی برای آنان بکنی؟ پاسخ دادم پرونده برای رسیدگی به دادسرای تهران فرستاده شده است. اگر او امری باشد به وزیر دادگستری ابلاغ بفرمایید. نخست وزیر پاسخ داد بسیار خوب. از این پس هر وقت خواستی کودتایی بکنی قبلاً مرا قبلاً در جریان بگذار که غافلگیر نشوم. برخورد نخست وزیر با موضوع شکایت اصناف به نظرم واقعاً شگفت آور بود و علت آن رابه درستی درک نکردم. هویدا امر شاه را همراه با دستور موکد خودش ابلاغ نموده بود و مامورین طبق موازین قانونی عمل کرده بودند. هویدا نخست وزیری آشنا به قانون و علاقمند به اجرای آن بود و در دوران خدمت در شیلات و در ماموریتهای دیگر همواره از اقداماتی که در جهت اصلاح وضع و نوآوری انجام می دادم جداً پشتیبانی می کرد و همواره از او سپاسگزار بودم. به هر حال به نظر می رسد شکایت اصناف - که به هر حال قدرتی به حساب می آمدند و جار و جنجالی که به ناحق به راه انداخته و بطور دسته جمعی به نخست وزیری رفته بودند، او را غافلگیر و ناراحت کرده بود. امیرعباس هویدا نخست وزیری بود که ابداً نمی خواست در دوران خدمتش کمترین سرو صدایی از هیچ جای مملکت بلند نشود.

(۶)- برنامه های تکثیر صنعتی ماهیان دریای خزر

متعاقب ملی شدن شیلات دو کشور ساحلی وقت دریای خزر، ایران و شوروی، همکاریهای دامنه داری را برای بهبود و افزایش ذخایر ماهی، بویژه ماهی خاویاری، آغاز کردند. و این همکاریها به ویژه در دهه ۱۳۴۰ فزونی یافت. سازمان برنامه و بودجه براساس قرارداد همکاری که بین شرکت شیلات و شورویها امضا شده بود، طرح جامعی برای تکثیر صنعتی ماهیان خاویاری تنظیم کرده بود. بموجب این طرح زمین وسیعی به مساحت ۱۳۰ هکتار، در ۲۵ کیلومتری جنوب شهرستان رشت در کنار سد سنگر سفید رود، برای ایجاد حوضچه های مخصوص تکثیر صنعتی ماهی خاویاری در نظر گرفته شده بود. در این حوضچه ها بچه ماهی ها برای مدت ۷ تا ۸ ماه پرورش میافتند و پس از رشد در رودخانه رهایی شدند. ظرفیت تولید سالانه این مجموعه سالی سه ملیون ونیم بچه ماهی بود. مقدمات اجرای این طرح در همان ایامی که من در شیلات مشغول خدمت بودم شروع شد و باصرف هزینه گزافی، چند سال بعد این مجموعه آماده بهره برداری شد، رسماً افتتاح گردید. بنا به دعوت منصور روحانی، وزیر آب و برق وقت (۳)، نگارنده که در آن وقت در مأموریت کویت بودم، در این مراسم حضور یافتم. این طرح یکی از برنامه های بسیار سودمندی است که برای تکثیر ماهیان خاویاری در دریای خزر در آن ایام بانجام رسیده است.

در پایان این قسمت بی مناسبت نیست به یک مطالعه مقدماتی که در آن زمان درباره پرورش ماهی برای مصارف خانگی در شیلات شروع شده بود مختصر اشاره ای بشود. در دهه ۴۰ تنها در استخرها و حوضچه های وابسته به آزمایشگاههای شیلات بود که تکثیر صنعتی انواع ماهیان معمول بود و ماهیان پرورشی از نوع غضروفی و استخوانی پس از رشد اولیه در رودخانه ها رها میشدند. پرورش ماهی صنعتی برای مصارف خانگی هنوز کاربرد صنعتی نداشت. پزشکی از دوستان خانواده نگارنده بنام دکتر منوچهر معتمد ابتکاری به خرج داده و با پشتیبانی سازمان برنامه و بانگ اعتبارات صنعتی، در کنار رودخانه کرج موسسه ای برای پرورش ماهی قزل آلا ایجاد کرده بود و فروش خوبی هم داشت. من از این موسسه بارها دیدن کرده، معتقد شده بودم ایجاد موسسات مشابه آن برای تولید و پرورش انواع ماهیان رودخانه ای اقدام بسیار ارزنده است و امکان اجرای آن در بسیاری از روستاهای شمالی و مناطق مختلف کشور به آسانی میسر است. این نظر را با کارشناسان شیلات در میان نهاده مطالعات اولیه ای را آغاز کرده بودیم و در نظر بود مراکز نمونه ای برای پرورش انواع ماهی برای مصارف خانگی ایجاد کنیم، ولی با پایان مأموریت در شیلات این برنامه پی گیری نشد.

بی نویسی های بخش نهم

(۱) - "چرتکه" از زبان روسی گرفته شده، (و در اصطلاح معمولی در فارسی بدان چتکه می گویند) ابزاری است که در قدیم برای محاسبه ارقام بکار میبردند و می توان آن را حلقه ابتدایی ماشین حساب امروزی دانست. چرتکه بشکل چهارچوب مربع مستطیلی است که میله های موازی در آن تعبیه شده و روی هر یک ده حلقه متحرک قرار گرفته است.

(۲) - نام خانوادگی افسر نامبرده قبلا ابو ترابیان بود که به آریا مهر تغییر یافته بود. بعد از اعطای لقب آریا مهر به پادشاه، نام خانوادگی آریا مهر برای افسر نامبرده همچنان حفظ گردید.

(۳) - منصور روحانی با تکمیل شبکه های برق و آب کشور خدمات بسیار بزرگی به کشور انجام داده است. متأسفانه او را در اوایل انقلاب اسلامی اعدام کردند.

(۴) - هزینه عمل جراحی و سایر هزینه های بیمارستان تا آنجاکه به یادم مانده رقمی در حدود ۲۲ هزار تومان شده بود که از اعتبارات شیلات پرداخت شد.

(۵) - بموجب تبصره ۵ ماده واحده قانون اساسنامه شرکت شیلات ایران صید ماهی غضروفی (استورژن) و خاویار در انحصار دولت است و فروش و صدور آن بدون اجازه دولت قاچاق محسوب می شود و مرتکبین طبق قانون مجازات مرتکبین قاچاق قابل تعقیب خواهند بود. نوع مجازات مرتکبین قاچاق ماهی و فر آورده های آن در قانون شکار مشخص شده بود و شیلات باستناد این قانون و با معاضدت کانون شکار عمل می کرد. برای تکمیل و اصلاح قانون مجازات صید های غیر مجاز در دریای خزر و همچنین مجازات معاملات غیر مجاز این فر آورده ها شیلات بررسیهایی انجام داده و پیشنهادهایی به دولت داده بود. براساس این مطالعات سرانجام ماده واحده قانون مجازات صید غیر مجاز از دریای خزر در اسفند ماه ۱۳۴۶ به تصویب فوه مقتنه رسید. برای مطالعه متن قانون به مجموعه قوانین جرایم گردآوری احمد کمانگر چاپ محمد حسین علمی ص ۵۰۷ و ۵۰۹ (مراجعه شود).

(۶) - نام رییس صنف ماهی فروش و پرنده فروش، عباس تیموری، بیادمانده است.

بخش دهم

تلاش در راه صنعتی کردن شیلات جنوب ایران

پیش از آن که اکتشاف و بهره برداری از منابع نفتی سبب ساز دگرگونیهای اساسی در منطقه خلیج فارس گردد، این منطقه به عنوان یک مرکز عمده صید و تجارت مروارید و مرجان معروفیت جهانی داشت و علاوه بر آن کرانه نشینان دریاهاى این منطقه، از گذشته های دور به کار ماهیگیری سنتی اشتغال داشتند. ایجاد و توسعه صنعت کشت صدف مروارید در خاور دور بازار مروارید طبیعی را در این مناطق کسادکرد، ولی ماهیگیری حرفه ای بود که همچنان رواج داشت.

(۱) -آغار دوران ماهیگیری صنعتی

در سال ۱۳۱۴ دولت ایران برای اولین بار برای صنعتی کردن ماهیگیری در خلیج فارس و دریای عمان اقداماتی را آغاز کرد و از دکتر هرالد بلگواد H. Belgvad رئیس مرکز زیست شناسی دانمارک دعوت نمود در باره ماهیگیری در این دریاها مطالعاتی بکند. دکتر بلگواد با همکاری یکی از کارشنایان دانمارکی به نام لوپنتین H. Loppenthin بررسیهایی انجام داده و گزارشی به دولت داد. گزارش دکتر بلگواد و همکار او (۱) نخستین گزارش تحقیقی عالمانه ای است که در باره ماهیگیری در خلیج فارس و دریای عمان انتشار یافته و در سالهای بعد مورد استناد پژوهشگران و استفاده عملی دولتهای منطقه و به ویژه کویت قرار گرفته است. در این گزارش تصریح شده که خلیج فارس و دریای عمان از منابع سرشار آبزیان گوناگونی بهره مند است و بیش از ۲۰۰ نوع ماهی مورد مصرف خوراک انسان در این آبها شناخته شده است. (۲)

در گزارش کارشناسان دانمارکی راجع به چگونگی وضع صید ماهی در جنوب ایران توضیح داده شده که ماهیگیران ایرانی طبق سنن دیرین و با ابتدائی ترین وسایل در آبهای نزدیک به کرانه صید می کنند. میزان صید ناچیز و در حد تامین مصارف محلی و نقاط همجوار است. نه وسیله پیشرفته ای برای صید و نگاهداری ماهیان دارند و نه امکانی برای حمل و توزیع آن. از آن گذشته بازاری هم برای مصرف نیست. در این گزارش نتیجه گیری شده اگر ایران به طور صحیح و عاقلانه ای از این ذخایر استفاده کند می تواند سالانه درآمدی برابر یا حتی بیشتر از آن چه که از نفت تحصیل می کند به دست آورد و راه کارهایی برای بهره برداری در کوتاه مدت و دراز مدت ارائه داده بودند.

بر اساس توصیه دکتر بلگواد، دو کارخانه از دانمارک یکی برای تهیه کنسرو و دیگری برای تهیه آرد ماهی خریداری شد و در بندر عباس نصب گردید. محلی که برای نصب کارخانه و مرکز فعالیتهای ماهیگیری صنعتی ایران در آینده در نظر گرفته شد از هر جهت مطالعه شده بود. بندر عباس در مدخل شاهراه آبی بسیار پر رفت و آمدی واقع شده و به اقیانوس هند و دریای عمان و خلیج فارس دسترسی دارد. نوع محصولاتی که کارخانه تولید می کرد با دقت کافی برگزیده شده بود. کنسرو و آرد ماهی تولیدی به آسانی قابل حمل و نقل و نگاهداری است و با آب و هوای بسیار گرم منطقه و در نبود شبکه های برق و راه و تاسیسات زیر بنائی لازم با شرایط آن روز ایران سازگاری کامل داشت و این کارخانه ها در واپسین سالهای سلطنت رضاشاه به کار افتاد.

اجرای این برنامه بدون شک سرفصل تحول بی سابقه ای در امر صنعتی شدن ماهیگیری در تاریخ خلیج فارس ثبت شده است، اقدامی که متأسفانه در سالهای پس از جنگ دوم جهانی دنباله آن گرفته نشد. اگر جنگ و عواقب اسف بار متأثر از آن پیش نیامده بود، بدون تردید دنباله برنامه های سازندگی آن ایام گرفته می شد و در نتیجه ماهیگیری ایران در این مناطق امروزه به کلی شکل دیگری داشت.

در پایان سال ۱۳۲۸ بار دیگر بنا بر دعوت ایران، کارشناس دانمارکی دیگری بنام پترسن E. Peterson به منظور بررسی و امکان توسعه صنعت ماهیگیری جنوب به ایران آمد و از ۲۰ اسفند ۱۳۲۸ تا ۲۹ خرداد ۱۳۲۹، ضمن بازدید از مراکز مهم جنوب و مراکز عمده مصرف ماهی در داخل کشور لزوم توجه به این منبع مهم ثروت و درآمد کشور را گوشزد نمود. البته نباید از نظر دور داشت که در این سالها توسعه صنعت نفت در کرانه های جنوبی سبب کشش و جذب عده ای از طبقه جوان و فعال ایرانی مقیم جنوب به آن سوی خلیج فارس شده بود. عده قابل ملاحظه از این مهاجرین پیش از ترک وطن دست اندر کار ماهیگیری بودند. با وجود همه عوامل نامساعد و کم توجهی مقامات ایرانی به امور مربوط به شیلات جنوب، صیادان در حد توانایی شان توانستند حرفه صیادی را زنده نگاه دارند. (۳)

(۲) - ایجاد شرکت مختلط ماهیگیری خلیج فارس

در دهه ۱۳۳۰ گسترش ماهیگیری در جنوب مورد توجه دولت قرار گرفت. سازمان برنامه یک شرکت ماهیگیری ژاپنی به نام "شرکت توسعه ماهیگیری جنوب" را مأمور مطالعاتی در بابباره ماهیگیری کرد. نتیجه تحقیقاتی که شرکت ژاپنی در سالهای ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۵ انجام داد، در واقع تائید توصیه هائی بود که قبلاً در گزارشات بلگواد و پترسن عنوان شده بود: انواع ماهیان بحد وفور در خلیج فارس و دریای عمان وجود دارد و بسیار به جا است که ایران با تدارک مقدمات و فراهم کردن وسائل و تجهیزات لازم ماهیگیری صنعتی را در جنوب کشور به راه اندازد.

سازمان برنامه با توجه به این گزارشها و توصیه و تشویق کار شناسان ژاپنی به کار ماهیگیری علاقمند شد و با تشریح مساعی با شرکت ژاپنی، شرکت مختلطی بنام "شرکت ماهیگیری خلیج فارس" با سرمایه اولیه ۳۰ میلیون ریال تشکیل داد. دو سوم سهام این شرکت متعلق به سازمان برنامه و بقیه متعلق بژاپنیها بود و قرار بود سرمایه شرکت ظرف ۶ سال تا ۹۰ میلیون ریال افزایش یابد. اساسنامه شرکت مختلط به ثبت رسید و مرکز شرکت در آبادان تعیین گردید. هیئت مدیره شرکت پنج عضو داشت که سه نفر آنان از طرف سازمان برنامه و دوفنر از طرف ژاپنی ها بودند. با آن که سازمان برنامه شریک اصلی بود ولی ایجاد این شرکت با برنامه ریزی درستی انجام نگرفته بود و به همین علت از همان ابتدا با مشکلاتی برخورد. کشتی ماهیگیری استیجاری با ماهیهای صید شده به بندر رسید در حالی که سردخانه ای برای نگاهداری ماهی وجود نداشت. ناچار یک سردخانه قدیمی را که متفقین در طول جنگ دوم برای رفع نیاز خود در خرمشهر ساخته بودند و در پایان جنگ بلا مصرف مانده و در اختیار گمرک خرمشهر بود، تعمیر شد و به سرعت تعمیر کرده، مورد استفاده قرار گرفت.

مشکل عمده مانع شروع کار اصلی شرکت، نبود سردخانه با ظرفیت بالا و اسکله های کافی بود. سازمان برنامه موفق نشده بود در خرمشهر زمین وسیعی را که برای ایجاد سردخانه و بارانداز و اسکله های متصل بدان مناسب باشد فراهم کند و از طرف دیگر شرکت ژاپنی هم نتوانسته بود به سهم خود اعتبار لازم برای خرید سردخانه با ظرفیت مورد نظری را که قرار بود از ژاپن خریداری کنند، تامین نماید و در نتیجه بعلت فراهم نشدن زیر بناهای ضروری، شرکت نمیتوانست کار اصلی خود را شروع کند.

سازمان برنامه برای تشویق مردم به خرید و مصرف ماهی از راه تبلیغ و ارزان کردن نرخ فروش ماهی کوشش فراوانی به کار برد و این اقدام البته در شناساندن ماهی جنوب به مصرف کنندگان اثر مفیدی داشت. مشکل دیگر نا آشنایی بسیاری از هموطنان با انواع ماهیان جنوب بود که از سالها پیش برخی از متعصبین مذهب شیعه تعدادی از این ماهیان را فاقد فلس و در نتیجه حرام دانسته بودند و هنوز هم این شک و تردید وجود داشت. (۴)

ژاپنیها سرانجام در ۱۵ دی ماه ۱۳۳۶ سهام خود را بسازمان برنامه فروختند و شرکت ماهیگیری خلیج فارس بعد از کنار رفتن شرکای ژاپنی تصمیم گرفت بفعالیت ماهیگیری ادامه دهد و بدین منظور کشتی ماهیگیری ۵۶۰ تنی ژاپنیها را اجاره

کرد و سه نفر از ژاپنیها را به عنوان مدیر فنی و کارمند فنی و متصدی انبار سردخانه استخدام کرد و به فعالیت ماهیگیری ادامه داد. ژاپنیها تا اواسط خرداد ۱۳۳۸، طی دو دوره بهره برداری در حدود ۱۵۰۰ تن ماهی صید شده به شرکت ماهیگیری خلیج فارس تحویل دادند. قسمتی از این ماهیها بقیمتی ارزان در اختیار مصرف کنندگان اهالی جنوب قرار گرفت ولی به علت نبود سردخانه و نداشتن برنامه ای برای توزیع، مقادیر عمده ای از ماهیها در معرض فاسد شدن بود. ناچار تصمیم گرفتند این ماهیها را مجاناً بین مردم بی بضاعت منطقه تقسیم کنند. فعالیت شرکت به علت بروز اختلاف با ژاپنیها چندی متوقف شد و بار در اواسط سال ۱۳۳۹ اجاره کشتی تجدید شد و بار دیگر ژاپنیها مقادیری ماهی صید کرده تحویل دادند. سازمان برنامه در این اوان سردخانه ای در خرمشهر بظرفیت ۲۰۰ تن خریداری کرده مورد استفاده قرار داد و بودلی مجدداً به علت بروز اختلاف با ژاپنیها و مشکلات دیگر فعالیت شرکت متوقف شد و بالاخره سازمان برنامه ناچار گردید با تحمل خسارات قابل ملاحظه ای فعالیت ماهیگیری را متوقف کند. سرانجام سازمان برنامه بنا بر توصیه وزارت دارایی تصمیم گرفت شرکت ماهیگیری خلیج فارس و تاسیسات آن را به شرکت سهامی شیلات ایران واگذار کند و بر طبق تصویب نامه ای که در شهریور سال ۱۳۴۰ به تصویب هیئت وزیران رسید، این انتقال قطعیت یافت. دارایی سازمان برنامه از تمام سرمایه گذاریهایی که در کار ماهیگیری جنوب کرده بود، تنها یک سردخانه با ظرفیت متوسط در خرمشهر بود. (۵)

(۳) - فعالیت شرکت کویتی برای صید میگو

در آغاز مأموریت نگارنده در شیلات، یک شرکت ماهیگیری خصوصی کویتی طبق قراردادی که با دولت ایران داشت، مشغول صید ماهی میگو در منطقه مشخصی از آبهای جنوبی خلیج فارس بود. شرکت مزبور یک موسسه خصوصی متعلق به شیخ صباح الاحمد وزیر خارجه وقت کویتی بود که در حال حاضر امیر دولت کویت است.

مدیر عامل این شرکت دکتر خلیل عثمان سودانی در بدو شروع بکارم در شیلات بیدارم آمده، دعوت نمود از مرکز فعالیت شرکت در کویت دیدن کنم. این دعوت را با اشتیاق پذیرفتم و به کویت رفتم. شرکت کویتی برای انجام عملیات صیادی ناوگان صیادی مجهزی مرکب از چند فروند شناور کوچک و بزرگ که همه به سیستم برودتی مجهز بودند تدارک دیده بود. (۷) میگوهای صید شده در انبارهای مجهز شناور هانگاهداری میشد و طبقه بندی و انجماد و بسته بندی در مرکز عملیات شرکت در ساحل کویت انجام میگرفت و میگودر بسته بندیهای بسیار جالب برای حمل و توزیع در بازارهای اروپا و امریکا آماده می شد. میگوی محصول خلیج فارس در این کشورها شهرت بسیار خوبی داشت.

دیدار از کویت فرصت مغتنمی بود که از نزدیک با صنعت صید و صادرات میگو آشنا شوم و به هنگام بازگشت از این دوروزه، وقتی که پیش خود آن چه را که در آن جا مشاهده کرده با آن چه در ایران می دیدم مقایسه می کردم، با تأسف این سؤال برایم پیش آمده بود که چرا کشور ما با همه امکاناتی که دارد، تا کنون موفق نشده سروسامانی به وضع ماهیگیری بدهد و خود را از خدمت موسسات خارجی بی نیاز سازد. عزم راسخ داشتم در دوران خدمتم در شیلات قدمهایی در راه بهبود

وضع بردارم . اولویتها یی که در آن موقع به نظرم میرسید موتوریزه کردن شناورهای بومی صیادان در درجه اول و تجهیز قایق های صیادان به سیستم بروندی در مرحله بعدی بود.

(۴)-تاسیس شرکت سهامی شیلات جنوب ایران

در دهه چهل بار دیگر بهبود وضع و آبادانی بنادر جزایرو مناطق جنوبی کشور طرف توجه هیئت دولت قرار گرفت و چون اجرای هر برنامه برای آبادانی جنوب با توسعه ماهیگیری ملازمه داشت و هنوز هم دارد، دولت بار دیگر به فکر سرمایه گذاری در رشته ماهیگیری افتاد و شرکتی به نام "شرکت سهامی شیلات جنوب ایران" تاسیس کرد. سرمایه شرکت مبلغ پانصد ملیون بود که به ۲۵۰۰۰ سهم ۲۰۰۰۰ ریالی بین سازمانهای دولتی و موسسات وابسته به شرح زیر تقسیم شده بود:

- (۱)- وزارت دارایی ۵۰۰۰ سهم
- (۲)- بانگ تعاون کشاورزی ایران ۱۲۵۰ سهم
- (۳)- سازمان تعاون مصرف کادر نیروهای مسلح شاهنشاهی ۹۷۵۰ سهم
- (۴)- جمعیت شیرو خورشید سرخ ایران ۹۰۰۰ سهم

شرکت شیلات جنوب ایران در تاریخ ۱۵ خرداد ماه ۱۳۴۲ رسماً افتتاح و شروع بکار کرد. شرکت بر طبق قوانین جاری به ثبت رسیده و مدیریت آن به یک هیئت سه نفری (رئیس هیئت مدیره و دونفر مدیر) محول شده بود. مدیر عامل و اعضای هیئت مدیره را صاحبان سهام انتخاب می کردند . اما از بدو تاسیس، عملاً سرلشگر (سپهبد بعدی) دکتر عبدالکریم ایادی، پزشک مخصوص شاه، امور شرکت را در دست خود گرفته بود و مدیر عامل انتخابی از طرف مجمع عمومی در واقع رئیس دفتر و مجری دستورات او بود. مداخله دکتر ایادی در اداره شرکت شیلات جنوب به خاطر آن بود که اتکا(اداره تدارکات نیروهای مسلح شاهنشاهی) عمده ترین سهامدار شرکت شیلات جنوب بود و اتکا زیر نظر دکتر ایادی قرار داشت. (۸)

یی نویسهای بخش دهم

Blegvad and B. Loppenthin: Fish in Iranian Gulf. Copenhagen, 1942 (۱)

(۲)- نام تعدادی از شناخته ترین ماهیانی که در جنوب برای خوراک مورد استفاده قرار دارد بشرح زیر است: میگو - هامور - سرخو - قباد(شیرماهی) دختر ناخدا - شوریده - تن - ساردین - حلوا - راشکو

(۳)- جهانگیر گیاهی سراوانی، پژوهشگر موسسه دهقانی و روستایی ایران وابسته به وزارت کشاورزی و عمران روستایی در مرداد ۱۳۵۸ درباره ماهیگیری در سه منطقه از بلوچستان در کرانه های دریای عمان پژوهشی انجام داده است. این پژوهش تحت عنوان "اوضاع ماهیگیری چابهار، کنارک و طبس" از طرف وزارت دارایی و عمران روستایی چاپ شده است. این نشریه در ۶۶ صفحه همراه با عکس اطلاعات سودمندی راجع به ماهیگیری و ماهیگیران در این مناطق به دست میدهد و الگوی تمام عیاری از وضع زندگی ماهی گیران در جزایر و کرانه های بسیاری از مناطق خلیج فارس و دریای عمان است.

(۴)- در پاسخ پرسشی که در پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله مکارم شیرازی بدین مضمون مطرح شده "لطفاً در مورد خوردن ماهی شیر و قباد که در شیراز به فروش می رسد و ما فلسی روی آن ندیده ایم، اعلام نظر فرمایید" چنین جواب داده شده است: " خوردن ماهی که فلس ندارد حرام است ولی معروف است که ماهی شیر و قباد فلس دارد و فلس آنها ظریف است و ای بسا که در دام می ریزد". همچنین شخص دیگری از راه دوری نوشته: "من در کانادا زندگی می کنم. اولاً می خواستم بدانم آیا می توانم همه ماهی های فلسدار را بخورم با آن که نحوه مردن آنها مشخص نیست. ثانیاً کدام یک از حیوانات دریایی حلال و کدام یک حرامند." چنین پاسخ داده است: " ماهیهای فلسدار عموماً حلال هستند مگر آن که در آب مرده باشند. از حیوانات دریا فقط دو چیز حلال است: ماهی فلسدار و میگو." به نقل از: WWW.makaremshirazi.org/persian

بخش یازدهم

فعالیت شرکت سهامی شیلات ایران در آبهای جنوب

شرکت سهامی شیلات ایران همزمان با ملی شدن شیلات و به منظور بهره برداری از منابع ماهی دریای خزر به وجود آمده بود و سازمان و تشکیلاتش طبعاً برای اداره ماهیگیری در این دریا و مدیریت صنعت خاویار طراحی شده بود. شرکت شیلات ایران در آن ایام تنها موسسه تخصصی دولت در کار ماهیگیری در آبهای کشور بود. وزارت دارایی مدیریت کارخانه کنسرو بندرعباس را که از بدو تاسیس چندین بار در وزارتخانه ها و سازمانهای دولتی دست بدست شده بود، به شرکت سهامی شیلات ایران سپرد. پس از آن سازمان برنامه، متعاقب عدم موفقیت در مشارکت با ژاپنیها و پس از آن که شرکت فعالیت ماهیگیری خلیج فارس را متوقف کرده بود، امور شرکت منحل و ابوابجمعی آن را به شرکت شیلات ایران واگذاشت. شرکت کویتی ماهیگیری خلیج نیز بر اساس قراردادی که با شرکت شیلات ایران امضا کرده بود، به صید میگو اشتغال داشت.

در آغاز خدمت در شیلات، در اولین فرصتی که به دست آمد، برای رسیدگی به وضع شیلات در جنوب به بندر عباس رفتم. شیلات در دو سوی خلیج فارس در خرمشهر و بندر عباس دو پایگاه داشت. خرمشهر به خاطر مرکزیتهای که برای توزیع ماهی جنوب به داخل کشور اهمیت داشت، اما سفر به بندرعباس ضروری تر بنظرم رسید.

در طول سفر راجع به ماهیگیری در دریاها و شمال و جنوب کشور می اندیشیدم. از یک طرف دریای خزر با ذخایر محدود اما بسیار پر ارزشش در نظرم مجسم بود که در معرض مخاطره قرار گرفته، از طرف دیگر کرانه های خلیج فارس و دریای عمان را از پنجره هواپیما در زیر پای خود می دیدم که کران تا کران ذخایر حیوانی فراوانی را برای استفاده به کشور

ما عرضه داشته است. در دنباله همین رشته افکار باخود می اندیشیدم حال که دولت در تدارک اعمال محدودیت صید در شمال کشور است، باید ماهیگیری جنوب را سریعاً گسترش دهد. نخست وزیر در روزی که مرا در راس شیلات می گمارد، تاکید کرده بود که بهبود وضع ماهیگیری در جنوب مورد توجه مخصوص دولت است و حقا انتظاراتی داشت. اعتقاد داشتم گسترش فعالیت ماهیگیری در جنوب نه تنها سبب افزایش اشتغال و بهبود وضع زندگی ماهیگیران کم بضاعت این مناطق می گردد، بلکه باعث می شود ماهی جنوب به بازارهای وسیع داخلی مصرف راه پیدا کند. اجرای چنین برنامه ای هم به بهبود وضع تغذیه عمومی کمک خواهد کرد و هم از فشار بیش از حد به ذخایر ماهی سفید دریای خزر خواهد کاست.

(۱) - مذاکره با ماهیگیران بندر عباس

و برنامه خرید ماهی

در اولین روز ورود به بندر عباس به علت بارندگی شدید امکان رفتن به دریا میسر نشد و پس از بازدید از کارخانه، همراه با مهندس صنعتی رئیس کارخانه، برای دیدار و مذاکره باصیادان، به راسته ماهی فروشان در بازار بندر عباس رفتیم و در یک دکان محقر ماهی فروشی با جمعی از ماهیگیران به گفتگو نشستیم. آنان از وضع موجود شکایت داشتند و می گفتند اگر به خاطر عرق وطن نبود، آنها هم مانند همشهریان خود برای امرار معاش به آن سوی خلیج فارس رفته بودند.

برای ماهیگیران کلی صحبت کردم و توضیح دادم که دولت به مشکلات آنان واقف است و برای بهبود وضع معیشتی آنان برنامه هایی در دست بررسی دارد و گفتم برای کمک به ماهیگیران در شمال و جنوب کشور، در نظر داریم شرکتهای تعاونی صید ایجاد کنیم و هم اکنون مقدمات اجرای این برنامه در شمال آماده شده و در بعضی از مناطق شرکتهای تعاونی کارشان را شروع کرده اند و در جنوب هم امیدواریم این طرح بزودی عملی گردد. به علاوه گفتم هم اکنون طبق برنامه در دست بررسی در نظر است موتورهای متناسب با آب و هوای منطقه خلیج فارس خریداری شود و آنها را برای نصب روی قایق های بومی در اختیار ماهیگیران بگذاریم تا بتوانند با اطمینان بیشتر برای صید به فاصله های دور تری از ساحل بروند. برای توسعه بازار فروش محصولات هم گفتم مشغول بررسی هستیم و بالاخره اظهار امیدواری کردم که این برنامه ها هرچه زودتر به مرحله اجرا در آید و صیادان خودشان نتیجه اقدامات شیلات را به چشم به بینند.

مطالبی را که بدین مضمون در دیدار و گفتگو با صیادان بندر عباس بیان می کردم به قصد تبلیغ و یا از سر باز کردن و یا خودستایی نبود. واقعا بدان چه می گفتم اعتقاد داشتم و قبلا بررسی هایی نموده و طرحهایی آماده کرده بودم و یا در دست تهیه داشتم.

ماهیگیران که با بی اعتقادی آشکاری به حرفهایم گوش می کردند، با صراحت گفتند ما سالها است از این وعده ها زیاد شنیده ایم ولی عملا چیزی ندیده ایم. خلاصه تقاضای صیادان در یک جمله خلاصه می شد: اگر دولت می خواهد واقعا به ماهیگیران کمک کند اولین قدمی که باید بردارد، خرید ماهی از آنان است. ماهیگیران حاضرند ماهیهای تازه از آب گرفته شده را از قرار هر کیلو ۲ ریال به شیلات بفروشند.

تقاضای صیادان زیادی خواهانه نبود ولی انجام آن خارج از برنامه های عادی کار خانه بندر عباس بود. سردخانه ها و شورخانه های کارخانه ظرفیت محدودی در حد نیاز خود داشت. خرید ماهی از صیادان، که انتظار می رفت به میزان قابل ملاحظه ای عرضه کنند، و طبعاً میبایستی منجمد و آماده حمل شود، بار سنگینی بر برنامه عادی کارخانه اضافه می کرد. کاری مشکل ولی غیر ممکن نبود. اما به هر حال نمیتوانستم به این تقاضای ساده صیادان فوری جواب منفی بدهم. از این رو تصمیم گرفتم به پیشنهاد آنان جواب مساعدی بدهم و فی المجلس اظهار کردم شیلات تقاضای شمارا می پذیرد و همان جا به مهندس صنعتی رو کرده و گفتم از فردا صبح ماهیهای تازه ای را که ماهیگیران برای فروش به شیلات عرضه کنند تحویل بگیرید و از قرار هر کیلو ۳ ریال (حتی یک ریال بیشتر از آن چه آنها می خواستند) وجه آن را نقدا بپردازید. آن گاه خطاب به ماهیگیران هم گفتم امیدوارم بدین ترتیب مشکل شما برای فروش ماهی حل گردد. جلسه با دعا گوئی چند نفر از صیادان و ادامه غرولند تعدادی دیگر، به پایان رسید و موقعی که با آنان خداحافظی می کردم، به وضوح در قیافه بسیاری از آنان این احساس را می خواندم آن چه را که شنیده بودند باور نداشتند.

البته همان موقع متوجه بودم که اجرای برنامه خرید ماهی کار چندان آسانی نیست. سردخانه دیگری در آن تاریخ در بندر عباس وجود نداشت که بتوان ماهی خریداری شده را برای مدتی انبار کرد و در نتیجه ضرورت داشت همزمان با خرید ماهی، برنامه ای هم برای ارسال مرتب آن به خارج از بندر عباس تهیه شود. مهندس صنعتی که مأموری بسیار فعال و وظیفه شناس بود مرا برای عملی کردن این برنامه تشویق کرد و قول داد با تمام امکانات موجود در این راه کوشش کند و انصافاً این کار رابه نحو احسن انجام داد. اوچند روز بعد تلفناً به تهران گزارش کرد خرید و انجماد ماهی آغاز شده، اولین محموله به زودی برای ارسال به مرکز از طریق خرّمشهر آماده می گردد.

از آنجا که در آن ایام وسایل حمل و نقل زمینی مجهز به سیستم برودتی بسیار محدود بود و راه جدید ارتباط زمینی بین بندر عباس و تهران هنوز در دست ساختن بود، مناسب ترین راه ارسال فرآورده ای فاسد شدنی مثل ماهی آن بود که با استفاده از وسایل حمل و نقل دریایی (که مجهز به دستگاه سرد سازی بودند) ماهی را به خرّمشهر فرستاد، سپس از آن جا از طریق راه آهن سراسری به تهران حمل کرد. از همین طریق بود که یکی دو موسسه خصوصی هم اخیراً شروع به خرید ماهی جنوب و ارسال آن به تهران و بعضی از شهرستانها کرده بودند. متصدیان شیلات در بندر عباس هم در نظر داشتند از همین راه اقدام کنند. اما چون بازار مصرف در پایتخت در آن روزها با کمبود عرضه گوشت و ماهی مواجه بود و رسانیدن هر چه زودتر ماهی از بندر عباس به تهران کمکی موثر و به موقع بود، از این رو به فکر افتادم در آغاز کار و برای حمل اولین محموله ماهی به تهران اضطراراً از هواپیما های باربری نیروی هوایی استفاده کنیم. هواپیما ها مجهز به سردخانه نبودند ولی می توانستند ظرف چند ساعت پرواز ماهی منجمد رابه فرودگاه تهران برسانند و از آنجا وسیله کامیونهای سردخانه دار شیلات سریعاً به مراکز توزیع فرستاده می شد.

این تقاضا از طریق دفتر مخصوص به عرض رسید و از پادشاه اجازه استفاده از هواپیماهای باربری نیروی هوایی تقاضا گردید که بلافاصله دستور اقدام فوری صادر شد. با ایجاد یک پل هوایی بین بندر عباس و فرودگاه مهرآباد ماهی بندر عباس

به تهران رسید و سریعاً توزیع گردید. من خود به هنگام توزیع در یکی از این مراکز حضور داشتم و دیدم ماهیها که هنوز به صورت نیمه منجمد بود، با چه استقبالی از طرف مصرف کنندگان روبرو شد.

(۲) توزیع ماهی جنوب در بازار

تهران و نرخ خرده فروشی

در یائیز ۱۳۴۳ ماهی سفید شمال بسیار کمیاب و بهای خرده فروشی آن فوق العاده گران شده بود و به همین علت ماهی جنوب که تدریجاً به بازار تهران راه یافته بود، به میزان بیشتری عرضه می شد. شرکت شیلات جنوب ایران هم، به همراه بعضی از موسسات خصوصی، ماهی جنوب را در خرمشهر خریداری کرده و در پایتخت توزیع می نمود.

شهرداری تهران طبق معمول همه ساله برای خرده فروشی بعضی از ارقام مواد غذایی مورد نیاز عموم نرخ تعیین می کرد و فروشندگان موظف به رعایت نرخ ها بودند. در جلسه ای که شهرداری تهران برای تعیین بهای خرده فروشی ماهی جنوب ترتیب داده بود ضیاءالدین شادمان شهردار پایتخت از نگارنده نیز دعوت نمود که در این جلسه حضور یابم. شهرداری بار رعایت ضوابطی که داشت، بهای خرده فروشی انواع ماهیان جنوب را از قرار هر کیلو ۲۷ ریال تعیین کرد و برای اطلاع عموم در جرائد منتشر نمود.

فردای آن روز دکتر ایادی، به دفترم تلفن کرده معترض بود چرا او را برای شرکت در جلسه شهرداری دعوت ننموده ام و اظهار می کرد نرخ تعیین شده برای شیلات جنوب زیان آور است. پاسخ دادم جلسه را شهردار تهران تشکیل داده و بر اساس ضوابط مشخصی که دارند، این نرخ را تعیین کرده اند و من در تعیین این نرخ هیچ دخالتی نداشتم و خوبست با شهردار صحبت کند و گفتم ولی به نظرم نرخ تعیین شده نرخی عادلانه است. دکتر ایادی توضیح داد بهایی که شیلات جنوب برای خرید هر کیلو ماهی به فروشندگان در خرمشهر می پردازد به اضافه هزینه های انجماد و بسته بندی و حمل جمعاً از ۲۷ ریال بیشتر می شود. در جواب گفتم آیا فکر نمی کنید بهتر باشد، شیلات جنوب به جای آن که ماهی را از فروشندگان دست دوم و یا سومی در خرمشهر بخرد - با امکاناتی که دارد به مراکز دورتری در خلیج فارس برود و در آنجا از ماهیگیران حرفه ای که ماهی را کیلویی ۲ ریال و در بسیاری از اوقات کمتر از آن می فروشند، ماهی مورد نیاز را خریداری کند که هم به ماهیگیران مستقیماً کمی بشود و هم به مصرف کنندگان تحمیلی وارد نیاید و در نتیجه این اقدام سود قابل ملاحظه ای که به جیب واسطه هایی مانند پور مرقی و امثال او می رود، عاید شرکت شما بشود. دکتر ایادی با اوقات تلخی گفت شیلات جنوب خودش خوب می داند چه باید بکند و ماهی را از کی و از کجا بخرد. گفت من به عرض اعلیحضرت رسانیده ام که شیلات شمال قصد دارد شیلات جنوب را ورشکسته کند ولی من نمی گذارم و جلوی این کار را می گیرم و نرخ شهرداری را هم ابداً قبول ندارم و تلفن را قطع کرد. این عین اظهارات دکتر ایادی است که بدون کم و کاستی عیناً نقل گردید.

واضح است که ادعای دکنتر ایادی تاچه اندازه نادرست و و غیر منطقی بود. چرا می خواستم و چگونه می توانستم شیلات جنوب را ورشکسته کنم؟ واقعیت امر که خیلی هم زود و کمتر از دو هفته بعد از آن روشن شد آن بود که دکنتر ایادی از چندی پیش مشغول مقدمه چینی و جلب توجه شاه برای دست اندازی انحصاری به امور ماهیگیری جنوب کشور بود و در اجرای مقصودش به طوری که در صفحات بعدی کتاب خواهیم دید، کاملاً موفق گردید.

در خصوص بهای فروش ماهی جنوب در پایتخت گفتنی است که شرکت شیلات جنوب در پائیز سال ۱۳۴۳ با استفاده از کامیون های ارتش که مجاناً در اختیار داشت و با کمک سربازانی که در شیلات به خدمت گرفته بود، چند فروشگاه سیار در مراکز پرجمعیت تهران برای فروش ماهی جنوب دایر کرده بود و بدون رعایت نرخ شهرداری که کیلویی ۲۷ ریال تعیین کرده بود، ماهی را از قرار هر کیلوگرم ۳۷ ریال می فروخت، در حالی که سایر موزعین ناچار بودند نرخ تعیین شده را کاملاً رعایت می کردند. و هیچ مقامی هم نبود که از سر پیچی این شرکت دولتی از مقررات جاری مملکت باز خواستی بکند.

بخش دوازدهم

واگذاری ماهیگیری جنوب به

شرکت شیلات جنوب ایران

پس از مراجعت از سفر به بندر عباس که شرح آن در بخش پیشین نقل گردید، به دیدار منصور نخست وزیر رفتم و شرح این سفر و نتایج حاصل از آن را مشروحا گزارش نمودم و با صراحت گفتم ماهیگیران جنوب از شنیدن وعده های مکرری که راجع به بهبود وضع ماهیگیری و کمک به ماهیگیران از مسئولین شنیده اند واقعا خسته شده اند و حالا واقعا وقت آن رسیده که دولت عملا اقدامی انجام دهد. در این جلسه حاصل اطلاعات و تجربیاتی که در دوران خدمت در شیلات شمال و جنوب به دست آورده بودم به اطلاع نخست رسانیدم و نارسائیهای موجود را با صراحت بر شمردم. بهبود ماهیگیری در جنوب نیازمند تجدید نظری بنیادین در سیستم ماهیگیری و موسسات موجود و مشخص کردن سیاستی طویل المدت و روشن است. ماهیگیری اصولا کار دولت نیست و شرکتهای دولتی در چند سال گذشته در عمل نشان داده اند که در امور ماهیگیری کارآمد نیستند. نقش دولت در کار ماهیگیری بهتر است نقش ارشادی باشد. به نظر من باید ماهیگیری جنوب را به دست بخش خصوصی سپارید و با راهنمایی و پشتیبانی از ماهیگیران و با دادن کمک های لازم به آنان عملا موجبات گسترش این صنعت را به دست خود صیادان فراهم آورد. شرکت دولتی شیلات جنوب، که هدف از ایجاد آن کمک به ماهیگیران بی بضاعت جنوب و بهبود وضع اقتصادی کشور بوده، تا کنون که نزدیک به دو سال از تاریخ تاسیس آن می گذرد، کمترین قدمی در راه اجرای وصول بدین هدف ها برنداشته و برنامه مشخصی هم برای آینده ارائه نکرده است. شرکت شیلات ایران با کمبود کادر و برنامه مهم حفاظت از ذخایر که به تازگی آغاز کرده، تصور نمی کنم بتواند نقش سازنده ای برای بهبود وضع ماهیگیری در جنوب بر عهده بگیرد. خلاصه پیشنهادم به نخست وزیر به اختصار آن بود که یک سازمان مرکزی مجهز دولتی برای برنامه ریزی در امور ماهیگیری و نظارت بر اجرای آن در سطح کشور ایجاد شود. اشخاص باتجربه ای به کار گرفته شود و با کمک

گرفتن از کارشناسان و موسسات بین المللی مثل سازمان خواروبار جهانی (FAO) کوشش شود ماهیگیری جنوب را سروسامان داد.

نخست وزیر اصولاً با این نظر موافق بود و ضمن تأیید فوریت این بررسی مقرر داشت جلسه ای با شرکت وزیر اقتصاد (علینقی عالیخانی) و وزیر کشاورزی (سپهبد اسمعیل ریاحی) و مدیر عامل سازمان برنامه و بودجه (صفی اصفیا) و نگارنده برای رسیدگی به مسئله ماهیگیری تشکیل شود و با شور و بررسی لازم گزارشی برای طرح در شورایی عالی اقتصاد (۱) تهیه گردد.

جلسه مشورتی مورد نظرها حضور سه نفر از وزیران تشکیل گردید و نگارنده در اطراف گزارشی که به نخست وزیر داده بودم، توضیحاتی دادم. هر سه نفر پیشنهادی را که برای بهبود وضع ماهیگیری کشور تهیه کرده بودم تأیید کردند و به نگارنده توصیه نمودند هر چه زودتر خطوط کلی این طرح را - که بدان موقتاً "طرح سازمان ماهی ایران" نام داده بودیم - برای شور و بررسی در شورای عالی اقتصاد تهیه کنم.

طرح سازمان ماهی ایران سریعاً تهیه شد و در دستور کار اولین چهارشنبه ماه دی ۱۳۴۳ شورای عالی اقتصاد قرار گرفت. علاوه بر اعضای دائمی شورا، دکتر عبدالکریم ایادی هم در جلسه شرکت داشت. حضور وی به خاطر آن بود که اتکا (اداره تدارکات ارتش) سهامدار عمده شرکت شیلات جنوب، زیر نظر او قرار داشت. (۲)

جلسه مزبور با پرسش شاه از نخست وزیر آغاز شد. اعلیحضرت از منصور پرسیدند "چرا شیلات شمال (۳) در کار ماهیگیری جنوب مداخله می کند؟" حسنعلی منصور اجازه خواست جواد منصور وزیر مشاور گزارشی به عرض برساند. سپس جواد منصور توضیحاتی معروض داشت ولی به نظر نمی رسید که گزارش او شاه را چندان راضی کرده باشد. پس از جواد منصور نگارنده اجازه صحبت خواستم و به اختصار به عرض رسانیدم خدماتی که شرکت شیلات ایران در کار ماهیگیری در جنوب انجام می دهد بر اساس وظایفی است که بر ابرقوانین جاری کشور که به توشیح ملوکانه رسیده، به این شرکت محول شده و توضیحاتی در این باب دادم و گفتم در اجرای همین وظایف است که اخیراً شرکت شیلات ایران در بندر عباس اقدام به خرید ماهی از ماهیگیران و توزیع آن در پایتخت کرده و این خدمت با استقبال فراوان ماهیگیران جنوب و مصرف کنندگان مردم پایتخت مواجه شده است.

پس از گزارش این جانب دکتر ایادی اجازه صحبت خواست و به هنگام بیان مطلب از پشت میز کنفرانس بلند شد و هم چنان ایستاده به حال خیردار نظامی (۴) - از آمادگی شیلات جنوب برای مدیریت امور ماهیگیری در جنوب به تفصیل سخن گفت و در انتقاد از اقدام شیلات شمال در امر توزیع ماهی جنوب در شهر تهران، بدون آنکه توضیحی بدهد گفت این کار از لحاظ بهداشتی صحیح نبوده است. انتقاد دکتر ایادی آشکارا مغرضانه بود و طبعاً جای جوابگویی داشت ولی هیچ مجالی برای این کار پیش نیامد زیرا شاه بلافاصله در پایان اظهارات دکتر ایادی به نخست وزیر رو کرده و بدون مقدمه گفتند: برای امور ماهیگیری دو شرکت درست کنید یکی مسئول کار ماهیگیری در شمال کشور باشد و دیگری به امور ماهی گیری در جنوب برسد.

در طول مذاکرات این جلسه و تا پایان آن نخست وزیر و همه وزیران حاضر در جلسه سکوت کامل اختیار کرده، هیچ اظهار نظری نکردند. نویسنده که از سایر حضار کم تجربه تر بودم، به درستی استنباط نکرده بودم با نحوه پرسش شاه از نخست وزیر در آغاز جلسه، در واقع عملاً طرح سازمان ماهی ایران را از دستور مذاکره خارج کرده است. از اینرو مجدداً اجازه صحبت خواسته و گفتم اگر اجازه فرمایند راجع به خطوط کلی گزارشی که در باره سازمان ماهی ایران تهیه شده مطالبی به اختصار به عرض برسانم. شاه گفتند خیر فعلاً لازم نیست بماند برای بعد. سپس به نخست وزیر رو کرده و قاطعانه گفتند همانطور که دستور دادیم دو شرکت جداگانه یکی در شمال و دیگری در جنوب به کار ماهیگیری برسند و هیچکدام از شرکتها حق ندارند در کار دیگری مداخله بکنند و اگر مداخله کنند، تنبیه می شوند و بعد هم جلسه را ترک کردند.

امریه شاه بسیار قاطع بود و به نظر نمی رسید این تصمیم را صرفاً در نتیجه گیری از مذاکرات در همان جلسه اتخاذ کرده باشند. یقین بود که شاه تحت تاثیر خواسته دکتر ایادی و زمینه سازیهای قبلی او، پیش از حضور در جلسه تصمیم قطعی گرفته بود. در گفتگو هایی که پیش از جلسه با بعضی از اعضای شورا داشتم، اکثراً از مداخلات دکتر ایادی در کار ماهیگیری و برخی امور دیگر به نوعی ابراز عدم رضایت داشتند و احتمالاً در باره امریه ای که شاه به نخست وزیر ابلاغ کرد، هیچ اطلاع قبلی نداشتند و غافلگیر شده بودند.

خاطره دیگری که از آن جلسه به یاد دارم برخوردی است که در پایان جلسه دکتر ایادی بانگازنده داشت. در موقعی که در سرسرای کاخ هردو مشغول پالتو پوشیدن بودیم او مرا شماتت کرد چرا بعد از آن که اعلیحضرت او امری صادر فرمودند دوباره حرف زده ام و با لحنی که سعی داشت دوستانه باشد گفت من همان کسی هستم که دماغ عبدالحسین بهنیا وزیر دارائی را با آن قدرتی که داشت به خاک مالاندم. (۵)

دو یا سه روز پس از این جلسه، پیش نویس تصویب نامه ای را که تهیه شده بود، برای امضا به دفتر وزیر دارائی بردم. بر اساس این طرح که با نظر امراله مبصر، مشاور حقوقی شیلات تهیه شده بود این بود که هیئت وزیران در جلسه مورخ تصویب نمودند امور بهره برداری از منابع ماهی در خلیج فارس و دریای عمان از شرکت سهامی شیلات ایران منتزع گردد و به شرکت سهامی شیلات جنوب ایران واگذار شود. امیرعباس هویدا پس از قرائت پیش نویس نگاهی به من کرده و گفت خودت در جلسه دیدی که اعلیحضرت چقدر عصبانی شده بودند، هر چه زودتر شیلات جنوب را تحویل بده و بقیه کارها را بگذار برای بعد.

در اجرای امریه شاه و دستور وزیر دارائی، تمامی پرونده های ماهیگیری جنوب به شرکت شیلات جنوب تحویل داده شد. ماموران شیلات جنوب در همان موقع کارخانه های بندرعباس و سردخانه خرمشهر، ابواب جمعی شیلات ایران در جنوب را تحویل گرفته بودند. بدین ترتیب این واگذاری در اواخر دی ماه ۱۳۴۳ یعنی کمتر از ۳ ماه پس از شروع

خدمت در شیلات و حدود یک هفته پس از ترور حسنعلی منصور نخست وزیر پایان پذیرفت و از آن تاریخ به بعد دیگر هیچ گونه مداخله ای در کار ماهیگیری جنوب نداشتم و حوزه فعالیت شرکت شیلات ایران محدود به دریای خزر و رودخانه های آن شد. سفر به بندرعباس اولین و آخرین سفرم به جنوب در دوران تصدیم در شرکت شیلات ایران بود.

همزمان با این تغییرات، سناتور دکتر امیر حکمت در مجلس سنا سئوالی از دولت منصور در باره وضع ماهیگیری در دریای خزر و خلیج فارس نموده بود و هویدا وزیر دارائی در جلسه ۱۱ دی ماه ۱۳۴۳ مجلس سنا پاسخی به شرح زیر بدان داده بود: (۴)

"... در مورد وضع شیلات جنوب و نقشه های دولت برای بهره برداری از ذخائر حیوانی خلیج فارس و دریای عمان با تجربیاتی که عملاً به دست آمده و با مطالعاتی که برای بهره برداری صحیح از منابع حیوانی کلیه دریاها و آبهای کشور - که یک ثروت ملی است به عمل آمده دولت بدین نتیجه رسیده که مناسب ترین راه برای بهره برداری از ذخائر آن است که شرکت شیلات جنوب امر بهره برداری از تمام منابع مزبور را عهده دار شود. بدین ترتیب وجود دو شرکت مجزا یکی در شمال و دیگری در جنوب کشور سبب خواهد شد که حوزه عمل هر یک از آنها محدود بشود و مؤثراً بتوانند در توسعه ماهیگیری و آبادانی کشور قدمهای موثری بردارند. بزودی از طرف دولت مقررات جامعی برای ترتیب صید در دریاها و تفکیک وظایف شرکت ها تنظیم و آنچه لازم باشد برای تصویب تقدیم مجلسین خواهد شد." (۷)

در خصوص این که چرا در آن هنگام اصولاً چنین پرسشی در مجلس سنا مطرح شده بود، چیزی به خاطر ندارم و تصادفاً در سالهای اخیر ضمن بررسی جرائد آن ایام به این سئوال و جواب برخوردم. جالب اینست که پس از توضیحات وزیر دارائی سناتور حکمت مجدداً پشت تریبون رفته مطالبی دائر به اهمیت بهره برداری از منابع ماهی ایران در خلیج فارس بیان می کند و در دنباله صحبت خود، بطوری سربسته می گوید:

"موضوع استفاده از شیلات و ماهیگیری یک امر تخصصی است که نمیشود هر کس را در رأس شیلات گمارد."

به نظر نگارنده طرح "سازمان ماهی ایران" یک فرصت استثنائی پیش آورده بود که مسئله مهم ماهیگیری جنوب از جنبه های مختلف دقیقاً مورد بررسی و امعان نظر قرار گیرد و گرهی از کلاف سردرگم این مشکل بگشاید ولی این فرصت از دست رفت و من در پایان جلسه شورا در یک تجزیه و تحلیل نهائی پیش خود می اندیشیدم حال چه بسا واگذاری این مسئولیت به شیلات جنوب مآلاً اقدامی به خیر و صلاح کشور باشد و امیدوار بودم با نفوذ و قدرتی که دکتر ایادی دارد، موفق شود با استفاده از امکانات وسیع ارتش بهره برداری از دریاها و جنوب کشور را که آرزوی همه ایرانیان است، سروسامان دهد، ولی چه حیف که فکر و آرزوی قلبی من رویائی بیش نبود.

در دهه ۴۰ به علت بهتر شدن شرایط زیر بنایی کشور، ماهیگیری جنوب هم رو به بهبودی نسبی گذاشت. مصرف ماهیهای جنوب در کشور افزایش یافته، سبب تشویق بخش خصوصی به تاسیس موسسات صنعتی ماهیگیری و سردخانه

و افزایش ظرفیت سردخانه های موجود گردیده بود. در چنین شرایطی شرکت شیلات جنوب - که مدیریت ماهی گیری دریا های جنوب را هم تحصیل کرده بود- بیش از پیش وظیفه داشت که برای جوابگویی به انتظارات شاه و مردم بر طبق اساسنامه قانونی شرکت (۸) سریعاً به فعالیت بپردازد. با مرور در کارنامه شیلات جنوب پس از دی ماه ۱۳۴۳ ملاحظه می گردد که فعالیت این شرکت فقط دریافت حق الامتیاز از شرکتهای ماهیگیری کویتی و پاکستانی بوده و عملاً کار دیگری در زمینه ماهیگیری انجام نداده است. بر عکس مواردی گزارش شده که مسئولین شیلات جنوب برای برخی از موسساتی که در کار ماهیگیری صنعتی جنوب فعالیت داشتند مشکلاتی ایجاد کرده و مانع ادامه کار آنان شده اند. (۹)

اینک برای تکمیل مقال چند سالی به جلو رفته و دفتر خاطرات آن ایام را ورق می زنیم. خاطره ای که در زیر نقل می کنم، مربوط به سال پایانی دوران ماموریت هفت ساله نگارنده در کویت است که به عنوان سفیر در آن کشور خدمت می کردم و مسئولیت روابط با امارات خلیج فارس پیش از استقلال را هم بر عهده داشتم. در مرداد ماه ۱۳۵۰ (برابر اول ۱۹۷۱) به عنوان مهماندار شیخ زائد سلطان آل نهیان، امیر وقت امارت ابوظبی، (۱۰) که بنا به دعوت رسمی شاه به ایران سفر می کرد، و همراه با او به تهران رفته بودم. درسر میز ناهاری که در کاخ صاحبقرانیه به افتخار شیخ زائد ترتیب داده شده بود، بر طبق معمول امیر عباس هویدا نخست وزیر، علم وزیر دربار، اردشیر زاهدی وزیر امور خارجه و معدودی از درباریان و از آن جمله دکتر ایادی پزشک مخصوص شاه حضور داشتند. ضمن صحبت هائی که معمولاً به هنگام صرف غذا پیش می آید، شیخ زائد از شاه پرسیده بود که در ایران کار ماهیگیری را چه سازمانی عهده دار است؟ اعلیحضرت به هنگام پاسخ گویی بدین پرسش ناگهان چشمانشان به نگارنده افتاد و با اشاره سر انگشت به من به شیخ زائد پاسخ دادند که این سفیر ما در سالهای پیش عهده دار امور ماهیگیری بود و برنامه های جالبی داشت. ولی آن شخص (در این جا اعلیحضرت با سر انگشت اشاره ای به طرف دکتر ایادی کردند) به ما گفت ماهیگیری جنوب رابه من بسیارید و سه سال وقت بدهید، بهشت تحویلتان می دهم، ولی حالا که سالها از آن ایام گذشته است، ماکه هنوز از این بهشت موعود چیزی ندیده ایم.

این عین بیانات شاه است که با وجود گذشت سالیانی دراز هیچ گاه آن را از یاد نبرده ام و عیناً آن را بدون ذره ای تغییر در این جا نقل کرده ام. گفتاری که بی گمان بیانگر انتظاری شیرین همراه با یک یادآوری تلخ و یک ارزیابی به یاد ماندنی در تاریخ است. شاه ایران که یقیناً با امید و آرزوی فراوان همیشگی برای بهبودی و آبادانی مملکت، مسئولیت عمده ای به دکتر ایادی سپرده بود، پس از گذشت ۷ سال از این واگذاری، بدین سان در حضور یک شخصیت خارجی با تلخی اظهار عدم رضایت می کند. ناگفته نماند که اگر هر کس دیگری به جای دکتر ایادی می بود، به علت کوتاهی در انجام وظیفه و مسئولیتی که برای انجام یک کار مهم مملکتی - که خود داوطلبانه بر گردن گرفته بود- سالها پیش از آن کار برکنار و تنبیه شده بود. اما دکتر ایادی وضعی استثنایی داشت. او از شنیدن بیانات آن روزی شاه، کمترین اثری از انفعال در سیمایش دیده نشد و همان لبخند همیشگی را بر لب داشت که لابد می خواست وانمود کند شاه از راه لطف با پزشک مخصوص خود سر شوخی و مزاح دارد.

بی نویسه‌های بخش دوازدهم

- (۱)- شورای عالی اقتصاد جلسه ای بود که برای رسیدگی به مهمترین مسائل اقتصادی در دفتر پادشاه در کاخ مرمر تشکیل می گردید و نخست وزیر و تعدادی از وزیرانی که در کارهای اقتصادی مسئولیت هایی داشتند اعضای دائمی شورا بودند. جلسات شورا معمولاً در روزهای چهارشنبه تشکیل می شد.
- (۲)- سرلشگر (سپهبد بعدی) دکتر عبدالکریم ایادی، پزشک مخصوص شاه و از نزدیکان او بود. او در بسیاری از شرکتها ی عمده سهامدار بود و برخی از سازمانهای اقتصادی و از جمله اداره تدارکات ارتش (واردات دارو، تهیه پوشاک و لوازم مورد نیاز نیروهای مسلح) زیر نظر او قرار داشت .
- (۳)- "شیلات شمال" اصطلاحی بود که معمولاً به جای " شیلات ایران " به کار برده می شد.
- (۴)- مقامات ارتشی که در پست وزارت ویا سایر مقامات مهم دولتی مصدر مشاغلی بودند در این جلسات با لباس شخصی شرکت می کردند (باستثنای وزیر جنگ) و مثل سایرین در حضور شاه نشسته صحبت می نمودند. در باره این روش غیر معمول دکتر ایادی، یکی از وزرا حاضر در آن جلسه می گفت حضور دکتر ایادی با اونیفورم و طرز رفتار غیر عادی در این جلسه برای تملق بیشتر به شاه و ارباب حاضرین بود.
- (۵)- عبدالحسین بهنیا در کابینه علم وزیر دارایی بود و بنا به تقاضای شخصی از این پست استعفا کرد و علم خودش این پست را عهده دار گردید. بهنیا مورد احترام شاه و علم بود و با تشکیل اوپک با اختیارات کامل نمایندگی ایران را در این سازمان بر عهده داشت. در مصاحبه ای که در اوایل آبان ۱۳۸۷ (اکتبر ۲۰۰۸) در شهر واشینگتن با شادروان فرهنگ مهر داشتیم و نظر او را در باره بهنیا پرسیده بودم، پاسخ داده بود که بهنیا بر خلاف بعضی از شخصیت ها در مقابل زورگویی و کارهای خلاف قانون ایادی ایستادگی می کرد. یکی از مواردی که ذکر می نمود سماجت دکتر ایادی در مورد معافیت شرکت شیلات جنوب از پرداخت مالیات بر درآمد بود که ادعا می کرد چون سهامداران شیلات جنوب ایران موسسات دولتی هستند، شیلات از پرداخت مالیات بر درآمد معاف است ولی بهنیا، اتکا (سهامدار عمده در شیلات جنوب) را که یک شرکت تعاونی مربوط به کارکنان ارتش بود، دولتی نمی دانست.
- (۶) - روزنامه کیهان چاپ تهران. ۱۱ دی ماه ۱۳۴۳
- (۷) - واضح است که این تصمیم گیری "در نتیجه مطالعات دولت" نبوده بلکه عین امریه شاه بوده است .
- (۸) - "... کوشش در جهت بهبود وضع اقتصادی و عمران و کمک به امور درمانی ساکنان جنوب و ایجاد و تقویت شرکت های تعاونی و کمک به صیادان محلی.." الفاظ معنی داری بود که در فهرست مسئولیتهای شیلات جنوب در اساسنامه قانونی این شرکت ردیف شده بود.
- (۹) -- در گفتگو هایی که در آذر ماه سال ۱۳۸۷ در شهر واشینگتن با دکتر علینقی عالیخانی، در باره شکایتی که در دوران تصدیش در وزارت اقتصاد از شیلات جنوب دریافت داشته بود، اطلاعات زیر را در اختیارم گذاشت که باسپاس از او عیناً در زیر نقل می شود:
...در سال ۱۳۴۸، شخصی (نام این شخص را به خاطر نمی آورد) به او نامه ای نوشته و شکایت کرده بود که عده ای سرباز از سوی شرکت شیلات جنوب ایران به موسسه ای که شخص او برای صید، و پرورش و صادرات میگو در خور موسی واقع در حومه بندر ماهشهر بنا کرده است، رفته و بدون ارائه هیچگونه مجوزی موسسه را تعطیل کرده و مانع کار او شده اند. شاکي در شکایت نامه اش نوشته بود اوبه اعتبار مطالبی که مقامات دولتی درباره تشویق بخش خصوصی برای توسعه ماهیگیری ابراز می دارند و با کسب اجازه قبلی، سرمایه شخصی خود را برای ایجاد این موسسه به کار انداخته و در حال حاضر با تعطیل غیر قانونی موسسه اش رو به رو شده است و این وضع موجب زیان هنگفت او و بیکار شدن تعدادی کارگر شده است. شاکي با توضیح جریان امر تقاضای رسیدگی کرده بود. عالیخانی گفت عین شکایت رسیده را به عرض شاه رسانیده بود و شاه ضمن تاسف از این پیش آمد، اظهار داشته بود که دستور رسیدگی خواهد داد. عالیخانی بعداً اطلاع پیدا کرده بود که شاه پس از شرفیابی او به سپهبد اسداله اسدالله صنیعی وزیر جنگ که در همان هنگام در جلسه هیئت وزیران حضور داشت، تلفن کرده و او را مورد بازخواست قرار داده و دستور رفع مزاحمت فوری داده بود، در حالی که به خوبی می دانست وزیر جنگ هیچگونه دستی در این جریان نداشته و فرستادن سرباز و تعطیل موسسه صید و صادرات میگو به دستور دکتر ایادی صورت گرفته است.
- (۱۰) -- با خروج نیروهای انگلیسی از خلیج فارس، شیخ نشینهای خلیج فارس به استقلال رسیدند و در ۲ دسامبر ۱۹۷۱ فدراسیون امارات را تشکیل دادند و شیخ زاید بن سلطان آل نهیان را به عنوان اولین رئیس فدراسیون برگزیدند.

بخش سیزدهم

شرکت در نمایشگاه صنایع ایران و پایان مأموریت در شیلات

روز پانزدهم آذر ماه ۱۳۴۴ اعلیحضرت در سومین باری که برای دیدن غرفه های مختلف نمایشگاه بزرگ صنایع ایران آمده بودند، از غرفه شیلات ایران هم بازدید کردند. با ورود شاه به غرفه شیلات نوار موسیقی جالبی که به مناسبت این مراسم قبلاً در شیلات تهیه شده بود از بلند گوها پخش شد. گوینده آمدن شاه را به خانه صیادان خوش آمد گفت و خواننده ای شروع به خواندن یک تصنیف گیلکی کرد.

شاه با علاقه مخصوصی از بخش های متعدد غرفه دیدن کردند. در یکی از این بخشها مجموعه ای از ماکت انواع آبزیان دریای خزر که برای اولین بار در معرض نمایش قرار داشت، بسیار مورد توجه واقع شد. این ماکتها حاصل کار چندین ماهه هنرمندی بود که تصادفاً به شیلات آمده بود و با او آشنا شده بودم. از او خواسته بودم ماکت انواع آبزیان سواحل ایران در بحر خزر را عیناً و به اندازه و شکل و رنگ طبیعی آنها برای نگهداری در موزه ماهی شناسی شیلات بسازد. تهیه نمونه بعضی از آبزیان کمیاب، از جمله ماهی آزاد، که برای ساختن ماکت مورد نیاز بود، به زحمت میسر شد. امیدوارم این ماکت ها هنوز هم در شیلات موجود باشد.

در بخشی دیگر از این غرفه، آمار و ارقام و جداولی که نشانگر وضع ذخایر ماهیان ایران در دریای خزر بود به طور دقیق مورد توجه مخصوص شاه قرار گرفت و راجع به وضع ذخایر و پیش بینی وضع ماهی و خاویار در آینده و همچنین راجع به پیشرفت کار شرکتهای تعاونی ماهیگیران دریای خزر سئولات دقیقی مطرح کردند که حاکی از تسلط و علاقه کامل شخص ایشان به مشکلات روز و برنامه های آینده شیلات بود. شاه در پایان بازدید و موقع ترک غرفه گفتند در شیلات خیلی زحمت کشیدید از کارتان راضی هستیم، حالا می توانید بروید.

جمشید آموزگار وزیر دارایی که در این بازدید همراه شاه بود، به آهستگی از من پرسید کجا باید بروید؟ واقعا نمیدانم چرا در آن لحظه در پاسخ به پرسش آموزگار به قول قدما تجاهل العارف کردم و کفتم منظورشان را درست متوجه نشدم. ولی درحقیقت با توجه به گفتگویی که در چندی پیش با آرام وزیر امور خارجه داشتم، منظور شاه را کاملاً درک کرده بودم. به زودی مدت خدمت در شیلات پایان می پذیرفت و به ماموریت خارج از کشور می رفتم. در حقیقت اتمام کارم در شرکت شیلات، برخلاف آغاز آن که بلامقدمه انجام گرفت، این بار مسبوق به سابقه ای بود. حدود دوماه پیش از آن تاریخ در یکی از اولین روزهای مهر ماه ۱۳۴۴، امیرعباس هویدا نخست وزیر گفت با وزیر امور خارجه تماس بگیرم، او با من کاری دارد. دیدار با وزیر امور خارجه به نظرم امری عادی بود چون مرتباً با او در تماس بودم. فردای آن روز که برای ملاقات با آرام به وزارت خارجه رفتم، او گفت میدانید چند سالی است در نظر دارم شما را به وزارت خارجه بیاورم اما این کار مرتباً به عقب افتاده است. یک روز به ماموریت اوپک به ژنو رفتید و روزی دیگر مأمور خدمت در شیلات شدید. آن گاه با تبسمی گفت این بار فکر نمی کنم بتوانی از دستم در بروی و اضافه کرد طیق مرسوم در وزارت امور خارجه، در لیستی از افراد واجد شرایط که برای انتخاب پست سفارت در کویت به اعلیحضرت تقدیم کرده بودم، نام شما را هم نوشته بودم. شاه از میان افراد مندرج در آن لیست شما را انتخاب فرمودند و مطالب دیگری هم به نقل قول از شاه نقل کرد و سپس گفت پست سفارت ایران در کویت در شرایط امروزی یکی از حساس ترین و مهمترین پست های خارج از کشور است و نزدیک به یک سال است که بلا تصدی مانده است و وزارت امور خارجه در نظر دارد در آن کشور سفارتخانه فعالی دائر کند. در نظر داشتم هر چه زودتر شما را معرفی کرده و فوراً به محل ماموریت بفرستم ولی اعلیحضرت فرمودند چون کار های ناتمامی در شیلات در دست انجام دارید، بهتر است در اعزامتان به خارج خیلی عجله نشود، بنابر این باید منتظر دستورایشان بمانیم. وزیر خارجه تاکید نمود خود را برای رفتن به کویت آماده کنم و البته موضوع را فعلاً محرمانه تلقی کنم.

بدین ترتیب بود که دو هفته پس از آن، در روز ۲۹ آذرماه ۱۳۴۴ آرام وزیر امور خارجه، نگارنده را به عنوان سفیر در کویت به حضور شاه معرفی نمود. فردای آن روز برای آخرین بار به دفتر شرکت شیلات رفتم و از عموم همکارانی که در مدت ۴۱۷ روز ماموریتم در آن سازمان زحمات زیادی کشیده بودند و با همکاری صمیمانه آنان خدمات مفیدی در شیلات صورت گرفته بود، عمیقاً سپاسگزاری کردم و با آنان خداحافظی نمودم.

